

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

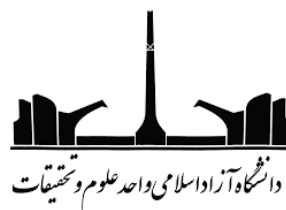






پژوهشنامه معارف اهل بیت (علیهم السلام)

سال سوم، شماره ۱۰، زمستان ۱۴۰۳



دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

صاحب امتیاز: پژوهشکده قرآن و عترت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی

شماره شاپا: ۸۵۱۱-۳۰۶۰

مدیر مسئول: عباسعلی رستمی ثانی

سردبیر: محمد رضا آرام

ترجمه چکیده انگلیسی مقالات: محمد رضا آرام

ویراستار علمی و ادبی: محمد رضا آرام

مدیر داخلی: سلماز علیزاده

نشانی: تهران، ضلع شمالی میدان نیاوران (میدان باهنر)، پلاک ۵، طبقه چهارم،

پژوهشکده قرآن و عترت.

رایانه: ahlalbaytresearchpaper1@gmail.com

تلفن: ۴۴۸۶۷۲۳۲ (۰۲۱) / نمابر: ۴۴۸۶۱۷۹۱ (۰۲۱)

وبگاه: <https://sanad.iau.ir/journal/abq/>

ناشر: پژوهشکده قرآن و عترت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی

لیتو گرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی

بهاء: ۳۰۰/۰۰۰ ریال

پژوهشنامه معارف اهل بیت (ع) در پایگاه های زیر نمایه می شود:

<https://eval.journals.iau.ir>: سامانه نشریات دانشگاه آزاد اسلامی

<https://tasnim.iau.ir>: سامانه پژوهشکده قرآن و عترت (تسنیم)

مطالب مندرج در مقالات نمایانگر آراء نویسندگان آنها است.



هیأت تحریریه

(محسن قاسم‌پور راوندی) استاد دانشگاه علامه طباطبائی تهران
(محمد رضا آرام) دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
(محمد جواد فلاح) دانشیار دانشگاه معارف اسلامی
(احمد حسینی رنجبر) استاد دانشگاه علامه طباطبائی تهران
(عبدالمجید طالب تاش) دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج
(سوسن آل رسول) استاد دانشگاه فردوسی مشهد
(محمد شریفانی) دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی تهران

مشاوران علمی

عباس اشرفی، امیر توحیدی، مجید معارف، محمد علی مهدوی‌راد، محمد تیموری، سید محمد رضوی

همکاران این شماره در داوری مقالات

محمد رضا آرام، حسین مرادی، فاطمه رحمانی سیدشکری، عباسعلی رستمی ثانی، علی شریفی،
مجتبی محمدی انویق، محمد تیموری.



راهنمای نگارش و ضوابط پذیرش مقاله

فصلنامه پژوهشنامه معارف اهل بیت (ع) به نشر پژوهشهای قرآنی، حدیثی و معارف نورانی اهل بیت علیهم السلام می‌پردازد. رسالت این مجله، توسعه روشهای پژوهش در مطالعات حدیثی و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است؛ هر مقاله‌ای که یک روش نوین پژوهش در این زمینه را ارائه کند، توسعه دهد، یا بومی‌سازی نماید، مطابق با رسالت مجله تشخیص داده خواهد شد و در اولویت نشر قرار خواهد گرفت. سیاستهای پذیرش، ویرایش و نشر مقاله در پژوهشنامه معارف اهل بیت (ع) بدین قرار است:

۱. مقاله‌ها باید نتیجه مطالعات و تحقیقات نویسندگان باشد. بر این پایه، زمانی برای داوران ارسال می‌شود که مؤلف یا مؤلفان با نگارش نامه‌ای به سردبیر، بدین ابراز تعهد، و تصریح کنند که:

الف) مقاله خود را در جای دیگری چاپ نکرده‌اند، برای داوری به مجلات دیگری ارسال ننموده‌اند، از مجله دیگری پذیرش نگرفته‌اند، و مقاله آنها در هیچ مجله دیگری نیز مردود و غیر قابل چاپ شناخته نشده است؛

ب) مقاله اصیل، و دستاورد مطالعات مؤلفان است و همه مؤلفان، افزون بر ایفای نقش مؤثر در پژوهش، نسخه نهایی مقاله را نیز خوانده، و تأیید کرده‌اند؛

پ) هر گاه و در هر مرحله‌ای از مراحل داوری، ویرایش، نشر و پسانشر، خلاف این برای سردبیر پژوهشنامه معارف اهل بیت (ع) ثابت شود، اولیاء مجله حق دارند ضمن اعلام امر به مراجع ذی‌صلاح — از جمله محل تحصیل و خدمت مؤلفان یا دیگر نهادهای پایشگر اخلاق پژوهش — و درج خبر در سامانه‌های اطلاع‌رسانی مجله، اجازه ورود هیچ مقاله دیگری از ایشان را هم به سیستم گردش کار مجله ندهند و انتشار مقاله انتحالی و انتساب آن به پژوهشنامه معارف اهل بیت (ع) را نیز در هر مرحله‌ای رسماً انکار، و در این باره اطلاع‌رسانی نمایند.

۲. رسالت آموزشی پژوهشنامه معارف اهل بیت (ع) همواره مهم تلقی می‌شود. بر این پایه، همواره زبان و شیوه بیان مقالات باید چنان گویا و روان باشد که افزون بر ارائه یک مطالعه علمی روشمند و معطوف به حل مسأله، دانشجویان و دانشوران همه دانشها و گرایشهای علوم انسانی بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند و از آن برای حل مسائل مشابه یا پاسخ گفتن به دغدغه‌های علمی دیگر خویش، الگو بگیرند. باید این رویکرد همواره در شیوه بیان، کاربرد اصطلاحات، مشخص کردن حرکات اعرابی روی کلمات سخت‌خوان، ارائه منابع و هر چه از این دست منظور شود.

راهنمای نگارش و ضوابط پذیرش مقاله <۸>

۳. لازم است مقاله‌ها در محیط نرم افزار میکروسافت وُرد و با دبیره‌ای (فونتی) یونی‌کد نوشته، و با هر دو دو فرمت پی‌دی‌اف و وُرد به سامانه الکترونیکی مجله ارسال شوند.

۴. نام و نام خانوادگی مؤلف، رتبه دانشگاهی، گروه آموزشی، نام دانشگاه یا مؤسسه پژوهشی محل خدمت، شماره تلفن و نشانی پستی دقیق منزل و محل کار به همراه کد پستی و نشانی الکترونیکی تک‌تک مؤلفان مقاله درج گردد.

۵. مقالات **پژوهشنامه معارف اهل بیت (ع)** اغلب حجمی در حدود ۶'۰۰۰ تا ۸'۰۰۰ کلمه دارند. شایسته است مقالات کوتاه‌تر به همایشهای تخصصی ارسال شوند. همچنین، سوگیری نظری مجله اقتضا می‌کند مقالات و تحقیقات بنیادی — که طولانی‌تر هستند — کم‌تر بدان راه یابند. هرگز دستاوردهای مطالعه ارزشمند یک پژوهشگر به بهانه زیادی حجم از نشر بازداشته نمی‌شوند. در عین حال، کوشش خواهد شد اثر مبسوط چنان ویراسته شود که با رویکرد آموزشی مجله همسو گردد و دانشجویان تازه‌کار علاقه‌مند به پژوهش نیز بتوانند به‌سادگی و بی‌سردرگمی با محتوای آن ارتباط برقرار کنند.

۶. مقاله به‌ترتیب مُشتمل خواهد بود بر: عنوان، چکیده (حداکثر ۱۷۰ کلمه)، کلیدواژه‌هایی حاکی از موضوعات فرعی مطرح در مقاله که در عنوان و چکیده اشاره‌ای به آنها نشده باشد، درآمد (حاوی تبیینی فشرده از زمینه بحث، ضرورت‌های نظری مطالعه در آن، جایگاه مسأله این مقاله در آن زمینه، و مفاهیم بنیادین بحث)، طرح مسأله (مروری فشرده بر آنچه تا به حال در باره آن مسأله گفته‌اند، ابهامات و اشکالات آن دیدگاهها، سؤالاتی از آن میان که در این مطالعه قرار است برای آنها پاسخ یافت، و مراحلی که قرار است پیایی بدین منظور در بخشهای بعد پیموده شود)، بدنه مقاله (سه یا چهار بخش با حجمهای تقریباً مساوی، که هر یک دربردارنده سه یا چهار فصل با حجمهای تقریباً مساوی است و در هر یک، یکی از مراحل پیش‌گفته بازنموده می‌شود)، نتیجه‌گیری، منابع، و چکیده انگلیسی.

۷. ارجاعات همه داخل متن، بی‌فاصله پس از نقل مطالب، و میان پرانتز جای می‌گیرد و نام شهر مؤلف، سال نشر، جلد و صفحه مورد نظر را بیان می‌کند؛ مثل: (طباطبایی، ۱۳۹۵ش، ۱/ ۳۵). منابع مختلف در داخل متن با نقطه ویرگول از یکدیگر جدا می‌شوند.

۸. ارجاع به منابع دست دوم، کم اهمیت و غیر ضروری پذیرفته نیست. در فهرست پایانی منابع نیز، تنها باید منابعی ذکر شود که در متن بدانها استناد شده باشد. به ترتیب الفباء، نخست منابع فارسی و عربی، و بلافاصله منابع تألیفی به دیگر زبانها جای می‌گیرد.

۹. ارجاع در منابع پایانی چنین است: مشخصات مؤلف (نام اَشْهَرِ مؤلف، نام مؤلف)، سال نشر (همراه با علامت ش برای شمسی، ق برای قمری و م برای میلادی)، مشخصات اثر (نام کتاب با حروف درشت و کج یا نام مقاله داخل گیومه، ویرگول، نام کتاب یا مجله حاوی آن مقاله با حروف درشت و کج)، مشخصات مترجم یا مُصَحِّح اثر (مثلاً: ترجمه احمد آرام، یا به کوشش علی اکبر غفاری)، و سرآخر، مشخصات نشر (محل نشر و ناشر یا شماره سری و نوبت چاپ مجله). نیز، منابع به ترتیب الفبایی پشت سر هم قرار می گیرند و در پایان هر یک از آنها نیز نقطه نهاده می شود. برای نمونه:

- حسینی، محمد رضا (۱۴۱۰ق)، «مَقُولَةُ جِسْمٍ لَا كَالْأَجْسَامِ»، *تراثنا*، سال دهم، شماره ۱۹.
- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر (۱۹۶۴م)، *بُغْيَةُ الوُعَاءِ*، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت/ صیدا، المكتبة العصرية.

۱۰. نام اَشْهَرِ مؤلفان و کتابها را باید بر اساس شیوه یادکرد مؤلف در اغلب آثار یا مراجعه به کتب اعلام و دائرةالمعارفها بازشناخت و لزوماً عنوان پشت جلد اثر صحیح نیست. مثلاً، نام اشهر محمد حسن نجفی، «صاحب جواهر» است، یا گرچه مؤلف کتابِ مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه در سده های متأخر به نام «شیخ صدوق» نیز شناخته می شود، نام اَشْهَرِ وی و ضبط آثاری همچون دائرةالمعارف بزرگ اسلامی «ابن بابویه» است. اگر مؤلفی به چند نام شناخته می شد، نامی را برمی گزینیم که با بی طرفی علمی سازگارتر باشد.

۱۱. اقتضای بی طرفی علمی، حذف القاب و عناوین است و از این رو، هر چیز غیر از نام اشهر، نام و نام پدر فرد حذف می شوند. نیز، کنیه اشخاص نوعی لقب تلقی می شود و جای ذکر نامشان را نمی گیرد:

- صحیح: «عطار نیشابوری، محمد بن ابراهیم» غلط: «عطار نیشابوری، فریدالدین»
 - صحیح: «عجلی، احمد بن عبدالله» غلط: «عجلی، ابوالحسن».
- نیز، در صورت تطابق نام اَشْهَرِ فرد با نام کوچکش، تکرار لازم نیست؛ مثلاً می نویسیم: احمد بن حنبل، *المسند*، بیروت، دار صادر. سرآخر، هر گاه ناشر یا تاریخ و محل نشر مشخص نباشد، لازم به توضیحی زیاده در این باره حین ذکر مشخصات نیست؛ همچون ارجاع فوق به *مُسْنَدِ احمد بن حنبل* که تاریخ نشر مشخص نیست و از این رو، ذکر نشده است. وانگهی، در حکم به نامشخص بودن ناشر یا زمان و محل نشر، تعجیل نباید کرد؛ پشت جلد کتاب ملاک نیست و باید مشخصات نشر اثر حداًالامکان با بهره جویی از فهرست کتابخانه ها و منابع مشابه تکمیل و تصحیح شوند.

راهنمای نگارش و ضوابط پذیرش مقاله <۱۰>

۱۲. افزون بر ارسال چکیده انگلیسی، لازم است عنوان مقاله، نام نویسندگان، و کلید واژه‌ها نیز به انگلیسی ترجمه، با فونت تایمز نیو رومن تایپ، و در صفحه چکیده انگلیسی درج و ارسال شوند. جدولها، شکلها و نمودارها با شماره‌گذاری، عنوان و توضیحات، هر کدام روی یک صفحه جداگانه آورده شود.

۱۳. ارسال مقاله به مجله مطالعات تاریخی قرآن و حدیث به معنای آن است که مؤلفان، اولاً، وارد کاری جمعی شده‌اند و بنا دارند مقاله را تا آخرین مرحله نشر، بر اساس نظر جمع (داوران، ویراستاران، سردبیر و هیأت تحریریه) اصلاح و بهینه‌سازی کنند و بهینه‌سازیهای صورت‌گرفته در مراحل ویرایش را نیز، پذیرا شوند؛ ثانیاً، همه امتیازات نشر مقاله خود را به مجله واگذار نموده‌اند؛ ثالثاً، در فرایند آماده‌سازی مقالات، همواره به تصمیمات جمعی اتخاذ شده در سیستم گردش کار مقالات پای‌بند هستند و تحت هیچ شرایطی نظر خود را بر نظر مراجع یادشده مقدم نمی‌دارند.

۱۴. بر پایه روندی که به تفصیل در پیوند صفحه اول سامانه مجله با عنوان «فرایند گردش کار مقالات» شرح داده شده است، برای نشر مقاله مراحل مختلفی طی خواهد شد که اجمالاً بدین قرار است: هر مقاله به محض دریافت بر پایه رسالت مطالعات تاریخی قرآن و حدیث سنجیده می‌شود. هر گاه کارشناسان مجله حکم به هماهنگی مقاله با رسالت مجله کنند، سردبیر مقاله را برای دو داور که تخصصی مرتبط با موضوع مقاله داشته باشند می‌فرستد. هر گاه مقاله با رسالت مجله تناسب نداشت، مؤلف بی‌درنگ آگاه می‌شود که بتواند آن را برای دیگر مجلات ارسال کند. همچنین، اگر پیکره‌بندی مقاله با شیوه‌نامه مجله هماهنگ نباشد، پیش از وارد کردن مقاله به سیستم گردش کار و ارسال برای داوری، اصلاح آن از مؤلف طلب خواهد شد. مقاله‌هایی که با شیوه‌نامه مجله تطبیق نداشته باشد، برای ارزیابی ارسال نمی‌گردند.

۱۵. فرایند داوری حدود دو هفته تا یک ماه به طول می‌انجامد. در موارد خاص — مثل وقتی که داور به هر دلیل، از داوری خودداری کند، یا مثلاً، بخواهد شواهد خود را به تفصیل در نقد مقاله بازنماید — ممکن است این زمان قدری طولانی‌تر شود. پس از کسب نظر داوران، سردبیر مطابق تفصیل توضیح‌داده شده در پیوند «فرایند پذیرش» که قبلاً ذکرش رفت، بر پایه تشخیص غالب ایشان ممکن است مقاله را رد کند یا از مؤلف توضیح یا اصلاح بخواهد. اگر توضیحات یا اصلاحات مؤلف برای سردبیر قانع‌کننده بودند، مقاله در این مرحله تأیید خواهد شد و به جلسه تحریریه راه خواهد یافت. نظر اعضاء تحریریه تعیین‌کننده نهایی پذیرش مقاله خواهد بود. در پایان مقاله به ویراستاران سپرده خواهد شد. ویراستاران ساختار کلی مقاله و انسجام منطقی بحثها را بازمی‌نگرند، ارجاعاتی را از باب نمونه — یا حتی در مواقع لزوم، همه ارجاعات را — بازمی‌بینند، مقاله را با

رویکرد مجله و هدف آن — بومی‌سازی روشهای پژوهش — هماهنگ، و احیاناً، آن را خلاصه می‌کنند. ویراستاران مجله در تلخیص و ویرایش مقاله‌ها آزادند. سرآخر، مقاله ویراسته برای اطمینان از کیفیت آن به مؤلف هم عرضه می‌شود.

۱۶. ارسال مقاله به مجله، به معنای پذیرش نقش داوران و ویراستاران در اصلاح و بهینه‌سازی مقاله است. هر گونه تلاشی از جانب داوران و ویراستاران مقاله، همچون کمکی به عرضه بهتر نظریه مؤلف تلقی خواهد شد. بر این پایه، مؤلفان حتی اگر برای دریافت نظر داوران مجله انتظار کشیدند و سرآخر نیز پاسخ مطلوبی نگرفتند یا نقدها را برنتافتند، خود را وامدار خیرخواهی و نشر علم ایشان خواهند شناخت؛ همچنان که اصلاحات صوری و محتوایی داوران، پیشنهاد افزودن منابع، هم‌سان‌سازی اصطلاحات مقاله با اصطلاحات کار بسته در مقالات پیشین، اصلاح و تدقیق نتیجه‌گیریها، و هر ویرایشی از این دست سبب نخواهد شد باب گفتگو را بسته ببینند. در صورت بروز اختلاف میان مؤلف و ویراستاران و حل نشدن مشکل با مذاکره آنها، نظر سردبیر یا در صورت صلاحدید وی، هیأت تحریریه تعیین کننده خواهد بود. در هر حال، نشر مقاله به نام یک مؤلف تنها با تأیید نهایی او ممکن است.

۱۷. هر گاه مؤلف به هر دلیل پس از داوری مقاله از انتشار آن در *مطالعات تاریخی قرآن و حدیث* انصراف دهد، باید بر اساس ضوابط پرداخت هزینه‌ها در دانشگاه آزاد اسلامی همه هزینه‌هایی را که از آغاز پذیرش مقاله تا زمان انصراف بر مجله تحمیل شده است، پرداخت کند؛ هزینه‌هایی مثل حق‌الزحمه داوران، ویراستاران علمی و ادبی اصل مقاله و چکیده انگلیسی آن، و آماده‌سازی مقاله برای انتشار. هر گاه اعلام انصراف وی پس از ویرایش مقاله و آماده سازی آن برای نشر باشد، همه حقوق معنوی نسخه ویراسته متعلق به مجله خواهد بود و مؤلف حتی پس از پرداخت هزینه‌های فوق، حق نشر کل یا بعض آن نسخه را بدون اجازه رسمی سردبیر و تصریح به نقش ویراستاران مجله در نسخه دردست انتشار نخواهد داشت.

۱۸. تنها زمانی برای مؤلف گواهی پذیرش صادر می‌شود که افزون بر تأیید داوران و تحریریه، مقاله به تأیید ویراستار علمی نیز برسد و در سنجشهای ویراستاران اصالت مقاله، انسجام مطالب و اعتبار منابع تأیید شود. هر گاه سردبیر یا ویراستاران مجله برای بررسی اعتبار ارجاعات احساس نیاز کنند، مؤلفان باید اصل یا کپی منابع درخواستی را به دفتر مجله ارسال دارند.

۱۹. مقالات ویراسته به ترتیب تاریخ پذیرش در آخرین شماره در حال نشر مجله چاپ می‌شوند؛ مگر آن که سردبیر تشخیص دهد برقراری چینش خاصی میان مقالات با اهداف مجله متناسب‌تر

راهنمای نگارش و ضوابط پذیرش مقاله <۱۲>

است؛ مثلاً، وقتی چند مقاله به یک موضوع مربوطند و فهم بهتر برخی، درگرو فهم برخی دیگر باشد.

فهرست

- جلوه‌های معلّمی در نهضت حسینی / محمدصادق حامدی..... ۱۳
- کاوشی بر قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) ثقلین تمدن ساز / محمد معرفت..... ۲۹
- رابطه بین دینداری اسلامی و سرمایه فکری با ترویج اندیشه مهدویت... / حدادنیا..... ۴۷
- عوامل و پیامدهای افراط‌گرایی دینی در آموزه‌های اهل بیت (ع)... / معارف، نقوی..... ۶۸
- واکاوی راهکارهای مقابله با تبلیغات ضد دینی... / بیدگلی، رجبی، رستمی..... ۹۲
- بررسی رابطه زنان با مهدویت و جریانات فکری فمینیسم / حبیب‌نیا، مکانی..... ۱۰۹
- چکیده‌های انگلیسی ۱۳۱

جلوه‌های معلمي در نهضت حسيني

محمدصادق حامدي^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲، صفحه ۱۳ تا ۲۸ (مقاله پژوهشی)

چکیده

سیره امام حسین (ع) در ادامه سیره پیامبراکرم همواره برای عموم مسلمانان مورد توجه بوده و هست و عمدتاً جنبه‌های سیاسی اجتماعی آن مورد توجه ویژه قرار گرفته است. در حالی که ریشه‌ای‌ترین عملکرد ائمه اطهار که زیربنای همه برون‌دادهای ایشان در عرصه‌های مختلف است، رویکرد معلمي ایشان خصوصاً مبتنی بر تعلیم و تعلم قرآن کریم بوده که باید مورد توجه قرار بگیرد. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی بر آن است که براساس تحقیق موضوعی تعلیم و تربیت در قرآن کریم و نشان دادن برخی از اصول به دست آمده از آن و نمایش آن‌ها در الگوی تعلیم و تربیت پیامبراکرم، آن را در سیره امام حسین (ع) دنبال کند و توانمندی آن را در ایجاد یک فهم و زبان مشترک بین افراد در جایگاه‌ها، سن‌ها و موقعیت‌های تصمیم‌گیری مختلف نشان دهد. در این راستا، ابتدا این اصول به اختصار بیان شده‌اند و سپس به صورت موردپژوهی در سیر نهضت حسینی ده مورد به عنوان نمونه گزینش شده و اثر آن الگوی واحد در آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: سیره نبوی، نهضت حسینی، تعلیم و تربیت، معلم و معلمي.

۱. کارشناسی ارشد مهندسی نرم‌افزار، استادیار معلم (هنرآموز رشته کامپیوتر) آموزش و پرورش منطقه ۱۱ تهران، پژوهشگر مؤسسه فرهنگی هنری کانون نشر و ترویج زبان قرآن (کانون زبان قرآن).

درآمد

رویکرد مع‌می در نهضت امام حسین (ع) یک مبنا و اصل اصیل است و همه این حرکت مبتنی بر یک نظام تعلیم و تعلّم پیشرفته، حرفه‌ای و کارآمد استوار شده است که توانسته است شخصیت‌های بزرگی را پدیدآورد و همچنان نیز در حال تعلیم و تربیت انسان‌های بسیاری است. اگر بخواهیم تا این مطلب هرچه دقیق‌تر در نهضت امام حسین (ع) رصد شود، باید مقداری به عقب بازگشت کنیم تا مطلب روشن شود و در واقع ریشه و اصل این نگاه به تعلیم و تربیت دنبال گردد و مشخص شود کدام فلسفه تعلیم و تربیت توانسته است بر این آموزش حاکم شود تا چنین خروجی‌هایی را ایجاد کند. در نهضت حسینی آن چیزی که بسیار جلوه‌گری می‌کند این است که انسان‌هایی که در طول این مسیر با امام حسین (ع) برخورد داشته‌اند، هرچند با گرایش‌ها و جایگاه‌ها و سن و سال مختلف، اگر در این مواجهه مع‌می ایشان را پذیرفته باشند و از ایشان اتّباع کرده باشند، در موقعیت عمل، با یک نوع رویکرد و فکر واحد عمل کرده‌اند و این مطلب بسیار نیاز به ریشه‌یابی دارد تا بتوان از آن در تعلیم و تربیت الگو گرفت.

اساساً وقتی صحبت از مع‌می در این سطح می‌شود نباید موضوع را با کلیشه‌های ذهنی امروزی از مع‌م و مدرسه یا آموزش و پرورش رسمی اشتباه گرفت. امروزه در اکثر فضاهایی که صحبت از مع‌م و مع‌می است حتّی در کشورهای به ظاهر پیشرفته، یک فرهنگ تضعیف شده از مقوله تعلیم و تعلّم و مع‌می قابل ملاحظه است. مع‌می که شناخته می‌شود بسیار از حدّ و سطح خود تنزّل پیدا کرده است و باید با زحمت خالص آن را یافت، مانند داده‌کاوی^۲ (data mining)، که کار دشواری است، نیاز به مع‌م‌کاوی (teacher mining) وجود دارد؛ در حالی که همواره باید در قرآن‌کریم، به عنوان مهم‌ترین مرجع و سند اسلام، و سپس سیره پیامبراکرم به مصداق آیه ۲۱ سوره احزاب «لقد کان لکم فی رسول‌الله اسوۀ حسنۀ» و بعد از ایشان ائمه اطهار که نفس رسول‌الله هستند، آنچه به عنوان شاخص و میزان برای ارزیابی تعلیم و تربیت و مع‌می تعریف شده، مورد بررسی و رصد قرار گیرد و مبانی و اصول مع‌م و مع‌می و در یک کلام تعلیم و تربیت با آن سنجیده شود و بر آن اساس راهکارهای لازم به دست آید.

هرچند در طول قرون متمادی دانشمندان مسلمان کوشیده‌اند نظام تعلیم و تربیت اسلامی را تعریف و پایه‌گذاری کنند، ولی معمولاً این کوشش‌ها بر مبنای الگوهای فلسفی بیرون از بیان قرآن

۲. داده‌کاوی استفاده از یادگیری ماشین و تجزیه و تحلیل آماری برای کشف الگوها و سایر اطلاعات ارزشمند از مجموعه داده‌های بزرگ است. (What Is Data Mining?/IBM 2024.000Z)

و به دور از سیره پیامبر اکرم و ائمه اطهار شکل گرفته و از قرآن و سنت معصومین، صرفاً به ذکر شاهد مثال‌هایی برای آن مطالب اکتفا شده است و وضعیت کنونی تعلیم و تربیت شکل پیدا کرده است که در یکصد سال اخیر با الگوپذیری از غرب وضعیتی خاص‌تر نیز به خود گرفته است که تحلیل این مطلب بیرون از اهداف این نوشتار است. مقاله پیش‌رو در پی آن است که بر اساس مبانی و اصول به دست آمده از تحقیق موضوعی «تعلیم و تربیت» در قرآن کریم، بارقه‌های تعلیم و تربیت از منظر قرآن را در سیره امام حسین (ع) به عنوان عامل‌ترین شخص به این مبانی و اصول دنبال کند و نمونه‌هایی از آن را در سیر نهضت ایشان که یک حرکت تعلیمی و تربیتی است نشان دهد.

مبانی و اصول و قواعد

لازم است این سه عنوان در ابتدای بحث تعریف شوند. آن چیزی که زیربنای یک درک صحیح است مبانی است که تعداد بسیار کمی از آن در مسیر پژوهش احصا می‌شود. مبانی همان رهیافت‌های ما در تحقیق و پژوهش هستند که کاملاً انتزاعی تعریف می‌شوند و مبنای نظری بحث قرار می‌گیرند. در هر حوزه عملی اصولی مطرح هستند که مبتنی بر مبانی تعریف می‌شوند و تعداد بیشتری نسبت به مبانی هستند. این «اصول» که همان راهبردهای ما هستند ما را یک قدم به حوزه اجرا و عمل نزدیک‌تر می‌کنند. در حوزه عملیاتی «قواعد» یا راهکارها وجود دارند که بر اساس اصول به دست می‌آیند.

تعلیم و تربیت در قرآن کریم و سیره نبوی

بر اساس تحقیق موضوعی در قرآن کریم (لسانی فشارکی و مرادی زنجانی ۱۴۰۰ش) با موضوع تعلیم و تربیت با کلید واژه «عَلَّمَ، یَعْلَمُ» و هم‌خانواده‌های آن^۳، اولین مبنای اساسی در معلمی این است که معلمی شأن و کار خداست (عَلَّمَ الْإِنْسَانَ. عَلَّمَ بِالْقَلَمِ. عَلَّمَهُ الْبَيَانَ...). حال براساس همین مبنا اصلی مطرح می‌شود که بسیار مهم است و آن اصل در دعای ابراهیم (ع) نهفته است؛ آنجا که خداوند در کلام خود آن را جاودانه کرده است: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يَزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (بقره/۱۲۹)؛ یعنی، خدای عزیز حکیم، برای مردمانی که قرار است باشند و در کنار این کعبه مناسک به‌جای آورند،

۳. اشاره به تحقیق موضوعی تعلیم و تربیت (آموزش و پرورش) در قرآن کریم که طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ توسط نگارنده در مؤسسه فرهنگی هنری کانون نشر و ترویج زبان قرآن انجام و ارائه شد.

معلمی مبعوث کن که کتاب و حکمت را تعلیم دهد و آن‌ها را تزکیه کند. حضرت ابراهیم (ع) «وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا» را مطرح می‌کند و سپس خدای عزیز حکیم به عنوان خبر از استجابت این دعا می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ...» (جمعه/۲). اینجا تنها جایی است که خداوند در بعثت همه انبیاء اراده کرده است که اعلام کند دعای حضرت ابراهیم خلیل الله اجابت شده است و عملاً این دعا به صورت تمام و کمال فقط در حق حضرت محمد (ص)، رسول الله مطلق و خاتم پیامبران قابل تأیید و اجابت کامل بوده است.

حال همین پیامبر اکرم و رسول گرامی مبعوث شده از سوی خدای عزیز حکیم خود را چنین معرفی می‌کند: «وَأَنَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا» (متقی ۱۴۰۹ق، ۱۶۹) و یا به شکلی دیگر «أَنَا لَمْ أُبْعَثْ مُعْتًا وَأَنَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا مُسِرًّا» (ابن عبد البر ۱۴۲۱ق، ۳۱) و در بیانی دیگر آمده است «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْنِي مُعْتًا وَلَا مُتَعْتًا، وَلَكِنْ بَعَثَنِي مُعَلِّمًا مُسِرًّا» (مسلم بن حجاج ۱۴۱۲ق، ۱۱۰۵) و همچنین آمده است «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْنِي مُعْتًا، وَلَكِنْ بَعَثَنِي مُعَلِّمًا مُسِرًّا» (ابن کثیر ۱۴۱۹ق، ۳۶۱) که در اینجا به جای «مُتَعْتًا» یا «مُعْتًا»، «مُعْتًا» آمده است که همه در یک فضا و معنا هستند. با مراجعه به کتب لغت می‌بینیم که مُعْتًا به معنای سرزنشگر و خشن آمده است و اگر مُعْتًا باشد «کسی که رنج ایجاد می‌کند»^۴ معنا شده است و اگر «مُتَعْتًا» باشد، آزاررسان و عیب‌جوینده معنا می‌شود^۵ و کلمه مُسِرًّا نیز بسیار به کلمه مُبَشِّرًا (معلم بشارت دهنده) نزدیک است^۶. یعنی آسانی زمینه بشارت را فراهم می‌آورد و خلاصه همه این‌ها در قرآن کریم همین است که: «وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ» (صاد/۸۶) کما اینکه برخی از محققین در امر تعلیم و تربیت نیز نتوانسته‌اند ارتباط این آیه را با امر تعلیم و تربیت نادیده بگیرند و بیان کرده‌اند: «انسان موجودی است با ابعاد گوناگون عقلی و هنری و احساسی و تنوع طلب چنانچه یک بعدی از این ابعاد بدون توجه به جوانب دیگر مورد غفلت قرار بگیرد، ممکن است اثری نامطلوب و معکوس در روحیه او داشته باشد و چه بسا سبب طغیان‌گری او شود. بدین جهت است که اسلام در نظام و فلسفه تعلیم و تربیت خود بدان اهتمام وافر داده است و پیامبرگرامی اسلام در برنامه‌های خود آن را به صورت یک اصل ذکر فرموده است که «ما انا من المتكلفين»؛ (مجمع آموزش عالی امام خمینی «رحمه الله» ۱۳۸۹ش) همچنین آیه شریفه «فَذَكَرْنَا

۴. أَعْنَتْ شَخْصًا: أَوْقَعَهُ فِي شِدَّةٍ أَوْ إِثْمٍ، شَدَّدَ عَلَيْهِ وَالزَّمَهُ مَا يَشَقُّ عَلَيْهِ تَحْمُلُهُ (معجم المعانی).

۵. طَلَبُكَارِ خَوَارِي كَسِي؛ سَهْوٌ وَخَطَايَا كَسِي جَوِينْدَه وَ عَيْبُ جَوِينْدَه (دهخدا ۱۳۷۳ش).

۶. قابل توجه است که در برخی روایات نیز به همین شکل آمده است که مؤید این مطلب است؛ مثلاً: نسائی (۱۴۱۱ق)، ص ۲۴۸: «... مُعَلِّمًا مُبَشِّرًا».

انت مذکر. لست علیهم بمصیطر» (غاشیه/۲۱ و ۲۲) نیز عبارت و بیان دیگری از همین مطلب است. همین مطلب در سیره پیامبراکرم برای آموزش قرآن کریم نیز وجود دارد؛ آنجا که به افرادی که برای آموزش قرآن از سوی ایشان مأمور می‌شدند (معلم) فرموده‌اند: «یسروا و لاتعسروا و بشروا و لاتنفروا» (بخاری ۱۴۱۰ق، ۶۷). که نشان می‌دهد معلم اگر آسان‌گیر باشد بشارت‌دهنده است و اگر سخت‌گیر و عسرآور باشد باعث نفرت می‌شود (جهت تفصیل بیشتر رک: مطهری ۱۴۰۲ش، ۱۱۵/۵؛ لسانی فشارکی و دیگران ۱۳۷۹ش، ۲۹۵).

وقتی این مبنا برای مهم‌ترین تعلیم به بشر که تعلیم کتاب خداوند است که از حساسیت و دقت بالایی باید برخوردار باشد، تعریف و تعیین شده است، پس برای تعلیم هرآنچه بعد از آن قرار می‌گیرد، طبعاً اینگونه باید باشد. یک نمونه از توصیف معلمی پیامبراکرم در روایات به این شکل آمده است: «راوی می‌گوید: ما همراه پیامبراکرم مشغول نماز بودیم که ناگهان فردی عطسه کرد، پس در همان حال من گفتم: «یرحمک الله» و در آن لحظه افراد با نگاهی خشن و خاص به من نگاه کردند و دوباره گفتم: مادران به عزایان بنشینند! چه کار دارید که به من نگاه می‌کنید. پس با دستانشان روی ران‌هایشان زدند و چون چنین دیدم، دهانم را بستم و ساکت شدم. هنگامی که پیامبراکرم نماز را به پایان رساندند مرا صدا کردند؛ پدر و مادرم به فدایش، قبل و بعد از او هیچ معلمی را ندیدم که بهتر از او تعلیم دهد؛ به خدا مرا ملامت نکرد؛ کتک نزد و هیچ شماتی نکرد و فرمود: این نماز است و مناسب نیست که در آن از گفتار مردمان باشد؛ چرا که نماز محل تسبیح و تکبیر و قرائت قرآن است» (ابوغده ۱۴۱۷ق)^۷.

از این نمونه‌ها در رفتار پیامبراکرم با مسلمانان موارد بسیاری می‌توان یافت و این درحالی است که پیامبراکرم با همه بالا بودن جایگاه و مقام اصحابشان هرگز نفرمودند: «ما رأیت اصحاباً ابراً و اوفی^۸ من اصحابی» (من تاکنون یارانی باوفا تر و بهتر از یاران خود ندیده‌ام) و امام حسین (ع) این را فرموده‌اند (موسوعه کلمات الامام الحسین (ع) ۱۳۸۳ش). حال همین معلمی پیامبراکرم در مرحله‌ای متأخر با همین کیفیت و حتی توسعه‌یافته به امام حسین (ع) منتقل شده است که جای

۷. و روی مسلم أيضاً عن معاوية بن الحكم السلمي رضى الله عنه قال: «بينما أنا أصلي مع رسول الله صلى الله عليه وسلم، إذ عطس رجلٌ من القوم، فقلت: يرحمك الله، فرماني القوم بأبصارهم! فقلت: وائكل أمياه، ما شأنكم تنظرون إلي؟! فجعلوا يضربون بأيديهم على أفخاذهم، فلما رأيتهم يصمتونني سكت. فلما صلى رسول الله صلى الله عليه وسلم دعاني، فبابي هو وأمي، ما رأيت معلماً قبله ولا بعده أحسن تعليماً منه، فوالله ما كهرني، ولا ضربني، ولا شتمني، قال: إن هذه الصلاة لا يصلح فيها شيء من كلام الناس، إنما هو التسبيح، والتكبير، وقراءة القرآن»

درنگ و تأمل بسیار دارد (برای تفصیل بیشتر رک: لسانی فشارکی ۱۴۰۲ش؛ لسانی فشارکی و مرادی زنجانی ۱۳۹۸ش، فصل از کعبه تا کربلا). هنر این معلّم این است که آنچه از معلّمین خود به ارث برده است، مدام ارتقا می‌دهد. متعلّم خوب آن است که از معلّم خود فراتر می‌رود و رشد می‌کند و حتّی خیلی اوقات آنچه کار خود است را به معلّم خود نسبت می‌دهد، در حالی که شاید معلّم او این مطلب را نداشته یا نگفته است. این معنا در بطن کلمات «مصدّق و مهیمن» که در قرآن کریم آمده است، نهفته است کما اینکه در آیه ۴۸ سوره مبارکه مائده آمده است «و انزلنا الیک الكتاب بالحقّ مصدّقاً لما بین یدیه من الکتاب و مهیماً علیّه» و این آیه در سیاق ردیف‌های تحقیق موضوعی تعلیم و تربیت در قرآن کریم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که یک اصل مهم در امر تعلیم و تربیت را بیان می‌کند.

جلوه‌های معلّمی در تاریخ عاشورا

جلوه‌های معلّمی در نهضت حسینی محدود به سال ۶۰ و ۶۱ هجری و صرفاً در حاشیه عاشورا و کربلا نیست و خود حدیث مفصّل دیگر است و تعلیم و تعلّم در سیره حسینی را مجالی دیگر لازم است. اینجا نمونه‌هایی از جلوه‌های معلّمی در نهضت حسینی مرور خواهد شد تا شاید با این بیان، مطلب آشنا تر بنماید و ممّا حل شود. آنچه قابل توجّه است این است که کمتر از این زاویه به مسئله نهضت حسینی نگاه شده است و کمتر معلّمی از نهضت حسینی برای معلّمی خودش بهره برده است. آنچه در این نهضت همه این عناصر را گرد هم جمع می‌کند و یک نظم واحد به آن‌ها می‌دهد زبانی واحد است که همه آن افراد از آن بهره‌برده‌اند که اگر دقیق مورد بررسی قرار بگیرد این زبان واحد زبان قرآن کریم و تعلیم قرآن کریم به مثابه یک زبان و نظام تعلیم و تعلّمی است که چنانکه در بیان قرآن کریم مشهود است، بر محور تلاوت و تعلیم آیات قرآن سامان پیدا می‌کند و پیش می‌رود: «... رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه» (جمعه/۲) (... رسولی از خود ایشان که آیات را بر آن‌ها تلاوت می‌کند و بدین وسیله آنان را تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت می‌دهد). از آنجا که زبان فرهنگ و اندیشه واحد ایجاد می‌کند کاملاً این هم‌زبانی در صحنه‌های مختلف این نهضت قابل رصد و ملاحظه است: (لسانی فشارکی و دیگران ۱۳۷۹ش؛ خوش‌منش ۱۴۰۳ش؛ رجبی و دیگران ۱۳۹۱ش؛ لسانی فشارکی و غفاری ۱۳۹۹ش). شاید ذکر این مطلب خالی از لطف نباشد که کومنیوس یکی از اندیشمندان و فلاسفه تعلیم و تربیت قرن ۱۶ میلادی به این مطلب اعتقاد داشت که می‌بایست یک دانش یگانه و فراگیر برای همگان فراهم آورد و البته هرگز نتوانست این اندیشه را اجرایی کند (نقیب زاده جلالی، میر عبدالحسین ۱۳۹۹ش) و این درحالی است که محققان امر تعلیم و تربیت هرگز دانسته یا نادانسته به

رخداد و عملیاتی شدن این دانش فراگیر در زمان پیامبر اکرم و تا گستره هر تاریخ و جغرافیایی که سیره آموزشی ایشان فعال است، توجه نکرده‌اند که همانا آموزش قرآن کریم به همه مسلمانان بوده است و پیامبر اکرم از طریق این تعلیم عمومی از طریق گسترش یک زبان واحد بین آحاد مسلمانان به آن همه فتوحات مختلف صرفاً طی ۲۳ سال رسیدند و این یک الگوی نمونه و عالی از پیاده‌سازی یک نظام تعلیم و تربیت همراه با خروجی مثال زدنی است و هر زمان که همان الگو مجدداً تکرار شود همان نتایج و فتوحات حاصل خواهد شد. حال نمونه‌هایی از جلوه‌های این نگاه به تعلیم و تربیت در نهضت حسینی بیان می‌شود.

نمونه اول: هنگام خروج از مدینه

«انی لم اخرج اشراً ولا بطراً ولا مفسداً ولا ظالماً و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی محمد (ص) ارید ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیر بسیره جدی محمد (ص) و ابی علی بن ابی طالب (ص)» (مجلسی ۱۴۰۳ق) (من نه برای آشوب‌گری و فساد و ستمگری بیرون آمده‌ام، بلکه برای طلب اصلاح (مسئولیت اجتماعی، انجام وظیفه اجتماعی خویش) در امت جدّم محمد (ص) بیرون آمده‌ام. اراده من آن است که امر (عمل) به معروف کنم و از منکر نهی (دوری) کنم و به سیره جدّم محمد (ص) و پدرم علی بن ابی طالب (ع) عمل کنم). در اینجا امام علناً و به صورت عینی به همه تعلیم می‌دهند و با انسان‌های اهل مدینه (مخاطبان مستقیم: یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة) و سپس همه تاریخ (مخاطبان غیرمستقیم: و آخرین منهم لما یلحقوا بهم) گفتگو می‌کنند و مسیر و علت حرکت خود را تبیین می‌کنند و مبانی خود را شرح می‌دهند و مسئولیت اجتماعی را به همه آحاد بشر درس می‌دهند و البته همه را در راستای بازگشت به آن روش و منش معلّمی جدّشان و پدرشان که دنبال‌رو همان بوده‌اند باز می‌گردانند.

در این عبارت امام شباهت جالب توجه‌ای با آیات ۳۷ و ۳۸ سوره یوسف مشاهده می‌شود: «انی ترکّت ملّة قوم لایؤمنون باللّه و هم بالآخره هم کافرون. و اتّبعّت ملّة آبائی ابراهیم و اسحاق و یعقوب ما کان لنا ان نشرک باللّه من شیء ذلک من فضل الله علینا و علی الناس و لکن اکثر الناس لا یشکرون». امام حسین (ع) اینجا در خروج از مدینه هیچ‌کس را به اجبار و الزام با خود همراه نمی‌کند ولی مطلب خودشان را اعلام می‌کند. امام برای مصلحان همه تاریخ و برای همه کسانی که داعیه مسئولیت اجتماعی دارند هدایت‌گری کرده‌اند و تکلیف را روشن ساخته‌اند که شرایط اصلاح را باید دریابند. اگر قرار به بازگشت و عمل و امر به معروف است آن معروف همان است که نزد پیامبر اکرم معروف بوده است و اگر بنا بر نهی و دوری و اجتناب از منکر است منکر همان

است که در سیره نبی اکرم منکر بوده است و نباید معروف و منکر را نزد هیچ کس دیگری جستجو کرد.

باید دریابیم که مخاطب اصلی کلام امام حسین (ع) بسیاری از بزرگان و علما و فقها و اهل مدینه هستند و نه الزاماً مردمان و به گفته عدّه‌ای عوام الناس که البته خیلی از آن افراد پیامبراکرم را درک کرده‌اند. باید بررسی کرد مثلاً ابن عباس‌ها کجا هستند!! باید دریابیم که هر اصلاحی و تحوّل اصلاح و تحوّل نیست و عین افساد است؛ همانطور که قرآن کریم فرموده است: «و اذا قيل لهم لا تفسدوا فى الارض قالوا انما نحن مصلحون. الا انهم هم المفسدون و لكن لا يشعرون» (بقره/ ۱۲۰ و ۱۲۱). این جلوه‌ای از معلمی امام حسین (ع) است که برای همیشه در تاریخ می‌درخشد و از آن باید الگوی تعلیم و تربیت به دست آورد.

نمونه دوم: نامه امام در مکه در پاسخ به اهل کوفه

«فلعمری ما الامام الا الحاکم بالکتاب و الاخذ بالقسط و الدائن بالحقّ و الجالس نفسه على ذات الله و السلام» (مفید ۱۴۱۳ق، ۳۵) (به جان خودم سوگند، امام واقعی کسی نیست مگر کسی که به کتاب (قرآن) عمل کند، عدالت را اجرا کند، به حق پایبند باشد و خود را در برابر ذات خدا خاضع سازد. و السلام). **الحاکم بالکتاب**: یعنی اهل کتاب و اوتوا الکتاب بودن برای امامت و معلمی و پیامبری کافی نیست. حتّی عالم بودن نیز کافی نیست. «الحاکم بالکتاب» لازم است و این یعنی کسانی که به هر طریق، با واسطه یا بی‌واسطه مخاطب پیامبراکرم بوده‌اند آنگونه که در سوره مبارکه جمعه آمده است: «... بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلّمهم الکتاب و الحکمة... و آخرین منهم لَمَّا یلحقوا بهم» (جمعه/ ۲ و ۳) و توانسته باشند این تعلیم را به مرحله حکمت رسانده باشند. امام وقتی می‌تواند حکم کند که تعلیم کتاب و حکمت دیده باشد و این وقتی دقیق می‌شود که عامل به کتاب باشد و تا این نباشد چگونه می‌خواهد معلّم و راهنما و امام دیگران شود؟ این امام با تلاوت آیات تعلیم دیده است و اینگونه است که «یؤتیه الله الکتاب و الحکم» (آل عمران/ ۷۹) است و البته امام تعلیم می‌دهند که قرار است و بوده است که در همه اجتماع‌ها چنین اشخاصی باشند که اگر نیستند باید تعلیم و تربیت آن جامعه را اصلاح کرد (لطلب الاصلاح) و امام یکی از مهم‌ترین رویکردهای اصلاحی که دارند رویکرد اصلاحی در امر تعلیم و تعلّم جامعه است که از همانجا انحرافش آغاز شده است. حاکمیت اسلام که در پهنه عالم گسترش یافته و فتوحات فراوان رخ داده و همه به نوعی خلاف سیره نبی اکرم رخ داده‌اند، که خود حاصل دوری از تعلیم و تربیت یا فراموشی آن تعلیم پیامبراکرم بوده است؛ حالا نیاز به اصلاح یافته تا برای همیشه راه را از چاه نشان دهد.

نمونه سوم: نامه خروج از مکه

مخاطبان نامه بنی هاشم هستند؛ کسانی که باورش برای همه مشکل است: «بسم الله الرحمن الرحيم. من الحسين بن علي الى بنی هاشم: اما بعد فانه من لَحِقَ بِي منكم اسْتَشْهَدُ و مَنْ تَخَلَّفَ عَنِّي لم يبلغ الفتح والسلام» (این شهر آشوب ۱۴۱۲ق، ۷۶) (بسم الله الرحمن الرحيم. از حسین بن علی به بنی هاشم: پس از این مقدمه، هر کس از شما به من ملحق شود، شهید خواهد شد و هر کس از من عقب بماند، به پیروزی نخواهد رسید. والسلام). مطالبی اساسی از این بیان امام می‌توان به دست آورد:

- جالب است که امام به خودشان عنوان خاصی حتی برای بنی هاشم نمی‌دهند (دقت کنید).
- اتباع از معلم اینجا مطرح می‌شود، ولی امام عملاً اجازه ندارند و می‌دانند که یک معلم نمی‌تواند به زور و جبر کسانی را با خود همراه کند، ولی انذار می‌دهند (فذكر انما انت مذكر. لست عليهم بمصيطر).
- جالب است که همین افراد بعد از شهادت امام تا مدت‌ها از معلمشان (امامشان) بی‌خبر بودند.

نمونه چهارم: خروج امام حسین (ع) در پاسخ به اهل کوفه بدون تقاضای اجر

امام حساب و کتاب نکردند که این سفر و این حرکت چه منفعتی از لحاظ مادی برایشان دارد چرا که پایبند به این اصل در تعلیم و تربیت بوده‌اند که شخص مسلمان بدون طلب اجر موظف به معلمی است چنانکه قرآن کریم مشخص کرده است: «و ما تسئلهم عليه من اجر ان هو الا ذكر للعالمين» (یوسف/۱۰۴) و آنچه مهم‌ترین زمینه حرکت ایشان است تقاضای اهل کوفه است و البته بررسی‌های معلمانه خودشان که منجر شده است به عده‌ای جواب مثبت دهند، حتی اگر آن افراد بعداً از اتباع این معلم سرباز بزنند و جالب است که چرا در امت اسلام هیچ کس دیگری این تقاضا را از امام نمی‌کرد؟ حتی اهل مدینه انگار چندان از اوضاع و احوالشان ناراحت نبودند! «ان اهل الكوفة كتبوا الي يسألونني ان اقدم عليهم لمارجوا من احياء معالم الحق و اماتة البدع» (مردم کوفه برایم نوشتند و از من خواستند تا نزدشان بروم، زیرا امیدوارند که من بتوانم نشانه‌های حق را احیا و بدعت‌ها را از بین ببرم). اینجاست که اصل دعوت در اسلام که بسیار مهم و حائز اهمیت است خودش را نشان می‌دهد: «و من احسن قولاً ممن دعا الى الله و عمل صالحاً و قال انني من المسلمين». این دعوت یعنی معلم و امام زندگی و حرکت خود را بر مبنای حق انجام می‌دهد و در معرض دید عموم قرار می‌دهد و هنگامی که متعلم این نوع رفتار را ببیند پی آن را می‌گیرد و از آن

اتباع می‌کند و عملاً اصلاح رخ می‌دهد. امروزه به جای دعوت، اهل تعلیم و تربیت به دنبال اقناع هستند. اقناع کجا و دعوت کجا؟! برای نمونه در آیات سوره مؤمن آمده است: «و یا قوم ما لی ادعوکم الی النجاة و تدعوننی الی النار. تدعوننی لاکفر باللّه و اشرک به ما لیس لی به علم و انا ادعوکم الی العزیز الغفار» (مؤمن / ۴۱ و ۴۲). این دعوت است که شیوه پیامبرانه و امامانه است نه اقناع مخاطب به لزوم جاری شدن حق. همه چیز از همین کلمه‌های ساده آغاز می‌شود و تفاوت‌ها در قلب‌ها شکل می‌گیرد. همه چیز از همین آغاز شد که به جای ولایت، خلافت جایگزین شد و هنوز هم تفاوت این کلمه‌ها مفهوم نیست^۸ (واحد پژوهش کانون زبان قرآن ۱۴۰۳ش، ۶۹ تا ۹۸، ۵۰۹ تا ۵۴۰).

نمونه پنجم: همراه با مسلم بن عقیل در کوفه

درس عملی مسلم بن عقیل که شاگرد مکتب پیامبراکرم و امام حسین (ع) است و علم و حکمت را با هم دارد در عدم ترور ابن زیاد با اشاره به حدیث نبوی «ان الایمان قید الفتک» یا «لایفتنک المؤمن» (کلینی ۱۳۶۳ق؛ مجلسی ۱۴۰۳ق) و در سیره پیامبراکرم نیز بیان شده است که ایشان از ترور نهی می‌فرمودند «قد نهی رسول الله عن الفتک» (حرعاملی ۱۳۷۲ش) و آنقدر برای کسانی که با مکتب تعلیم و تعلّم قرآن بیگانه هستند سنگین می‌نماید که مسلم بن عقیل را محکوم کرده‌اند که وی اشتباه کرد در حالی که می‌توانست با ترور ابن‌زیاد تاریخ را تغییر دهد و با این اشتباه مسیر به گونه‌ای دیگر رقم خورد! این افراد که چنین استدلالی دارند نفهمیدند که این امام حسین (ع) بود که او را مأمور کرده بود و امام کسی را در آن مرحله به کاری مأمور کردند که قطعاً می‌توانست بر اساس همان آموزه‌ها در موقعیت حسّاس به حکم مناسب دست یابد یعنی کسی که مصداق این آیه شده است: «یؤتیه الله الکتاب و الحکم». اینان همه چیز را با عینک سیاست خود می‌بینند و دوری از منطق تعلیم و تعلّم قرآن در همه جای کارشان مشهود است.

نمونه ششم: خطبه امام حسین (ع) یا گفتگوی امام با زهیر بن قین

در رابطه با جریان زهیر بن قین امام وی را دعوت کرد و جناب زهیر پذیرفت و سپس اتباع کامل کرد تا جایی که همه چیزش را در این اتباع رها کرد. این تفاوت دعوت است با اقناع؛ در

۸. شاید اینجا لازم باشد مجدداً این تذکر داده شود که ارتباط مطلب با معلمی همان است که در ابتدا پایه‌گذاری شد. معلمی که مبتنی بر سیره‌نبی‌اکرم شکل گرفته باشد بر مبنای تلاوت آیات همه چیز را سامان می‌بخشد. وقتی از این سمت مسیر طی شود، آنگاه معلم هرگز به فکر اقناع نیست، چرا که این معلم مضطر و متکلف نیست و همان که پیامبراکرم فرمودند معلما میسورا است و نه مُعَنَت (کسی که شخص مقابلش را به دشواری و تکلف بیاندازد).

دعوت، شخص پذیرنده دعوت می‌رود و معلّم و زندگی و منش او را می‌بیند و سپس خودش را در مسیر اتباع قرار می‌دهد یا نمی‌دهد و در اقناع الزاماً اتباع از سر درک و ایمان درونی نیست! زهیر به یارانش می‌گوید: «من احبّ ان یصبحنی والا فهو آخر العهد منّی به» (ابن طاوس ۱۳۷۸ ش، ۹۴) (هر که مایل است با من بیاید، وگرنه این آخرین دیدار ماست) که این جمله از زهیر بن قین نیز بسیار شبیه به جمله امام به بنی‌هاشم است که جای تأمل بسیار دارد (دقّت کنید). همچنین خطاب به امام حسین (ع) می‌گوید: «هدانا الله بک یابن رسول الله مقاتلک، ولو کانت الدنیا لنا باقیه وکنا فیها مخلدین لاثرنا النهوض معک علی الإقامه فیها» (ابن طاوس ۱۳۷۸ ش، ۱۰۰) (ما سخنان تو را شنیدیم، خدای متعال ما را به وسیله تو هدایت کند ای فرزند رسول خدا. و اگر دنیا برای ما باقی می‌ماند و ما در آن جاودانه بودیم، قطعاً حرکت همراه تو را بر ماندن در آن ترجیح می‌دادیم). همین مطلب را در عبارات دیگر یاران امام نیز می‌توان دنبال کرد و برای نمونه عبارت هلال بن نافع که بیان کرد: «والله ما کرهنا لقاء ربنا وإنّا علی نیاتنا وبصائرنا نوالی من والاک ونعادی من عاداک» (ابن طاوس ۱۳۷۸ ش، ۱۰۰) (به خدا قسم ما از شهادت و مرگ باکی نداریم و بر همان نیت و بصیرت خود، باقی هستیم. با دوستان تو دوست و با دشمنانت دشمنیم).

همه اینها پاسخ‌های عمیقی است که متعلّین و شاگردانی که از یک چشمه واحد درس معرفت گرفته‌اند به معلّم خویش می‌دهند و می‌توان بیان کرد که امام در آن حال، به خویشتن به عنوان معلّم می‌بالد که چنین شاگردانی دارد که البته خودشان هرکدام معلّم تاریخ بشریت هستند و این اوج معلّمی در اسلام و قرآن است که به مصداق حدیث نبوی «بَلِّغُوا عَنّی و لو آیه» (بخاری ۱۴۱۰ ق، ۴/ ۱۴۵) معلّم وقتی موفق است که شاگردش هرچه از او آموخته به دیگران بیاموزاند و این تا حدّی یا شاید تماماً در مقابل ایده‌ای است که معلّم و معلّمی را موقعیت ویژه‌ای تعریف می‌کند که صرفاً از افرادی خاص برمی‌آید. این اندیشه معلّمی را امری عمومی می‌داند و اصلاً انتظار دارد که هرکس مطلبی از معلّمی آموخته برای دیگران نیز معلّمی کند.

نمونه هفتم: مواجهه امام با حرّ بن یزید ین ریاحی

کلّ این مواجهه از ابتدا تا انتها یک مواجهه معلّمانه است که امام توانستند با یک تعلیم و تعلّم دقیق و با درایت عمیق حرّ را از صف یزید و یزیدیان خارج کنند و از اهل باطل به حقّ منتقل کنند. شخصیت‌شناسی امام در مواجهه با حرّ و تک تک کلمات که بر قلب او تلاوت می‌کنند، جای بررسی و دقّت و تأمل فراوان دارد و صرف روضه‌خوانی و ساده‌انگاری این حرکت به عنوان یک

ادب از جانب حرّ، ارزش کار امام را نادیده گرفتن است و درس‌هایی که باید را در زمینه تعلیم و تعلّم به مخاطب نمی‌دهد.

در منزل «بَيْضَه» امام می‌فرمایند: «قد لزموا طاعة الشيطان و تركوا طاعة الرحمان» (پیشوائی ۱۳۹۴ ش، ۶۱). (آنان به اطاعت شیطان چسبیده‌اند و طاعت رحمان را رها کرده‌اند) از سوی دیگر، در اوّلین قدم تحقیق موضوعی تعلیم و تربیت در قرآن کریم داریم: «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ... كُلًّا لَا تَطْعَمُهُ» (سوره علق). امام در تک تک این عبارت‌ها در حال تعلیم دادن هستند و در هیچ یک، کسی را زور نمی‌گویند؛ خود را جایگزین خدا نمی‌کنند؛ جایگاه رسول خدا را مشخص می‌کنند؛ بی‌احترامی نمی‌کنند؛ راه بازگشت را نمی‌بندند و دقیقاً چیزی می‌گویند که عمل می‌کنند و مدام برعهد معلّمی خود نسبت به انسان‌ها با خدا پایبند هستند: «يا ايها الذين آمنوا اوفوا بالعقود...» (مائده/۱). امام راه بازگشت را برای حرّ گشوده می‌گذارند؛ از آنجا که می‌دانند معلّم باید مانند خدا «تَوَّابٌ رَحِيمٌ» باشد. تک تک جملات گفتگوی امام با حرّ آموزنده و درس تعلیم و تربیت است. امام با حرّ اوج همراهی و همدلی را دارند. امام به حرّ می‌فرمایند: «أَلْنَا ام عَلَيْنَا؟» (با ما هستی یا در مقابل ما؟) و پاسخ حرّ خیلی صادقانه است: «بل عليك يا ابا عبدالله» (در مقابل شما ای ابا عبدالله) و پاسخ بسیار زیبای امام حسین (ع): «لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم» (ابن طاووس ۱۳۷۸ ش، ۹۸ و ۹۹)! حالتی در این گفتگو وجود دارد که انگار امام، مدام در حالت مشورت با اوست و امام معلّمانه با او همراه است و حرکت به سمت مسیر دیگر.

نمونه هشتم: در منزل ذو حُسم

در این منزل مواجه امام با لشکر کوفیان است که جلوه دیگری از این معلّمی بی‌بدیل است. جزئیات این توقف را می‌توان در اسناد تاریخی مشاهده کرد. «الا ترون ان الحق لا يعمل به و ان الباطل لا يتناهى عنه؟ ليرغب المؤمن في لقاء الله محققاً...» (آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل نهی (دوری) نمی‌گردد؟ پس باید حقیقتاً مؤمن به دیدار خدا دل به بندد) (پیشوائی ۱۳۹۴ ش). «لقاء الله» نهایت هدف تعلیم و تربیت در قرآن کریم است. برای نمونه به داستان طالوت و جالوت باید نگاه کرد: «قال الَّذِينَ يظنون انهم ملاقوا الله كم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله و الله مع الصابرين» (بقره/۲۴۹). اگر این تعالیم نبود و امام حسین (ع) در مکتب پیامبر اکرم و امام علی (ع) و مادرشان فاطمه زهرا (س) این تعالیم را ندیده بودند، طبعاً چنین تعالیمی هم به دیگران نمی‌دادند و بدان عمل نمی‌کردند. معلّمی امام در معرض دید همگان است و هرکس بخواهد می‌تواند ایشان را معلّم خود قرار دهد یا در معلّمی، ایشان را الگوی خود قرار دهد. همه چیز عیان و آشکار است: «الا ترون ...» که این عبارت در بیان امام تصریف آیه قرآن کریم و به زبان قرآن کریم است (الم تر ...)!

نمونه نهم: گفتگوی امام با عمر سعد

گفتگوی امام با عمر سعد نیز همان گفتگوی معلّمی است، ولی اینجا متعلّم طغیان‌گر است و علاقه‌ای به تعلیم دیدن ندارد کما این که در آیات ۵ تا ۷ سوره مبارکه علق به زیبایی این دو مطلب در کنار یکدیگر قرار گرفته است: «عَلَّمَ الْإِنْسَانُ مَا لَمْ يَعْلَمْ. كُلًّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَافٍ. إِنَّ رَأْيَ اسْتَعْنَى». اتفاقی که در همین روزگار ما نیز فراوان است، کسانی که مانند عمر سعد هستند و می‌پندارند که به تعلیم قرآن نیاز ندارند. اینان همان‌هایی هستند که خداوند درباره آن‌ها می‌گوید: «بِذِ فَرِيقٍ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (بقره/۱۰۱). امام حسین (ع) نیز دقیقاً به عمر سعد همین را می‌گویند: «اتقاتلنی و انا ابن من عَلِمْتُ؟» (مجلسی ۱۴۰۳ ق، ۴۴/۳۸۸) (آیا تو با من می‌جنگی در حالی که من فرزند کسی هستم که تو می‌شناسی؟).

نمونه دهم: قاسم بن حسن

کسی که در نظام تعلیم و تعلّم امام حسن مجتبی (ع) و بعد از ایشان نزد امام حسین (ع) تعلیم دیده است و الان وقت عرضه تعلیم به استاد و معلّم است: «احلی من العسل» این عبارت برای یک جوان یا نوجوان حاصل تعلیم صحیح دیدن و درک حقایق از تعلیم کتاب و حکمت است که می‌تواند بلافاصله و بدون شک حکم کند به مصداق کسی که در نظام تعلیم و تربیت قرآنی قرار گرفته است (یعلّمهم الكتاب و الحکمه) و خروجیش توانمندی در ارائه حکم دقیق و سریع و به موقع است (یؤتیهم الله الكتاب و الحکم) که مرگ برای من «احلی من العسل» است و هرگز به معنای انتحار و خود را در کام مرگ بردن نبوده و نیست و نخواهد بود. او خوب فهمیده و آموخته است که مرگ کجاست و چگونه است.

نتیجه

چیزی که در همه این نمونه‌ها قابل ملاحظه است وجود یک نظام تعلیم و تربیت واحد است که توانسته همه این افراد را به سان یک نخ تسبیح با زبانی مشترک به یکدیگر متصل کند و بدون نیاز به شرح و توضیح اضافه با اشاره‌ای این افراد مواضع و اعمالی را از خود نشان می‌دهند که کاملاً برآمده از عمق وجود و تعلیم عمیق آنان است و این تعلیم و زبان مشترک چیزی نیست جز تعلیم اساسی قرآن کریم که از طریق تلاوت صحیح آیات بر این افراد از کودکی اتفاق افتاده است و حتی اگر در گذر زمان غباری بر آن نشسته است با انذار و اندک توجّهی که از سوی امام به عنوان معلّم حاصل می‌شود غبار کنار می‌رود و حکمت برآمده از تعلیم صحیح قرآن کریم مانند چشمه‌ای

پاک و زلال می‌جوشد و هرچند در بیان و شکل مختلف نمود پیدا می‌کند ولی در اصل و حقیقت همه یکسان هستند، همانطور که حافظ شیرازی به زیبایی گفته است:

یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب از هر زبان که می‌شنوم نامکرر است

مطلب مهم دیگری که باید در امر تعلیم و تربیت به عنوان یک مبنا در نظر گرفت این است که زبان مشترک همه این افراد زبان قرآن کریم است و فهم مشترک همه برآمده از فهمی است که قرآن کریم در قلب همه این افراد ایجاد کرده است. از این روی، متوکیان امر تعلیم و تربیت چه خوب است که با توجه به عمق اهمیت این مطلب و میزان اثر بخشی آن، همّت‌های خود را در راستای تعلیم صحیح کتاب خدا و تنها یادگار خداوند برای انسان یعنی قرآن کریم جمع کنند و بکوشند از راه تعلیم قرآن کریم به مثابه یک زبان بر مبنای سیره تعلیمی پیامبراکرم بین آحاد جامعه زبان مشترک ایجاد نمایند تا این مهم، خود دیگر مسائل فرهنگی و اجتماعی را سامان بخشد و توان‌ها را برای کارهای بزرگ حفظ نماید و از اتلاف و اسراف جلوگیری نماید؛ چراکه بسیاری از مواردی که متوکیان امر فرهنگ از راه‌های دیگر به دنبال آن هستند یا دست‌نیافتنی خواهد شد و یا به هزینه‌های گزاف و با بهره‌وری بسیار پایین به دست خواهد آمد. البته هرگز این مطلب به معنای گسترش یا تأیید آنچه در نظام آموزش و پرورش حال حاضر تحت عنوان درس مدرسه‌ای قرآن کریم شناخته می‌شود نیست، همانطور که آثار و خروجی‌های متعدد نیز نشان از ناموفق بودن آن است.

منابع

علاوه بر قرآن کریم،

۱. ابن عبد البر (۱۴۲۱ق)، *الاستدکار*، ج ۶. دار الکتب العلمیه.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۴۱۲ق)، *مناقب آل اُبی طالب (ع)*، ج ۴. دار الأضواء.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۸ش)، *ترجمه و متن کامل لهوف سید بن طاووس*، نوید اسلام.
۴. ابن کثیر (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*: ج ۱. دار الکتب العلمیه.
۵. ابوغده، عبدالفتاح (۱۴۱۷ق)، *الرسول المعلم و أسالیبه فی التعلیم*، مکتب المطبوعات الاسلامیه.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰ق)، *صحیح البخاری*، ج ۱. جمهوریّه مصر العربیه. وزارت الاوقاف. المجلس الاعلی للشئون الاسلامیه. لجنه إحياء کتب السنه.

۷. پیشوائی، مهدی (۱۳۹۴ش)، *تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهداء علیه السلام*، مهدی، پی‌شوائی: ج ۲. انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۸. حرعاملی، محمدحسن (۱۳۷۲ش)، *وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*، ج ۱. اسلامیه.
۹. خوش‌منش، ابوالفضل (۱۴۰۳ش)، *زبان قرآن (ماهیت، هویت، جایگاه و آموزش آن)*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳ش)، *لغت نامه دهخدا*، ج ۱. روزنه.
۱۱. رجبی، محسن، غفاری، مهدی، و مرادی زنجانی، حسین (۱۳۹۱ش)، *آموزش قرآن در سیره نبوی*. بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ق)، *الکافی*، ج ۱. دار الکتب الإسلامیه.
۱۳. لسانی فشارکی، محمدعلی (۱۴۰۲ش)، *اسلام محمدی به روایت نهضت حسینی*، درآمدی بر مطالعات قرآنی در سیره حسینی [ویراست ۲]، صد و چهارده.
۱۴. لسانی فشارکی، محمدعلی؛ دیگران (۱۳۷۹ش)، *طرح جامع آموزش زبان قرآن*، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۵. لسانی فشارکی، محمدعلی؛ غفاری، مهدی (۱۳۹۹ش)، *آموزش قرآن به روش پیامبر (ص)*، صد و چهارده.
۱۶. لسانی فشارکی، محمدعلی؛ مرادی زنجانی، حسین (۱۴۰۰ش)، *روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم (۱۰)*، بوستان کتاب.
۱۷. لسانی فشارکی، محمدعلی؛ مرادی زنجانی، حسین (۱۳۹۸ش)، *مطالعات قرآنی در سیره نبوی*، صد و چهارده.
۱۸. متقی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۰۹ق)، *کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال*، ج ۱۰. مؤسسه الرساله.
۱۹. مجتمع آموزش عالی امام خمینی «رحمه الله» (۱۳۸۹ش)، *مجموعه مقالات همایش سراسری اندیشه سیاسی اجتماعی امام خمینی «رحمه الله»*، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، ج ۴۴. دار إحياء التراث العربی.
۲۱. مسلم بن حجاج (۱۴۱۲ق)، *صحیح مسلم*، ج ۲. دار الحديث.

۲۲. مطهری، مرتضی (۱۴۰۲ش)، *آشنائی با قرآن. آشنائی با قرآن*، ج ۵. صدرا.
۲۳. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، ج ۲. المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید.
۲۴. موسوعه کلمات الامام الحسین (ع) (۱۳۸۳ش)، اسوه.
۲۵. نسائی، احمد بن علی (۱۴۱۱ق)، *السنن الکبری للنسائی*، ج ۷. دار الکتب العلمیه.
۲۶. نقیب زاده جلالی، میر عبدالحسین (۱۳۹۹ش)، *نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش*، طهوری.
۲۷. واحد پژوهش کانون زبان قرآن (۱۴۰۳ش)، *عاشوراشناسی*، گزارش مکتوب سلسله نشست‌های سمینار علمی فرهنگی. کانون زبان قرآن.
۲۸. *معجم المعانی*، <https://www.almaany.com/ar/dict/ar-ar>.
29. *What is Data Mining?* | IBM (2024.000Z). Available online at <https://www.ibm.com/topics/data-mining>، updated on 12/9/2024.000Z، checked on 12/9/2024.285Z.

کاوشی بر قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) ثقلین تمدن ساز

محمد معرفت^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۸، صفحه ۲۹ تا ۴۶ (مقاله پژوهشی)

چکیده

شکل گیری تمدن در هر جامعه ای، بیانگر ترقی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، و نشانه پیشرفت، رشد و توسعه در تمام زمینه های فعالیت آن جامعه است. هدف اصلی این مقاله شناخت و تحلیل عناصر تمدن ساز در منابع تفکر شیعه بویژه قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) است. در این مقاله، به روش توصیفی تحلیلی، و جمع آوری داده ها به صورت کتابخانه ای، به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که عناصر تمدن ساز در قرآن و عترت کدامند و چه نقشی در تمدن اسلامی ایفا می کنند؟ یافته های این مقاله نشان می دهد در منابع تفکر اسلامی شاهد سفارش های زیادی بر عناصر تمدن ساز هستیم. عناصری همچون تولید فکر و اندیشه، تعقل و عقل گرایی، عدالت محوری، امنیت همگانی، نهادهای سازی قانون و نظم، تعهد به اصول اخلاقی، نگرش فراقومیتی، تساهل و مدارا، تولید ثروت و سرمایه، قدرت و اقتدار، همبستگی و مشارکت همگانی و توجه به شهرنشینی و معماری، عناصر تأثیرگذار برای ایجاد تمدن به شمار می روند. ضرورت و اهمیت این پژوهش، در دفع اتهامات ناروا درخصوص شکوفایی و گسترش تمدن اسلامی و ایجاد خودباوری برای شیعیان در حل مسائل مختلف و ایجاد تحول در جامعه است.

کلیدواژه ها: قرآن، اهل بیت (ع)، تمدن، تمدن اسلامی، عناصر تمدن ساز، منابع تفکر اسلامی.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران:

m.marefat@iau-tnb.ac.ir

درآمد

تمدن یک مقوله اجتماعی می باشد که حاصل تفکرات و اندیشه های پنهان در ورای آن است. افتخار هر جماعتی به پیدایش تمدن های متعدد در دوره تاریخی آنان می باشد. ساختن تمدن در هر گروهی نشان گر پیشرفت و ترقی آن گروه است. برای تمدن سازی، وجود اندیشه و تفکر تمدن ساز اجتناب ناپذیر و ضروری است (ر.ک: دورانت، ۱۳۶۷، ۳-۵/۱).

در این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی و گردآوری مطالب به صورت کتابخانه ای، سعی شده به این سؤال پاسخ دهیم که عناصر تمدن ساز در قرآن و عترت کدامند و تحلیل آن ها چگونه است و چه نقشی در تمدن اسلامی ایفا می کنند؟

نویسنده این سطور معتقد است منابع تفکر اسلامی بویژه قرآن کریم و معارف معصومان (علیهم السلام)، به جهت برخورداری از توان و قابلیت های گران بها و ارزشمند، می توانند تمدنی متناسب و هماهنگ با احتیاجات بشر معاصر ایجاد کنند؛ همان گونه که این توانایی و قابلیت را در گذشته از خود به نمایش گذارده اند.

تمدن از ریشه «مدن» به معنای پذیرفتن نظم و قانون، پذیرفتن شهرنشینی، مأنوس شدن و عادت کردن به اخلاق و آداب شهریان، و همکاری افراد اجتماع در مسائل گوناگون از جمله مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می باشد (دهخدا، واژه «مدن»؛ معین، واژه «مدن»؛ عمید، واژه «مدن»).

از نظر ویلیام جیمز دورانت^۱ (۱۸۸۵-۱۹۸۱م)، تمدن به شکل کلی آن، نظامی است اجتماعی که به دنبال آن، نوآوری و ابتکار فرهنگی ممکن می شود و تداوم می یابد (دورانت، ۱۳۶۷، ۳/۱). او چند مؤلفه اساسی را برای تمدن ها نام می برد: ۱. پیش بینی در امور اقتصادی؛ ۲. داشتن سازمان سیاسی؛ ۳. رعایت آداب اخلاقی؛ ۴. کوشش در راه شناخت و معرفت و گسترش هنر. ویل دورانت معتقد است ظهور تمدن وقتی ممکن است که ناامنی و نابسامانی خاتمه یافته باشد؛ زیرا فقط در چنین زمانی است که ترس از بین رفته و در نتیجه آن، کنجکاوی و نیاز به اختراع و ابداع به کار می افتد؛ بنابراین، انسان تسلیم سرشتی می شود که او را به طور طبیعی به راه حصول معرفت و دانش و فراهم کردن وسایل تعالی زندگی هدایت می کند (همان).

رهبر معظم انقلاب علاوه بر «تمدن» و «تمدن اسلامی»، تعبیر جدید «تمدن نوین اسلامی» را بکار برده اند. از نظر ایشان، تمدن نوین اسلامی به معنای پیشرفت همه جانبه است؛ به عنوان یک مصداق عینی و خارجی برای شناخت مفهوم تمدن نوین اسلامی می توانیم بگوییم هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد تمدن نوین اسلامی است. ایشان می فرماید: از یک نگاه، تمدن اسلامی

1. William James Durant.

همان تمدن نوین اسلامی است؛ اما از نگاهی دیگر که ما تمدن نوین اسلامی را معنا کردیم، پیشرفت همه جانبه دو بخش اصلی دارد: یک بخش، بخش ابزاری است، و بخش دیگر، بخش اصلی و اساسی است. بخش ابزاری، همین ارزش‌هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ این‌ها همگی بخش ابزاری تمدن است؛ یعنی وسیله هستند؛ اما بخش دوم، همان بخش اصلی است؛ یعنی آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد که همان سبک زندگی است. این بخش، بخش حقیقی و اساسی تمدن مثل مسأله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن و نوع لباس است که متن زندگی انسان هستند (khamenei.ir مورخ ۱۳۹۱: ۲۳ مهر).

با مراجعه به آثار تدوین شده در موضوع مقاله حاضر چنین به دست می‌آید که کار پژوهشی جامع و منسجمی در زمینه تحلیل عناصر تمدن‌ساز در منابع تفکر اسلامی صورت نگرفته و آثاری همچون «ظرفیت‌های تمدنی اسلام» به قلم حمید فاضل قانع، «نقش شیعه در فرهنگ و تمدن اسلام و ایران» از علی‌اکبر ولایتی، «بافتار کوشش‌های شیعی در تمدن اسلامی در دوره مغول» نوشته محمد باغستانی کوزه‌گر، «تمدن‌زایی شیعه» تألیف اصغر طاهرزاده، «نقش امامان شیعه در شکل‌گیری و توسعه تمدن اسلامی» به قلم غلامحسین محرمی، «مؤلفه‌های تمدن‌ساز در مکتب سیاسی امام رضا (علیه السلام)» از موسی نجفی و «عناصر تمدن‌ساز دین اسلام، نوشته حمزه‌علی وحیدی‌منش، عناصر گوناگون تمدن‌ساز را مورد تحلیل قرار نداده‌اند و فقط به جهت یا دوره‌ای محدود و به صورت پراکنده به موضوع پرداخته‌اند؛ اما در مقاله حاضر به اندازه وسیع علمی و گنجایش مقاله به موضوع توجه شده است؛ همچنین مقتضیات عصر حاضر ایجاب می‌کند بسیاری از مسائل دوباره مورد بررسی، ارزیابی و تحلیل قرار گیرد و به ارزیابی‌های پیشین بسنده نشود. آنچه که پژوهش حاضر توجه ویژه‌ای نسبت به آن دارد، و می‌توان آن را از نوآوری‌های این پژوهش دانست، شناخت دقیق عناصر و ویژگی‌های تمدن‌ساز موجود در منابع اصیل تفکر اسلامی یعنی قرآن کریم و معارف اهل‌بیت (علیهم السلام) است؛ همان ظرفیت‌های تمدنی که اسلام به کمک آن‌ها توانست تمدن طلایی و شکوهمند اسلامی را ایجاد کند. در ادامه، به بررسی این عناصر و مؤلفه‌ها می‌پردازیم.

تولید فکر و اندیشه

یکی از مهم‌ترین ارکان ایجاد تمدن، گسترش معرفت و علم‌ورزی است که در آموزه‌های اسلامی به ویژه قرآن کریم از اهمیت زیادی برخوردار است؛ برای نمونه، بر اساس آیه «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر: ۹) کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسان نیستند.

در احادیث اهل بیت (علیهم السلام) نیز تأکید بسیاری بر تولید فکر و اندیشه شده است. از نظر مولای متقیان حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام)، دین، وقتی درست و کامل است که دانش بیاموزید و دانش خود را به کار بگیرید؛ همچنین ایشان تحصیل علم را واجب تر از تحصیل مال می داند (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۰/۱).

بدون قرار گرفتن متفکران و تفکر در جایگاه شایسته، پیشرفت و توسعه ای محقق نخواهد شد؛ چراکه نوآوری و خلاقیت، شرط اساسی شکل گیری تمدن است. دین مبین اسلام به عنوان آخرین دین الهی به بهترین شکل، این زمینه را مهیا نموده است. در زمانی که اعراب جاهلی در جنگ ها به چیزی جز انتقام و غارت فکر نمی کردند، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) همگان را به خواندن و نوشتن ترغیب می کرد و از هر فرصتی برای مبارزه با جهل و بی سوادی استفاده می کرد؛ چنان که در جنگ بدر فدیة آزادی اسرا را آموزش خواندن و نوشتن قرار داد که این خود سبب گسترش فرهنگ سوادآموزی شد (ابن سعد، ۱۴۰۵، ۲۰/۲).

اصل کلمه «علم»، حدود هشتاد بار در قرآن کریم به کار رفته است؛ علاوه بر آن، ترکیب «اولوا الألباب» که به معنای خردمندان است، در قرآن بارها به کار رفته است؛ همچنین واژگانی همچون فکر، حکمت، برهان و فقه در قرآن فراوان به چشم می خورد. خداوند سبحان، مؤمنان را از این که از طریق تقلید کورکورانه به او ایمان آورند، نهی نموده است؛ حتی در آیه «وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِئْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ» (روم: ۵۶)، ایمان و علم را در کنار یک دیگر آورده است. افزون بر این، آیات بسیاری در زمینه دانش اندوزی وجود دارد؛ حتی در آیاتی که اختصاص به بیان وقایع و سرگذشت ها دارد و هدف از آن، پندآموزی و فراگیری عبرت است، می توان ترغیب به تاریخ نگاری و مشاهده آثار تاریخی و تشویق به روحیه واقع نگری را آشکارا مشاهده کرد (محرمی، ۱۳۹۰، ۶۳).

اسلام از یک طرف، تمام محدودیت ها و طبقه بندی ها در زمینه علم آموزی را برانداخت و با بیان آموزه هایی همچون «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۰/۱) فراگیری دانش را بر همگان فریضه دانست. از طرف دیگر، حتی به مسلمانان اجازه داد از کفار نیز علم بیاموزند (نهج البلاغه، حکمت ۸۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ۹۹/۲)، و از تن آسایی و تن پروری دوری کنند و برای تحصیل علوم، دشوارترین گلوگاه ها را عبور کنند (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۷۷/۷۵) و به دورترین مناطق هستی سفر روند (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۷۷/۷۵؛ ۱۳/۱۵).

با چنین فرهنگ سازی، مسلمانان در حدود یک سده، علوم و مطالبی ارزشمند را به عربی ترجمه کردند که رومی ها در مدت چند سده توان انجام آن را نداشتند. مسلمانان به همین سرعت، در ایجاد

تمدن شکوهمند و طلایی خود پیش رفتند (مطهری، ۱۳۷۷، ۳۸۴/۱۴)؛ بنابراین، آنچه بستر ترقی علمی و پیشرفت مادی را برای مسلمانان میسر ساخت، همان اسلام بود که با تشویق و ترغیب مسلمانان به علم‌اندوزی، روح همراهی، یاری و گذشت را جانشین تعصبات دوران جاهلیت کرد.

تعقل و عقل‌گرایی

عقل با ارزش‌ترین قوه‌ای است که پروردگار متعال برای بشر قرار داده است. در تعالیم شیعی نکات ارزشمندی درباره جایگاه رفیع عقل بیان شده است؛ چنان‌که در روایت مشهوری از امام باقر (علیه‌السلام) آمده که خداوند متعال هنگام آفریدن عقل فرمود: «به عزت و جلالم قسم که آفریده‌ای نیکوتر از تو نیافریده‌ام» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۶/۱).

با بررسی اجمالی منابع اصلی تفکر اسلامی، یعنی قرآن و روایات معصومان (علیهم‌السلام) درمی‌یابیم که خدا و اولیای او، همواره، نه تنها مسلمانان، بلکه مشرکان و کافران، حتی پیروان سایر ادیان را بر خردگرایی و به‌کارگیری تعقل دعوت می‌کنند؛ تا آن‌جا که خداوند متعال نه تنها از مؤمنان، ایمان کورکورانه نمی‌خواهد، بلکه ایمان را در کنار علم‌ورزی، تعقل و ژرف‌اندیشی قرار می‌دهد (آل‌عمران: ۱۹۰؛ روم: ۵۶).

اهتمام جامع، کامل و بدون افراط و تفریط به عقل، پویایی همیشگی تشیع را به دنبال داشته است. تا زمانی که این خصوصیت پابرجا باشد، تمدن‌سازی شیعه نیز باقی خواهد بود. بی‌شک نقطه آغاز توجه شیعیان به عقل، دستور قرآن به تأمل، تفکر و اندیشیدن است. خداوند متعال در قرآن در موارد متعددی همچون «كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (یونس: ۲۴) و «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (رعد: ۳) به مسلمانان دستور می‌دهد که در آفرینش آسمان، زمین، موجودات هستی، انسان و احوال گذشتگان، تفکر و تدبر کنند (برای نمونه ر.ک: یونس: ۲۴؛ رعد: ۳).

بعد از قرآن، سخنان اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، یکی از مهم‌ترین عوامل توجه شیعیان به عقل است. در احادیث ایشان، عقل بالاترین آفریده و مخلوق خدا شمرده شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۰/۱؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۳۹/۱). از دیدگاه معصومان (علیهم‌السلام)، جهالت شدیدترین فقر، و عقل بزرگ‌ترین سرمایه انسان است (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۶/۱).

در روایتی امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «هر که عاقل است، دین دارد و کسی که دین دارد، به بهشت می‌رود» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۱/۱)؛ بنابراین، از نگاه اهل‌بیت (علیهم‌السلام) مایه سعادت و تکامل انسان‌ها، به‌کارگیری عقل و تعقل است.

بر اساس تعالیم اسلامی، مسلمان‌ها با جوامع شکست‌خورده، رفتار متکبرانه و سلبی نکردند و اقدام به نابودی دستاوردهای علمی و تمدنی آن‌ها نکردند؛ بلکه افزون بر کوشش در راستای محافظت

و حراست از آثار تمدنی آن جوامع، آنچه را که سودمند و موافق با اصول و ارزش‌های خود دیدند، جذب کردند و بنیان علمی و تمدنی خویش را نیرومند ساختند. این روش، حاصل مبانی عقلانی و منطقی اسلام بود. این استواری و اقتدار را می‌توان به وضوح در هجوم مغول‌ها مشاهده کرد. در این تاخت و تاز، برخلاف شکست سختی که مسلمانان خوردند، اسلام شیعی همچنان حیات خود را ادامه داد و در زمان کمی توانست خود را بر مهاجمان چیره کند. از نظر استاد مطهری (رحمه‌الله)، اسلام بود که مغولان را در خود هضم کرد و از قاتلانی بی‌رحم، انسان‌هایی علم‌پرور و علم‌دوست ساخت؛ از نسل چنگیزخان مغول، محمد خدابنده و محمود غازان‌خان ارائه داد (مطهری، ۱۳۷۷، ۳۲۴/۱۴).

عدالت محوری

عدالت در اسلام آن‌چنان حائز اهمیت است که در شمار اصول دین قرار دارد. آیات و روایات فراوانی، غیرمستقیم یا مستقیم، به مسأله عدالت محوری پرداخته است (برای نمونه ر.ک: بقره: ۲۸۲؛ نساء: ۵۸؛ مائده: ۸ و ۱۰۶؛ نحل: ۷۶ و ۹۰؛ حجرات: ۹). قرآن مجید، در آیه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵) هدف از بعثت انبیا و فرستادن کتاب‌های آسمانی را اقامه قسط دانسته است.

در دین مبین اسلام، یکی از اصول محقق شدن عدالت، مساوی بودن همگان در برابر قانون است. پروردگار، هدف از آفرینش، طینت و فطرت همه مشترک است. انسان‌ها به طور ذاتی هیچ‌گونه مزیت و برتری بر همدیگر ندارند. تفاوت‌های ناشی از موضوعاتی همچون طبقه، ملیت، نژاد و ثروت، در اسلام جایگاهی ندارد. نه گروه یا فرد خاصی برای سروری آفریده شده و نه برای بردگی. در آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» (حجرات: ۱۳) تنها ملاک برتری انسان‌ها، تقوا است.

در تفسیر المیزان ذیل آیه ۱۳ سوره حجرات از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) چنین نقل شده است: «ای مردم! آگاه باشید که پروردگارتان یکی است. پدران یکی است و هیچ فضیلتی برای عرب بر غیر عرب نیست، و هیچ غیرعربی بر عرب فضیلتی ندارد، و هیچ سیاهی بر سرخی، و هیچ سرخی بر سیاهی، فضیلت ندارد، مگر به تقوا. گرامی‌ترین شما نزد خدا، با تقواترین شما است» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۳۳۴/۱۸).

اسلام با شعار عدالت محوری در عصری ظهور کرد که ظلم و ستم عالم‌گیر بود. در آن شرایط، مظلومان عالم که در اکثریت بودند با دیدن پاکی و صداقتی که در وجود رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بود و با شنیدن صدای دلنواز عدالت خواهانه آن حضرت، دل‌باخته و عاشق او می‌شدند و اسلام را می‌پذیرفتند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۲، ۶۴).

هرچند همه آموزه‌هایی که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در صدد اجرا و تعلیم آن بود محقق نشد و بعد از درگذشت ایشان، انحراف بزرگی در عمل و فکر برخی از مسلمانان پدید آمد، و بسیاری از تفکرات جاهلی دوباره احیا شد، اما با کوشش و مبارزه اهل بیت (علیهم‌السلام)، همان مقدار از تعلیم الاهی که در افکار عمومی باقی بود، تأثیر مبارک خود را بروز داد.

از امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) سؤال شد: عدالت یا بخشش، کدام یک بالاتر است؟ امام (علیه‌السلام) فرمود: «عدالت کارها را در جایگاهش قرار می‌دهد، و بخشش از جایگاهش خارج می‌کند. عدالت سیاست عام است و بخشش سیاست خاص؛ پس عدالت شریف‌تر و بالاتر است» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۷).

همچنین امام صادق (علیه‌السلام) در اهمیت عدالت می‌فرماید: «اگر در میان مردم عدالت برقرار شود، همه بی نیاز می‌شوند، و به اذن خداوند متعال، آسمان روزی خود را فرو می‌فرستد و زمین برکت خویش را بیرون می‌ریزد» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵۶۸/۳).

امنیت همگانی

امنیت یکی از نیازهای اساسی همه موجودات زنده خصوصاً انسان است. بشر در پناه امنیت است که می‌تواند در مسیر ترقی و پیشرفت قدم بردارد. بدون شک، بدون امنیت نمی‌توان در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تولیدکننده بود؛ از این رو وجود امنیت، جهت کنترل هرج و مرج ضروری است. آیات قرآن مثل آیات مربوط به سرقت (مائده: ۳۸)، قصاص (بقره: ۱۷۹)، حفظ آبرو و ناموس (نور: ۱۶-۱۱)، مقررات استواری هستند که تضمین‌کننده امنیت همگانی می‌باشند. نقش معصومان (علیهم‌السلام) در شکل‌گیری نهادهای امنیتی و انتظامی قابل توجه است. پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اهل بیت (علیهم‌السلام) در حکومت خود، به دنبال ایجاد زمینه‌های امنیت همگانی بودند و در راستای برقراری آن تلاش می‌کردند. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بعد از هجرت به مدینه، دولتی مرکزی تأسیس کرد که امنیت را برای تمام ساکنان جزیره العرب فراهم کرد.

امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) یکی از اهداف تأسیس حکومت خود را برقراری امنیت می‌داند (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۱). ایشان نخستین زمامداری بود که «صاحب الشرطة» یعنی «رئیس پلیس» تعیین کرد و اداره شهربانی را بنیان نهاد (الحاج حسن، ۱۴۲۶، ۱۹۴). خود نیز همواره در کوچه و بازار شهر شلوغ کوفه قدم می‌زد و به محض مشاهده تخلف، با متخلف برخورد می‌کرد (الکتانی، ۱۳۸۴، ۱۴۱).

آن حضرت نیروی نظامی ویژه‌ای به نام «شرطة الخمیس» ایجاد کرد که اعضای آن به امام تعهد داده بودند تا پای جان برای امام بجنگند (برقی، ۱۴۱۹، ۳۴-۳۳). از برخی قضایای تاریخی عصر

امیرمؤمنان (علیه السلام) برمی آید که آن حضرت، آنان را در امور پلیسی به کار می گرفته است (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۲۱۵/۱). ایشان به جز آن گروه امنیتی، نیروهای ویژه اطلاعاتی هم داشت که به طور ناشناس به نقاط مختلف کشور سر می زدند تا بر کار مأموران حکومت نظارت کنند و گزارش وضعیت مردم و مسؤولان را برای امام بفرستند. امام به والیان خود نیز دستور داده بود که مأموران مخفی استخدام کنند، تا همواره از جزئیات رویدادها آگاه باشند. تذکراتی آن حضرت به والیان مناطق مختلف درباره کارهای خلاف آن‌ها، که در نامه‌های امام نیز منعکس شده، در پی اطاعتی بود که این مأموران مخفی به ایشان ارسال می کردند (محرمی، ۱۳۹۰، ۲۳۴).

این تأکیدات معصومان (علیهم السلام) بر عنصر امنیت، بیان گر نقش بسزای آن در تمدن سازی است؛ چراکه با عنایت به رابطه دو طرفه امنیت و تمدن، اهتمام به مؤلفه‌های عرصه امنیت، منجر به حاکمیت اخلاق گرایی و معنویت در جامعه و زایش انسان امن، خواه در بُعد امنیت ظاهری و باطنی، خواهد شد که خود، باعث شکوفایی و توسعه تمدنی می باشد.

نهادینه سازی قانون و نظم

قانون باعث تحقق اعتماد متقابل و تحکیم روابط اجتماعی، و به منزله سنگ زیرین برای پروراندن استعدادها و توانایی های جامعه بشری است. بدون قانون، نه اجتماعی خواهیم داشت و نه پیشرفتی را شاهد خواهیم بود. تمام انبیا از آغاز تا خاتم (صلی الله علیه و آله) برای ایجاد نظم، مقررات فردی و اجتماعی فراوانی را آورده اند. مقرراتی که وظایف انسان ها را نسبت به خود، خانواده، جامعه، حاکمان و محیط زندگی مطرح کرده است؛ چراکه نهادینه سازی قانون و نظم، اهمیت بسزایی در ایجاد تمدن دارد. اولین برآیند قانون، «نظم» است. قانون، مساوی با نظم مداری است. در جامعه ای که قانون حاکم نباشد، از هرکس، هر رفتاری مورد انتظار است؛ این وضعیت، یکی از بدترین شرایطی است که قابل تصور است. نتیجه نبود قانون، اغتشاش، اضطراب و تجاوز به حقوق دیگران خواهد بود.

قرآن، بر اساس آیه «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ» (بقره: ۲۱۳) یکی از دلایل بعثت پیامبران را زدودن اختلاف و برقراری نظم بیان می کند. هنگامی که قرآن بر مردم ارزانی داشته شد، بشر در بی نظمی، افتراق و تشتت به سر می برد. از خصوصیات آن جامعه، دشمنی (آل عمران: ۱۰۳)، جهل و گمراهی (یونس: ۱۰۸)، خرافات (اعراف: ۱۵۷)، فساد اخلاق (بقره: ۲۱۹؛ نساء: ۱۶-۱۵؛ نور: ۳-۲)، ظلم (بقره: ۲۷۸-۲۷۹) و پیروی از شیطان (بقره: ۲۰۸) بود. در مقابل این مشکلات، رنج ها و دردها، قرآن کریم شفا و رحمت برای مؤمنان معرفی شد، و سرنوشت آن جامعه را دگرگون ساخت (اسراء: ۸۲).

مولای متقیان علی (علیه السلام) پس از ضربت خوردن، در وصیت خود، همگان را به تقوای خدا و داشتن نظم در کارها سفارش فرمود (نوری، ۱۴۰۸، ۴۴۱/۱۳).

بدین گونه، قوانین و مقررات الهی به جای درگیری‌ها و خونریزی‌ها، برادری و مهربانی، و به جای اضطراب و آشوب، آرامش و آسایش، و به جای بی‌نظمی، نظم را به ارمغان آورد، و زمینه ایجاد فرهنگ و تمدن اسلامی را فراهم کرد.

تعهد به اصول اخلاقی

اخلاق، از مسائل بسیار بااهمیت و تضمین‌کننده سعادت فردی و اجتماعی در جوامع بشری است. اگر اخلاق نباشد نه دین برای انسان مفهوم دارد و نه دنیای او سامان می‌یابد. وقتی انسان لایق نام انسان است که از اخلاق انسانی بهره‌مند باشد؛ در غیر این صورت، جاندار خطرناکی است که با استفاده از هوش سرشار انسانی برای تحقق منافع نامشروعش بذر تفرقه و نفاق می‌پاشد و همه چیز را ویران می‌کند! اگرچه ممکن است در ظاهر متمدن باشد، ولی در واقع حیوان خوش‌علفی است که حلال و حرام را نمی‌شناسد و فرقی بین عدالت و ظلم قائل نیست.

دستورها و تعالیم اخلاقی قرآن و سپس اهل‌بیت (علیهم السلام) که مفسران دین در جامعه اسلامی بودند، بستری فراهم می‌کرد که در آن مردم بیشتر همدیگر را تحمل می‌کردند و به این ترتیب همزیستی مسالمت‌آمیزتری داشتند. همین، روحیه شهرنشینی را توسعه می‌داد و مردم را از روحیات زندگی قبیله‌ای دور می‌کرد و توانایی زندگی با دیگران را در مردم شهرهای پرجمعیت بالا می‌برد؛ زیرا مهم‌ترین عامل موفقیت و شکوفایی یک تمدن، ایجاد همبستگی است؛ یعنی بتواند افراد و گروه‌های بیشتری را با خود همراه کند (ابن‌خلدون، ۱۴۰۸، ۳۰۱/۱).

دین اسلام، از نظر تأثیر، از بزرگ‌ترین ادیان محسوب می‌شود، و نفوذ آن در دل انسان‌ها، از سایر ادیان محکم‌تر و قوی‌تر است (لوبون، ۱۳۵۸، ۱۴۱). در طول تاریخ، بیشتر مردم نه از راه استدلال و برهان، بلکه بیشتر با مشاهده یا مطالعه اخلاق و سیره پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اهل‌بیت (علیهم السلام)، به اسلام مشرف شدند؛ از همین رو است که خداوند در آیه «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران: ۱۵۹) به رسولش می‌فرماید: به برکت رحمت الهی، در برابر مردم، مهربان و نرم شدی، و اگر سنگدل و خشن بودی، مردم از پیرامون تو متفرق می‌شدند. یکی از مهم‌ترین ابزارهای تربیت معنوی و اخلاقی، موعظه و نصیحت می‌باشد و انبیا و اهل‌بیت (علیهم السلام) همواره از این ابزار، برای هدایت مردم و دعوت آن‌ها به پرستش خدای یگانه سود می‌جستند (محرمی، ۱۳۹۰، ۱۴۱). قرآن کریم با تعبیر حکمت و موعظه حسنه از آن یاد کرده (نحل: ۱۲۵) و بسیاری از مواظپ پیامبران را گزارش کرده است. از آن جمله

می‌توان نصیحت‌های لقمان را نام برد، که در قرآن جایگاهی ویژه دارد (لقمان: ۳۴-۱۳)؛ از همین رو است که پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فلسفه بعثتش را اتمام مکارم اخلاق معرفی کرده است (طبرسی، ۱۳۷۰، ۸؛ ورام، ۱۴۱۰، ۸۹/۱).

در منابع حدیثی و اخلاقی، مجموعه‌وصایایی گهربار از اهل بیت (علیهم السلام) خطاب به فرزندان و یارانشان ثبت شده که حاوی مطالب بلند اخلاقی و عرفانی هستند. یکی از آن‌ها وصیت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به امام حسن (علیه السلام) است (حرانی، ۱۴۲۵، ۶۸). رساله حقوق امام زین العابدین (علیه السلام)، نمونه‌ای دیگر از تعالیم اخلاقی و تربیتی اهل بیت (علیهم السلام) است. امام سجاد (علیه السلام) در این رساله وظایف گوناگون انسان را در برابر خداوند، خویش‌ن و دیگران، بیان کرده است. امام (علیه السلام) این وظایف را که شمار آن‌ها به پنجاه حق می‌رسد، ابتدا به نحو اجمال و سپس به صورت تفصیل بیان کرده است (شیخ صدوق، ۱۴۰۳، ۵۶۴؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۶۸۱/۲؛ حرانی، ۱۴۲۵، ۲۷۲-۲۵۵).

نگرش فرا قومیتی

نگاه قومیتی در بهره‌مندی از نیروهای متخصص و کارآمد آسیب‌زا است. در راستای تحقق تمدن باید از همه قومیت‌ها و گروه‌ها بهره برد. مهم‌ترین ملاک باید شایستگی و توانمندی افراد باشد. اسلام نیز در استفاده از نیروهای متخصص نگاه منطقه‌ای و قومیتی را در نظر نمی‌گیرد؛ از همین رو هدایت همه بشریت، هدف اصلی قرآن کریم و اهل بیت (علیهم السلام) است؛ چراکه قرآن به عنوان آخرین کتاب آسمانی، به منطقه یا قوم خاصی اختصاص ندارد، و همه انسان‌ها مخاطب قرآن کریم هستند؛ از این رو مسئولیت و وظیفه اهل بیت (علیهم السلام) تفسیر و تبیین قرآن برای همه جهانیان است. یکی از آرمان‌های بزرگ اسلام، گرد آوردن تمام بشریت زیر پرچم حکومت واحدی به نام حکومت اسلامی بود؛ از همین رو است که حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از ابتدای بعثت می‌فرمود: «اگر به آیین توحید پیوندید، بر جهان حکومت خواهید کرد» (سبحانی، ۱۳۸۰، ۱۱۰). برخلاف این که معمولاً در جنگ‌ها فرماندهان، نیروهایشان را به انتقام‌گیری از دشمن و نابودی آنان دستور می‌دهند و هر نوع ترحم به دشمن را مغایر با قانون جنگ به شمار می‌آورند، اما معصومان (علیهم السلام) به شیعیان چنین می‌گفتند: از راه راست منحرف نشوید و خیانت نکنید. هیچ کودک یا زن یا پیری را نکشید. هیچ کشته‌ای را مثله نکنید. درختان را قطع نکنید و آتش نزنید. گوسفندان و شترها را نکشید؛ مگر به اندازه‌ای که برای رفع گرسنگی شما نیاز باشد (طبری، ۱۳۹۸، ۱۵۸/۱). این طرز تفکر والا، به خوبی نشان‌گر آن است که شیعیان در نبردها به دنبال انگیزه‌های مادی نبودند؛ بلکه هدف اصلی آن‌ها گسترش اسلام اصیل و هدایت تمام قبایل و اقوام بود.

تساهل و مدارا

تساهل و مدارا به عنوان روش و ابزاری از طرف حکمرانان برای رعایت حقوق شهروندی و اصلاح روابط اجتماعی و سازش میان شهروندان و نیز برای چاره‌اندیشی در مناسبات انسانی بسیار پسندیده است. امتیاز قرآن و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) در آن است که با وجود آن‌که اندیشه‌های بس بلندی دارند و دغدغه سعادت بشریت را در سر می‌پروراند، دستورات خود را به گونه‌ای آسان و ساده آورده که تمام افراد به خوبی می‌توانند آن را فهمیده و عمل کنند (لوبون، ۱۳۵۸، ۱۴۱). اسلام با ندای وحیانی «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره: ۲۸۶) در تکالیف و وظایفی که بر عهده انسان‌ها قرار داده، توانایی آن‌ها را در نظر گرفته است. این سادگی اسلام و قوانین آن، کمک بسیاری به گسترش این دین در جهان کرده است؛ به همین دلیل، گروه‌های زیادی را می‌بینیم که دین اسلام را می‌پذیرند و آن را بر مسیحیت و یهودیت ترجیح می‌دهند (لوبون، ۱۳۵۸، ۱۴۲). همچنین شیعیان با تساهل و مدارا در برخورد و رفتار با پیروان ادیان و مذاهب دیگر، به زرتشتی‌ها، یهودی‌ها و مسیحی‌ها اجازه می‌دادند تا طبق ملاک‌های دین و مذهب خویش عمل کنند و در گستره وسیع اسلام زندگی کنند (اولیری، ۱۳۷۴، ۱۰۷). این حضور، زمینه‌ساز داد و ستد فکری آن‌ها با عالم اسلام بود؛ به همین دلیل، اندیشمندان و علمای زرتشتی، یهودی و مسیحی خدمات درخور و سهم بسزایی در حیات فرهنگی و تمدنی جهان اسلام داشته‌اند؛ از این‌رو در زمینه گسترش جامعه متمدن شیعی نقش مؤثری داشته‌اند.

تولید ثروت و سرمایه

تمدن‌سازی به شکلی روشمند، ملازم با تولید در عرصه اقتصاد برای ایجاد ثروت و سرمایه می‌باشد. شایسته است دو عامل اساسی اقتصاد اسلامی، یعنی «ثروتمندان صالح» و «ثروت حلال»، همواره الگو و سرمشق زندگی مردم و مسئولان باشد؛ در این صورت، سعادت و پیشرفت معنوی و مادی تضمین خواهد شد؛ از این‌رو باید مانع از نفوذ افراد ناصالح و خائن در مدیریت اقتصادی شد؛ در غیر این صورت، آن‌ها با قدرت و ثروتی که تصاحب کرده‌اند، نابودی امت اسلامی را زمینه‌سازی خواهند کرد. از نگاه امام محمد باقر (علیه‌السلام)، بقا و دوام فرهنگ شیعه، در صورتی است که گردش سرمایه و ثروت نزد کسانی باشد که حق اموال و مسئولیت خود نسبت به آن را می‌شناسند و به معروف عمل می‌کنند (نوری، ۱۴۰۸، ۳۳۹/۱۲).

امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) از جوانی مشغول کار و تلاش برای کسب روزی حلال بود و هیچ‌گاه آن را برای خود عار نمی‌دانست؛ ایشان حتی برای به دست آوردن مخارج زندگی، به کار در باغ‌های دیگران می‌پرداخت. در منابع تاریخ و روایی چنین آمده که هرگاه حضرت علی (علیه‌السلام)

گرفتار تنگنای معیشت می‌شد، از مردم دوری می‌کرد و به کار و تلاش روی می‌آورد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۱۲۵/۲).

شخصی به نام عبدالاعلی در روزی گرم به امام صادق (علیه السلام) عرض کرد که چرا در چنین روزی در مزرعه کار می‌کند. امام (علیه السلام) فرمود: «ای عبدالاعلی! بیرون آمده‌ام و در طلب روزی تلاش می‌کنم تا از امثال تو بی‌نیاز باشم» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۲۰/۱۷)؛ حتی نقل شده امام صادق (علیه السلام) بدون این که نیازی به تجارت و درآمد داشته باشد، پولی را به یکی از شیعیان داد تا به صورت مضاربه از طرف ایشان تجارت کند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۴۳/۱۷).

در برخی از روایات اهل بیت (علیهم السلام)، از کار تعبیر به عبادت شده است. امام باقر (علیه السلام) با وجود کهولت سن و داشتن خادم، هرگز از تلاش و کار دست نکشید؛ حتی افرادی گمان کردند تلاش اقتصادی امام (علیه السلام) بیانگر نوعی فاصله گرفتن از قناعت و زهد است؛ از این رو امام (علیه السلام) در پاسخ افراد زاهدنما و ظاهرین فرمود: اگر در حال کشاورزی بمیرم، در حقیقت مرگ در حالی مرا فراگرفته که در مسیر عبادت و بندگی الهی بوده‌ام. هدف من از کار و تلاش، این است که خود و خانواده‌ام را از تو و دیگران بی‌نیاز کنم» (عبدوس، ۱۳۷۳، ۱۷۰/۱ و ۱۷۱؛ فیض کاشانی، ۱۳۸۳، ۱۴۲/۳).

قرآن کریم، پرداخت زکات و به‌کارگیری مدیریت باکفایت و سزاوار در مصارف آن را یکی از راهکارهای مؤثر و کارآمد جهت کم کردن فاصله طبقاتی و ریشه‌کن نمودن فقر می‌داند؛ از این رو خداوند منان در قرآن کریم پرداخت زکات و اقامه نماز را قرین و همراه هم قرار داده است (برای نمونه ر.ک: بقره: ۴۳؛ نساء: ۷۷). از نظر امام باقر (علیه السلام)، کسی که نماز بخواند، ولی زکات نپردازد، مثل کسی است که نماز را اقامه نکرده است (محسنی گرکانی، ۱۳۷۷، ۱۰۱؛ خوشنویس، ۱۳۶۴، ۵۸۴). بنابراین، اداره جامعه اسلامی، اگرچه جز اندک زمانی در اختیار امامان اهل بیت (علیهم السلام) نبوده است، نمی‌توان تأثیرگذاری آنان را در عرصه اقتصادی، به ویژه در میان شیعیان که خود را ملزم به پیروی از آنها می‌دانستند، انکار کرد. در واقع فعالیت‌های اقتصادی شیعیان، که جمعیت درخور توجهی از جامعه اسلامی را تشکیل می‌دادند، براساس تعالیم قرآن کریم و سیره اهل بیت (علیهم السلام) بوده است.

قدرت و اقتدار

تمدن‌سازی به شکلی منسجم، ملازم است با تولید در عرصه سیاست که به‌طور خاص از آن به‌عنوان تولید قدرت یاد می‌شود؛ در واقع، آنچه روابط سیاسی انسان‌ها را از دیگر روابط متمایز می‌کند، قدرت است که ملت‌ها و نظام‌های سیاسی برای به‌دست آوردن آن می‌کوشند تا در عرصه

بین‌الملل از آن، همچون ابزاری برای دفاع ملی یا وسیله‌ای برای سلطه و تحمیل خواست خود بر دیگران بهره گیرند.

آیات متعددی، مسلمان‌ها را به عنوان یک امت مستقل و واحد، از پیوستگی و وابستگی سیاسی به سایر ملت‌ها برحذر داشته است؛ البته قرآن کریم تصریح به استقلال سیاسی نکرده است؛ ولی در آیات فراوانی خصوصیت‌هایی را بیان می‌کند که نشانگر مفهوم و معنای استقلال سیاسی در علوم سیاسی عصر حاضر است. برخی از این خصوصیت‌ها عبارتند از: عدم پیروی از مشرکان و اهل کتاب (آل عمران: ۱۴۹؛ مائده: ۴۹)، نفی سبیل کافران (نساء: ۱۴۱)، ضرورت عزت مسلمانان (نساء: ۱۳۹؛ فاطر: ۱۰؛ منافقون: ۸)، منع اعتماد و گرایش به کافران (هود: ۱۱۳)، نپذیرفتن سرپرستی و سلطه کافران (مائده: ۵۱)، خودکفایی و ایستادن روی پای خود (فتح: ۲۹)، عدم ارتباط صمیمی و دوستی با مشرکان (آل عمران: ۱۱۸؛ مائده: ۵۷) و آیات مشابه دیگر (بقره: ۱۰۵ و ۱۰۹؛ آل عمران: ۱۱۹؛ توبه: ۸).

تمدن، بدون حکومت شکل نمی‌گیرد. این حقیقتی است که رویدادهای مهم تاریخی به ما می‌آموزد. اگر خواهان احیای تمدن اسلامی هستیم، بدون احیای فلسفه سیاسی در دیدگاه اسلام و اندیشه سیاسی شیعه و به وجود آوردن دولت و حکومتی که مورد تأیید فرهنگ اسلامی است، میسر نخواهد شد؛ از این رو پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) پیوسته درصدد تأسیس حکومت بودند و آن را مسؤولیتی خطیر از طرف خداوند متعال می‌دانستند (مجلسی، ۱۴۰۴، ۴/۱۷). از منظر اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، سیاست عین دیانت است. گواه این ادعا سیره اهل‌بیت (علیهم‌السلام) است؛ عهدنامه مالک اشتر - که در حقیقت اصول سیاسی اسلام است - با جدایی دین از سیاست چطور قابل جمع است؟ موضع‌گیری امام علی و امام حسن (علیهما‌السلام) در برابر معاویه، موضع‌گیری امام حسین (علیه‌السلام) در برابر معاویه و فرزندش یزید، و همچنین موضع‌گیری دیگر امامان (علیهم‌السلام) در برابر حکام جور و سلاطین فاسد را چگونه می‌توان شاهد بود و نوای جدایی دین از سیاست را همراه با ادعای پیروی از آن اولیای الهی مطرح کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ۲۶۲).

بنابراین، قدرت است که در جهان معاصر، سازوکارها، ابزارها و زمینه‌های ایجاد و بسط و توسعه و تسدید تمدن اسلامی را فراهم می‌آورد. تشکیل چنین قدرتی در عصر حاضر که بتواند تکرر دولت‌ها را نیز برتابد و در عین حال بستر را برای حکومت جهانی اسلام آماده سازد، احیای پدیده «امت اسلامی» است، که بر اساس آموزه‌های قرآن و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) شکل می‌گیرد.

همبستگی و مشارکت همگانی

در پیشرفت و شکوفایی تمدن‌ها، همبستگی و مشارکت اقشار گوناگون جامعه نقش تأثیرگذاری دارد؛ به گونه‌ای که اگر اتحاد و همکاری مردم محقق نشود، جوامع از هم گسیخته می‌شوند و به بدویت رهنمون خواهند شد؛ چراکه تمدن و مدنیّت، در سایه جمعیت و اجتماع متعهد به قانون محقق می‌شود، و پراکندگی از عناصر بدویت است؛ از این رو است که قرآن کریم در آیه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۱۳) تصریح به یکدلی و همبستگی می‌کند، و انسان‌ها را از پراکندگی و تفرقه نهی می‌کند تا به ترقی و پیشرفت برسند.

همگرایی و همدلی امت‌ها به دور از اختلافات کلان می‌تواند زمینه مناسبی برای همسو کردن توانمندی‌ها و قدرت ملت پدید آورد و مشکلات اساسی دولت و ملت را حل و فصل نماید. اصولاً دولت‌ها زمانی قدرت و اقتدار خویش را از دست می‌دهند که گرفتار اختلاف شوند؛ از این رو قرآن کریم در آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال: ۴۶) یکی از عوامل مهم ایجاد قدرت و اقتدار را اتحاد و همبستگی مردم و امت معرفی می‌کند. اسلام در بین جوامعی که به آن ایمان آوردند، اتحاد ایجاد کرد. به دنبال آن اتحاد و همبستگی، همه مسلمانان دارای آرمان‌ها و مصالح مشترکی شدند؛ در حالی که قبل از آن، دارای آرمان‌ها و مصالح متفاوتی بودند (لوبون، ۱۳۵۸، ۱۵۲). حضرت زهرا (علیها السلام) در مورد نقش اهل بیت (علیهم السلام) در ایجاد اتحاد می‌فرماید: «خدا اطاعت و پیروی از ما اهل بیت را سبب برقراری نظم اجتماعی در امت اسلامی، و امامت و رهبری ما را عامل اتحاد و در امان ماندن از تفرقه‌ها قرار داده است» (طبرسی، ۱۴۰۳، ۹۹/۱).

توجه به شهرنشینی و معماری

شهرنشینی و توسعه معماری بر اساس الگوهای بومی، از عناصر تمدن ساز و از لوازم زندگی در جامعه متمدن است. بر اساس آیه «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱) پس از این که خداوند متعال انسان را از خاک بی‌ارزش و بی‌مقدار آفرید، عمران و آبادانی زمین را به او سپرد و قدرت و وسائل آن را در اختیارش قرار داد. همچنین به حکم آیه «جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا» (ملک: ۱۵) زمین رام بشر است و با وجود چندین گونه حرکت از قبیل حرکت وضعی و انتقالی، آرام است. اگر زمین دائماً دچار آتشفشان یا زلزله بود، یا مسافت بین خورشید و زمین بیشتر یا کمتر بود، یا هر یک از معادلات موجود بر زمین مستولی نبود، زمین برای آدمی رام نبود. خداوند متعال، زمین را رام نموده تا امکان کوشش و تلاش انسان برای عمران و آبادی آن فراهم باشد.

اهل بیت (علیهم السلام) نیز پیرو تعالیم پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، مردم را به عمران و آبادانی و شهرنشینی تشویق می‌کردند؛ زیرا شهرنشین شدن شیعیان در معماری شهرها نیز تأثیر می‌گذاشت و

موجب می‌شد که ظاهر شهرها رنگ و بوی شیعی بگیرد؛ از این‌رو است که امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) در نامه خود به یکی از شیعیان، وی را به سکونت در شهرهای بزرگ تشویق می‌کند (نهج البلاغه، نامه ۶۹).

بیابان‌گردی، نقطه مقابل شهرنشینی است که اهل‌بیت (علیهم‌السلام) همواره از آن نهی کرده‌اند. امام صادق (علیه‌السلام)، بیابان‌گردی بعد از هجرت را یکی از گناهان کبیره برشمرده و آن را با شرک یکی دانسته است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۵۰۷/۱۱). امام باقر (علیه‌السلام) از ازدواج زن مسلمان مهاجر با اعرابی‌ای که او را از دارالهجری به بادیه ببرد، نهی کرده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۵۶۳/۲۰)؛ زیرا در این صورت آن زن به حالت بیابان‌نشینی برمی‌گردد و از اجتماعات مسلمانان دور می‌شود و این می‌تواند انحطاط فکری او را به دنبال داشته باشد. در عصر اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، جامعه اسلامی همواره در حال گسترش بود؛ تا جایی که از لحاظ قلمرو، وسیع‌ترین کشور آن زمان شده بود. پس از دوره فتوحات، با سرازیر شدن اموال کشورهای فتح شده، مرکز خلافت تبدیل به مرکز ساخت‌وساز خانه‌ها و قصرهای مجلل شده بود. حادثی که از جانب اهل‌بیت (علیهم‌السلام) در نهی از ساخت‌وسازهای اضافی نقل شده (کلینی، ۱۴۰۷؛ ۵۲۹/۶-۵۲۸؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۳۱۱/۵-۳۱۰)، ناظر به همین اسراف و تبذیرهای طبقه اشراف جامعه است؛ بنابراین، طبیعی است که اهل‌بیت (علیهم‌السلام) ساختمان‌های محکمی مانند قصرهای بنی‌امیه و بنی‌عباس نساخته باشند تا قرن‌ها دوام بیاورد و کاملاً نشان‌گر دیدگاه آنان در معماری باشد؛ پس، نقش آنان بیشتر فکری بوده است و آنان با رهنمودهایشان زمینه فکری تطبیق معماری ملت‌های مناطق فتح شده را با فرهنگ اسلام فراهم آورده‌اند. اگر شیعیان توانایی این تطبیق را نمی‌یافتند، هرگز معماری شیعی شکل نمی‌گرفت. قرآن کریم به انسان‌ها سفارش می‌کند که اگر می‌خواهید درست زیستن را بیاموزید، به اطراف خود بنگرید و از موجودات اطرافتان که بسیار ماهرانه برای خود خانه می‌سازند، الگو بردارید و برای ساختن خانه‌های خود از معمارانی که در طبیعت زندگی می‌کنند، استفاده کنید؛ از این‌رو خانه عنکبوت را خانه‌ای سست و آن را نکوهش می‌کند (عنکبوت: ۴۱)؛ اما خانه زنبور عسل را تمجید و تحسین می‌کند (نحل: ۶۸). قرآن، نخستین مأموریت و حیاتی زنبور عسل را مأموریت خانه‌سازی بیان می‌کند (نحل: ۶۸)؛ شاید به دلیل آن است که مسکن مطلوب، اولین شرط زندگی در جامعه متمدن است، و به دنبال آن، فعالیت‌های دیگر امکان‌پذیر خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۹۸/۱۱).

نتیجه

آنچه از این پژوهش نتیجه می‌گیریم آن است که درون‌مایه‌ها و عناصر اصلی تمدن‌سازی، به بهترین شکل در قرآن کریم و سیره اهل‌بیت (علیهم‌السلام) وجود دارد. بررسی تاریخ تمدن اسلامی

به خوبی نشان می‌دهد فرآیند ایجاد، شکوفایی و پویایی تمدن اسلامی ارتباط نزدیکی با نقش مؤثر و فعال اسلام در زمینه اجتماع و افراد داشته است. تمدن گذشته اسلامی هرچند بر اساس اسلام ناب پایه‌ریزی نشده بود، اما همین که جرعه‌ای از چشمه گوارای اسلام نوشیده بود، توانست آثاری به آن بزرگی و شکوه خلق کند؛ چراکه تولید فکر و اندیشه، تعقل و عقل‌گرایی، عدالت‌محوری، امنیت همگانی، نهادینه سازی قانون و نظم، تعهد به اصول اخلاقی، نگرش فراقومیتی، تساهل و مدارا، تولید ثروت و سرمایه، همبستگی و مشارکت همگانی و توجه به شهرنشینی و معماری، از عناصر برگرفته از منابع تفکر اسلامی و تأثیرگذار برای تمدن‌سازی محسوب می‌شوند. به یقین اگر در تمدن‌سازی آینده، اسلام اصیل که همان تمسک به تقلین یعنی قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) است، مبنای کار قرار گیرد، جهانیان شاهد شکل‌گیری تمدن بی‌نظیری خواهند بود که در آن، هم دنیا و هم آخرت جمع خواهد بود. این نکته قابل‌اهتمام است که اسلام برای تفکر ارزش قائل شد، و عقل و دانش را به شکل بی‌نظیری ستایش کرد؛ بدین‌گونه مسلمان بودن، با تلاش و کار، و با اندیشه و تفکر، و با توحید سرشته شد. تمدن باشکوه اسلام که در زمان کمی، تکامل یافت و میوه داد، ثمره این درون‌مایه‌های تمدنی بود. این اتهام که فرهنگ اسلامی با قدرت شمشیر گسترش یافت، با حقایق تاریخی همخوان نیست (ر.ک: لوبون، ۱۳۵۸، ۱۴۴). ضرورت و اهمیت این پژوهش، در دفع این‌گونه اتهامات ناروا و ایجاد خودباوری برای شیعیان در حل مسائل بخش‌های مختلف و ایجاد تحول در جامعه است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه (۱۴۱۴ق)، تحقیق: صالح، صبحی، قم.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۰۸ق)، مقدمه ابن خلدون، ج ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴. ابن سعد، محمد (۱۴۰۵ق)، الطبقات الکبری، ج ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، قم، المطبعة العلمیه.
۶. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۲ش)، عدالت در اندیشه‌های سیاسی اسلام، قم، بوستان کتاب.
۷. اولیری، دلیس‌اونز (۱۳۷۴ش)، انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی، ترجمه احمد آرام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

۸. باغستانی کوزه‌گر، محمد (۱۴۰۱ش)، *بافتار کوشش‌های شیعی در تمدن اسلامی در دوره مغول*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۴۱۹ق)، *رجال برقی*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی،
۱۰. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (khamenei.ir).
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲ش)، *ادب فنای مقربان*، قم، اسراء.
۱۲. الحاج حسن، حسین (۱۴۲۶ق)، *حضاره العرب فی صدر الإسلام*، بیروت، المؤسسة الجامعیة للدراسات و النشر و التوزیع.
۱۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، ج ۵ و ۱۱ و ۱۷ و ۲۰، قم، مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام).
۱۴. حرانی، حسن بن علی بن شعبه (۱۴۲۵ق)، *تحف العقول*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۵. خوشنویس، جعفر (۱۳۶۴ش)، *خطوط کلی اقتصاد در قرآن و روایات*، ترجمه مهدی انصاری، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام).
۱۶. دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۶۷ش)، *تاریخ تمدن*، ترجمه احمد آرام و دیگران، ج ۱، تهران، آموزش انقلاب اسلامی.
۱۷. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷ش)، *لغتنامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.
۱۸. سبحانی، جعفر (۱۳۸۰ش)، *در سرزمین تبوک*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۹. طاهرزاده، اصغر (۱۳۸۹ش)، *تمدن‌زایی شیعه*، اصفهان، لب‌المیزان.
۲۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۸، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۱. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، ج ۱، مشهد، مرتضی.
۲۲. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰ش)، *مکارم الأخلاق*، ج ۸، قم، الشریف الرضی.
۲۳. طبری، محمد بن جریر (۱۳۹۸ش)، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱، تهران، اساطیر.
۲۴. عبدوس، محمدتقی و محمدی اشتهاردی، محمد (۱۳۷۳ش)، *فرازهای برجسته از سیره امامان شیعه (علیهم‌السلام)*، ج ۱، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۵. عمید، حسن (۱۳۸۱ش)، *فرهنگ لغت عمید*، تهران، امیرکبیر.

۲۶. فاضل قانع، حمید (۱۳۹۶ش)، *ظرفیت های تمدنی اسلام*، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۲۷. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۸۳ق)، *المحجّة البيضاء*، ج ۳، قم، انتشارات اسلامی.
۲۸. قمی، محمد بن بابویه (شیخ صدوق) (۱۴۰۳ق)، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین.
۲۹. قمی، محمد بن بابویه (شیخ صدوق) (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، ج ۲، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۳۰. الکتانی، عبدالحی (۱۳۸۴ش)، *التراتیب الاداریه*، ترجمه علیرضا ذکاوتی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان سمت.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، ج ۱، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۳۲. لوبون، گوستاو (۱۳۵۸ش)، *تمدن اسلام و عرب*، ترجمه سیدهاشم حسینی، تهران، کتاب فروشی اسلامیّه.
۳۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الأنوار*، ج ۲ و ۱۵ و ۱۷ و ۷۵، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۳۴. محرمی، غلامحسن (۱۳۹۰ش)، *نقش امامان شیعه (علیهم السلام) در شکل گیری و توسعه تمدن اسلامی*، قم، مؤسسه امام خمینی (قدس سرّه).
۳۵. محسنی گرکانی، احمد (۱۳۷۷ش)، *زکات برای همه*، قم، پیام مهدی (عجل الله فرجه).
۳۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷ش)، *مجموعه آثار*، ج ۱۴، قم، صدرا.
۳۷. معین، محمد (۱۳۶۳ش)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران، امیرکبیر.
۳۸. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، *الارشاد*، ج ۱، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۱ش)، *تفسیر نمونه*، ج ۱۱، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۴۰. نجفی، موسی (۱۳۹۷ش)، *تمدن رضوی: مؤلفه های تمدن ساز در مکتب سیاسی امام رضا (علیه السلام)*، تهران، آرما.
۴۱. نوری، حسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل*، ج ۱۲ و ۱۳، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۴۲. وحیدی منش، حمزه علی (۱۳۸۶ش)، *عناصر تمدن ساز دین اسلام، ماهنامه معرفت*، ش ۱۲۳، اسفند ۱۳۸۶، صص ۳۴-۱۵.
۴۳. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ق)، *مجموعه ورام*، ج ۱، قم، مکتبه فقیه.
۴۴. ولایتی، علی اکبر (۱۳۹۲ش)، *نقش شیعه در فرهنگ و تمدن اسلام و ایران*، ج ۱ و ۲، تهران، امیرکبیر.

رابطه بین دینداری اسلامی و سرمایه فکری با ترویج اندیشه مهدویت از طریق نقش خودکارآمدی معلمان زن

سیروس حدادنیا^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲، صفحه ۴۷ تا ۶۷ (مقاله پژوهشی)

چکیده

هدف از انجام این مطالعه، رابطه بین دینداری اسلامی و سرمایه فکری با ترویج اندیشه مهدویت از طریق نقش خودکارآمدی معلمان زن مدارس شیراز بود. تحقیق حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش جمع آوری داده ها از نوع پژوهش های توصیفی همبستگی و از لحاظ زمانی، مقطعی بود و جامعه آماری در این مطالعه، تمامی معلمان زن ابتدایی ناحیه چهار شیراز (۸۵۰ نفر) و با استفاده از جدول مورگان کرجسی، تعداد نمونه آماری حدود ۲۵۶ نفر انتخاب شد. در این پژوهش از پرسشنامه های استاندارد خودکارآمدی معلمان شوارتز (۲۰۰۸)، پرسشنامه مهدویت حسین زاده و همکاران (۱۳۸۸)، دینداری اسلامی صافدل (۱۳۹۳)، و سرمایه فکری بونتیس و هولند (۲۰۰۲)، استفاده شد. روایی صوری پرسشنامه ها از طریق تأیید خبرگان و پایایی با محاسبه آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۸۸، ۰/۹۳ و ۰/۹۰ بدست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون های همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داده که دینداری، سرمایه فکری، خودکارآمدی و اندیشه مهدویت رابطه معناداری دارند. در نهایت؛ نتایج آزمون تحلیل مسیر نشان داده است که خودکارآمدی بر رابطه بین دینداری و سرمایه فکری با ترویج اندیشه مهدویت معلمان زن ابتدایی ناحیه چهار شیراز، نقش واسطه ای دارد.

کلیدواژه ها: دینداری اسلامی، سرمایه فکری، خودکارآمدی، ترویج اندیشه مهدویت.

۱. استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد نورآباد ممسنی، دانشگاه آزاد اسلامی، نورآباد ممسنی، ایران:

s_hadadnia@yahoo.com

درآمد

از آن‌جا که نگرش ادیان به تاریخ تحول خطی و سرانجام نیک برای انسان و جهان و تحقق وعده الهی بوده است، پیامبران آسمانی همواره از فرارسیدن عصری طلایی که تحقق بخش وعده الهی باشد، خبر داده‌اند. اما به طور خاص، در اسلام نیز آموزه مهدویت و به پیروی از آن، فرهنگ شکل گرفته بر اساس آن نیز قدمتی هم‌پای ظهور اسلام دارد. مؤمنان همواره به فرارسیدن چنین عصری بشارت داده می‌شدند. از این‌رو محور اساسی فرهنگ مهدویت را می‌توان تحقق فرج و ظهور منجی موعود دانست. از طرفی اندیشه مهدویت^۱ عبارت است از: «بیان اندیشه‌ها، باورها، اصول و اعتقادات مربوط به آموزه مهدویت، تبیین ارزش‌ها و بایدها و نبایدهای آن، تعیین هنجارها و الگوهای رفتاری کرداری مرتبط با آن، تولید نمادها، نشانه‌ها و علائم نمادین برای توسعه و تحکیم آن، تولید آیین‌ها و آداب و رسوم تازه و تقویت آیین‌های پیشین، ابداع و نوآوری‌های ارتباطی رسانه‌ها در حوزه شبکه‌های انسانی حقیقی و مجازی، توسعه و بسط مهارت‌های مورد نیاز مانند زمینه‌سازی ظهور، انتظارسازنده، روش‌های یاری مهدی موعود (عج) و...» (عظیمی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۵). اصل اعتقاد و باور به مهدویت، اصلی فراگیر در میان گروه‌ها و فرقه‌های مختلف اسلامی است و اندیشه مهدویت اندیشه‌ای فرا مذهبی است که همه گروه‌های اسلامی بدان اعتقاد دارند. روایات متواتری از پیامبر اکرم (ص) رسیده است که حضرت مهدی عج از اهل بیت پیامبر (ص) است (آیت‌اله سبحانی، ۱۳۹۵). در واقع اندیشه مهدویت مجموعه‌ای از نگرش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهایی است که درباره ظهور منجی موعود از نسل پیامبر (ص) شکل گرفته و ریشه‌های معرفتی آن از کتاب و سنت استخراج می‌شود. از این منظر، فرهنگ مهدویت ریشه در تاریخ بشر دارد. به بیان دیگر، همه ادیان الهی از همان آغاز، منادی ظهور منجی موعود بوده‌اند. هرگونه نگرش، هنجار و سنت‌ها و شعائر خاصی که در یک جامعه حول چنین اعتقادی شکل می‌گیرد، می‌تواند در مقوله فرهنگ مهدویت قرار گیرد (حسین‌زاده و همکاران ۱۳۸۸). از این‌رو توجه به اندیشه مهدویت و توسعه و ترویج آن در بین معلمان می‌تواند نتایج مثبت و موثری بر رشد و تعالی فرهنگ جامعه داشته باشد. از جمله عواملی که می‌تواند در تحقق این هدف آرمانی موثر باشد و به طور مستقیم یا غیر مستقیم با آن در ارتباط باشد، دینداری اسلامی^۲، سرمایه فکری^۳ و خودکارآمدی^۴ است. از نگاه رسمی و در نظام آموزش و پرورش هویت دینی و ایمان دینی موجب بالندگی افراد و آرامش ذهنی آنها شده و تعهد افراد به اصول اخلاقی را

-
- 1- Idea of Mahdism
 - 2- Islamic religiosity
 - 3- Intellectual capital
 - 4- self-efficacy

تقویت می کند. همچنین تصور رایج آن است که دینداری با رضایت، نگرش ها و کنش های سیاسی مرتبط است. بر این اساس است که بخش زیادی از آموزش های رسمی و غیررسمی در آموزش و پرورش جوامع (به ویژه در جمهوری اسلامی ایران) به انتقال ارزش های دینی اختصاص داده می شود. دینداری صفت و حالت انسان درباره دین است. با توجه به سه عنصر اساسی عقاید، اخلاقیات و احکام، و ویژگی های شناختی، عاطفی و رفتاری دین، می توان دینداری را چنین تعریف کرد: برخورداری از شناخت و باور به پروردگار یکتا، انبیا، آخرت و احکام الهی و داشتن عواطف نسبت به خدا، اولیا و بندگان خدا، و التزام و عمل به وظایف دینی برای تقرب به خداوند است (قدیمی و حافظیان، ۱۳۹۹). در طول دو دهه گذشته، ادبیات رو به رشدی وجود داشته است که اهمیت تعاملات معلمان را برای توسعه حرفه ای آنها تشخیص می دهد (بیکر دوئل و یون^۱، ۲۰۲۰). توسعه حرفه ای معلمان به طور فزاینده ای مفهوم سرمایه افکری را در خط مقدم حوزه پژوهش معلمان قرار داده است. مطالعات زیادی سرمایه فکری را به عنوان منبعی برای تعالی روحیه معنوی، اخلاقی و توجه به مبانی اسلامی برجسته کرده اند. در راستای این روند رو به رشد، تاکید بر جنبه فکری توسعه معلم امروزه به جریان اصلی در پژوهش های معلم تبدیل شده است و سرمایه فکری را به یک مفهوم مرسوم تبدیل می کند (کوپ^۲ و همکاران، ۲۰۲۲). سرمایه فکری از دسته مفاهیمی می باشد که امروزه به طور فزاینده ای بر اهمیت آن در سازمان ها افزوده شده و می تواند بر اکثر ساختارهای سازمانی تاثیرگذار باشد (Latas et al. 2017). سرمایه فکری یکی از اساسی ترین دارایی های سازمان بوده که بر سه مولفه اصلی: سرمایه انسانی، ساختاری و ارتباطی تمرکز می نماید (Chen et al. 2014). به گونه ای که بین مولفه های سرمایه فکری و عملکرد سازمان ارتباط معناداری وجود دارد. از بین اجزای آن نیز سرمایه ساختاری، ارتباطی و انسانی به ترتیب بیشترین میزان تاثیر را بر عملکرد سازمانی دارند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۹). سرمایه فکری ترکیبی از حقیقت ها، داده ها، منابع منطقی و تجربه - های فرد در یک سازمان است (Patthirasinsiri & Wiboonrat. 2019). محققان برای سرمایه فکری مفاهیم مختلفی را بیان نموده و آن را ترکیبی از دارایی ها و فعالیت های نامشهود معرفی کرده اند که سازمان ها را قادر نموده تا از طریق منابع را به ارزش ها سرمایه گذار تبدیل نمایند و سرمایه فکری به عنوان ترکیبی از منابع انسانی، ارتباطی، سازمانی و ساختاری می باشد (محمدآبادی و همکاران، ۱۴۰۱). همچنین تدریس یک عامل ضروری و غیر قابل جایگزینی است که بر نتایج یادگیری دانش آموزان تاثیر می گذارد. تدریس مؤثر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را تا حد زیادی بهبود می بخشد

1- Baker-Doyle & Yoon

2- Coppe

و شکاف را در بین دانش آموزان با زمینه های مختلف اجتماعی- اقتصادی، فرهنگی، دینی، مذهبی، و تقویت روحیه مهدوی آنان، کاهش می دهد. جامعه بین المللی در دهه های گذشته توجه فزاینده ای به کیفیت تدریس و اثربخشی تدریس داشته است و از جمله عواملی که بر کیفیت و اثربخشی تدریس تأثیر می گذارند، خودکارآمدی معلم است که عبارت است از اعتقاد به توانایی های آنها برای برنامه ریزی، سازماندهی و انجام فعالیت های مورد نیاز برای دستیابی به اهداف آموزشی معین. خودکارآمدی معلم نقش مهمی در تأثیرگذاری بر عملکرد کلاس درس معلمان و دستیابی به نتایج آموزشی رضایت بخش دارد. با توجه به تأثیر ارتقای خودکارآمدی معلم بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، بررسی پیش بینی کننده های خودکارآمدی معلم از اهمیت ویژه ای برخوردار است (ژی^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). خودکارآمدی، باوری درونی است که معلمان را در مواجهه با مشکلات روانی و امراض جسمانی ناشی از تنیدگی های تدریس، مصون می نماید. طراحی و اجرای برنامه های آماده سازی مبتنی بر خودکارآمدی در آموزش و پرورش می تواند تضمین کننده ی شایستگی های حرفه ای و تقویت کننده روحیات درونی معلمان باشد. تقویت فرهنگ مهدوی برای سازمان ها به ویژه سازمان های عمومی بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا به درک رفتار کارکنان، پیش بینی نتایج یک تصمیم مدیریتی و ترغیب کارکنان به منظور تحقق اهداف خودشان و سازمان کمک می کند. افزایش خودکارآمدی و ترویج اندیشه مهدویت معلمان آموزش و پرورش مناحیه چهار شیراز می تواند منجر به افزایش قابلیت تطبیق آنان با پیشرفت های جدید جامعه جهانی و در نهایت افزایش انگیزش دانش آموزان برای انجام وظایف محوله گردد و این می تواند منجر به بهبود وضعیت علمی- آموزشی کشور گردد. با توجه به مباحث مطرح شده، همچنین مهدویت یک مسئله بین رشته ای است و حوزه های متعددی را شامل می شود. از آن جا که مهدویت بحث تحقق اسلام است از این جهت، ابعاد مختلفی را در حوزه های سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و تربیتی شامل می شود. مهدویت از سه جهت دارای اهمیت زیادی است؛ از جمله مهدویت موضوعی بین ادیانی است و می تواند یکی از مباحث وحدت آفرین میان شیعه و اهل سنت باشد؛ زیرا در بسیاری از حوزه های مهدویت، میان شیعیان و اهل سنت اشتراکات عقیدتی وجود دارد (آیت اله سبحانی، ۱۳۹۵). بنابراین، هدف اصلی این تحقیق، بررسی رابطه بین نقش دینداری اسلامی و سرمایه فکری با خودکارآمدی و ترویج اندیشه مهدویت معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز می باشد و سوال اصلی تحقیق به این صورت مطرح می گردد: آیا

خودکارآمدی در ارتباط بین دینداری اسلامی و سرمایه فکری با ترویج اندیشه مهدویت معلمان زن ابتدایی ناحیه چهار شیراز نقش واسطه ای دارد؟

پیشینه پژوهشی

در پژوهشی با عنوان آزمون الگوی مفهومی ارتباط بین هویت معنوی و ترویج گفتمان مهدویت از طریق سرمایه فکری کارکنان نظامی توسط حدادنیا و ثابت اردکانی (۱۴۰۳)، نشان دادند با افزایش هویت معنوی در میان کارکنان میزان ترویج گفتمان مهدویت در آنان تقویت می شود. همچنین با افزایش میزان هویت معنوی در بین کارکنان میزان سرمایه فکری نیز در آنان ارتقا می یابد. علاوه بر این با افزایش میزان سرمایه فکری در میان کارکنان بر میزان ترویج گفتمان مهدویت نیز افزوده می شود. افلاکی فرد و محبی نیا (۱۴۰۲)، در پژوهشی با عنوان بررسی ارتباط بین سواد رسانه ای و خودکارآمدی با اخلاق مهدوی معلمان مقطع دوم متوسطه جهرم، نشان دادند، میان سواد رسانه ای و خودکارآمدی با اخلاق مهدوی معلمان رابطه معنادار، مثبت و مستقیمی وجود داشت. میان سواد رسانه ای با خودکارآمدی معلمان رابطه معنادار، مثبت و مستقیمی وجود داشت. همچنین میان درک محتوای پیام رسانه، آگاهی از اهداف با اخلاق مهدوی معلمان رابطه معنادار، مثبت وجود داشت. همچنین در پژوهشی دیگر فلاحت پور (۱۴۰۱)، به بررسی رابطه خودکارآمدی و هوش فرهنگی با انگیزش شغلی در معلمان مدارس ابتدایی دخترانه شهرستان ساوجبلاغ پرداختند. نتایج نشان داد که خودکارآمدی و هوش فرهنگی توان پیش بینی انگیزش شغلی را دارند. بین خودکارآمدی و انگیزش شغلی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد و همه مولفه های خودکارآمدی شامل میل به آغازگری رفتار، تفاوت در رویارویی با موانع و گسترش تلاش برای کامل کردن توان پیش بینی انگیزش شغلی را دارند. مرادی دهنوی و همکاران (۱۴۰۱)، در مطالعه ای به مدل یابی رابطه دین داری و آسایش روان شناختی با میانجیگری خودکارآمدی، حمایت اجتماعی ادراک شده و معنای زندگی پرداختند. یافته ها نشان دادند که الف): مسیر تأثیر دینداری بر خودکارآمدی و معنای زندگی، مثبت و معنادار ولی مسیر دین داری و حمایت اجتماعی ادراک شده، معنادار نمی باشد و همچنین مسیرهای بین خودکارآمدی و آسایش روان شناختی، معنای زندگی و آسایش روان شناختی، حمایت اجتماعی ادراک شده و آسایش روان شناختی نیز مثبت و معنادار می باشند. ب): حمایت اجتماعی ادراک شده به صورت مستقیم بر آسایش روان شناختی تأثیر معناداری می گذارد ولی دین داری به صورت غیرمستقیم و از طریق متغیرهای میانجی خودکارآمدی و معنای زندگی، بر آسایش روان شناختی تأثیر می گذارد، ازاین رو می توان خودکارآمدی و معنای زندگی را به عنوان متغیرهای میانجی مناسب در رابطه بین دین داری و آسایش روان شناختی در نظر گرفت. همچنین در این پژوهش، ۵۱ درصد از تغییرات آسایش روان شناختی،

توسط دین‌داری، حمایت اجتماعی ادراک‌شده، معنای زندگی و خودکارآمدی تبیین می‌شود. شفيعی و همکاران (۱۴۰۰)، در مطالعه‌ای به بررسی تاثیر اخلاق حرفه‌ای بر عملکرد و انگیزش شغلی معلمان با نقش میانجی دینداری در کار پرداختند. یافته‌های پژوهش تاثیر اخلاق حرفه‌ای و ابعادش بر عملکرد و انگیزش شغلی معلمان با نقش میانجی دینداری در کار را در جامعه مورد مطالعه مورد تأیید قرار داد. اعزازی و ابراهیم پور (۱۳۹۶)، در مطالعه‌ای به بررسی نقش دینداری در توسعه کارآمدی معلمان دبیرستان‌های اردبیل پرداختند. نتایج بدست آمده از تحقیق حاکی از این است که دینداری در توسعه کارآمدی معلمان تأثیر مثبت معنی‌داری دارد. همچنین ضریب بتا نشان می‌دهد که دینداری ۴۰ درصد تغییرات توسعه کارآمدی معلمان را پیش‌بینی می‌کند. ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶)، در مطالعه‌ای به بررسی رابطه خودکارآمدی و سرمایه فکری با اعتماد سازمانی معلمان مدارس متوسطه دوم دخترانه شهر ساری پرداختند. یافته‌ها نشان داد که بین خودکارآمدی، سرمایه فکری و اعتماد سازمانی معلمان مدارس متوسطه دوم دخترانه شهر ساری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. سرمایه فکری، خودکارآمدی قادر به پیش‌بینی متغیر اعتماد سازمانی می‌باشد. اقبال^۱ و همکاران (۲۰۲۳)، در پژوهشی اقدام به بررسی رابطه سرمایه فکری و رفاه اجتماعی: آیا خودکارآمدی رابطه را تعدیل می‌کند؟، نمودند. یافته‌ها حاکی از آن است که انواع پیوند، پل زدن و پیوند دهنده سرمایه فکری و خودکارآمدی رابطه مستقیم معناداری با بهزیستی اجتماعی دارد. خودکارآمدی رابطه بین سرمایه اجتماعی پیوندی و بهزیستی اجتماعی را تعدیل می‌کند. به طور مشابه، خودکارآمدی رابطه بین سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی را تعدیل می‌کند. همچنین، خودکارآمدی رابطه بین سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی را خنثی می‌کند. سولستیانی^۲ و همکاران (۲۰۲۲)، در مطالعه‌ای به بررسی خودکارآمدی به عنوان میانجی تأثیر سرمایه اجتماعی بر جهت‌گیری کارآفرینی پرداختند. نتایج نشان داد که سرمایه اجتماعی به طور مثبت با جهت‌گیری کارآفرینی مرتبط است و خودکارآمدی به عنوان واسطه این رابطه یافت شد. لی^۳ و همکاران (۲۰۲۱)، پژوهشی با هدف بررسی تأثیر سرمایه روان‌شناختی، سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی بر فرهنگ ارزشی کارکنان انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان داد که سرمایه روان‌شناختی، سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی بر فرهنگ ارزشی کارکنان تاثیر معناداری دارند. حسین و عبدالله^۴ (۲۰۱۹)، در مطالعه‌ای به پیش‌بینی انگیزش شغلی بر اساس

1- Iqbal

2- Sulistyani

3- Li

4- Hussain and Abdullah

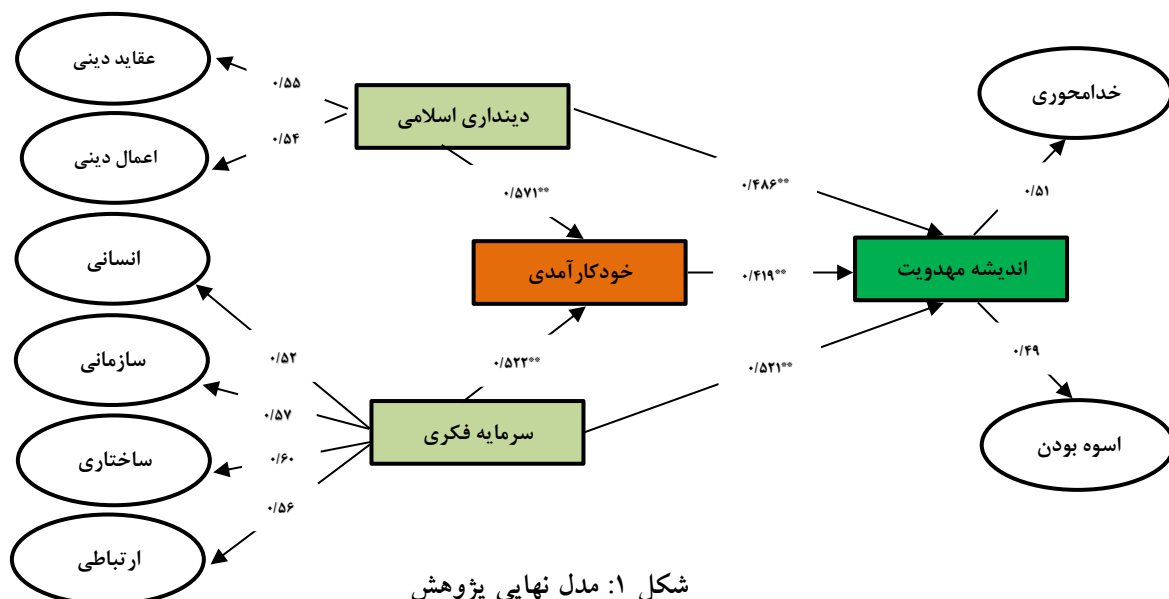
دینداری و جو اخلاقی سازمانی در ادارات بیروت پرداخته اند. نتایج نشان داد که اساس دینداری و جو اخلاقی سازمانی بر انگیزش شغلی تاثیر معناداری داشتند. پارک و شارما^۱ (۲۰۱۶)، در مطالعه ای به بررسی رابطه دینداری و سرمایه فکری با بررسی نقش خودکارآمدی پرداختند. نتایج نشان می دهد که دینداری و خودکارآمدی با سرمایه فکری رابطه معناداری داشتند. خودکارآمدی بر رابطه بین دینداری و سرمایه فکری نقش میانجی داشته است.

روش شناسی پژوهش

با توجه به موضوع تحقیق، این مطالعه از نظر هدف، یک تحقیق کاربردی است و تحقیق حاضر از نظر شیوه انجام کار از نوع تحقیقات توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری در مطالعه حاضر، کلیه معلمان زن ابتدایی ناحیه چهار شیراز می باشد. بنابر اطلاعات موجود تعداد کل جامعه آماری در این پژوهش ۸۵۰ نفر می باشند. با توجه به جدول مورگان، ۲۵۶ نفر به عنوان نمونه در نظر گرفته شد. روش نمونه گیری در این مطالعه، تصادفی طبقه ای بود. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، کتابخانه ای- میدانی است. کتابخانه ای به این علت که در کلیه بخش های نوشتاری در این پژوهش، از کتب، مجلات و منابع مختلف ادواری در کنار مجلات الکترونیک، اسناد مختلف، نشریه ها، پایگاه های اینترنتی و... بهره گرفته شده است. روش میدانی به جهت جمع آوری داده ها از طریق پرسشنامه می باشد. پرسشنامه استاندارد خودکارآمدی معلمان شوارتز^۲ (۲۰۰۸)، پرسشنامه استاندارد دینداری اسلامی صافدل (۱۳۹۳) و پرسشنامه سرمایه فکری توسط بونتیس و هولند (۲۰۰۲)، پرسشنامه مهدویت حسین زاده و همکاران (۱۳۸۸)، استفاده شد. روایی صوری پرسشنامه ها با توجه به نظرات متخصصین و صاحب نظران و تایید استاد راهنما مورد تایید قرار گرفت. در این پژوهش با استفاده از نرم افزار Spss و از طرق ضریب آلفای کرونباخ به بررسی پایایی ابزار پژوهش پرداخته شده است. مقدار آلفای محاسبه شده مربوط به هر متغیر به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۹۳، ۰/۹۳ و ۰/۹۱ بدست آمد. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات آماری گردآوری شده از نرم افزارهای SPSS و Amos استفاده شد. دو دسته آزمون توصیفی (شامل فراوانی، درصد و انحراف معیار داده ها) و در بخش تحلیل داده های پژوهش به منظور تعیین نرمال و یا غیر نرمال بودن داده ها از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شده و به تناسب نتیجه این آزمون، از آزمون های استنباطی مانند تی گروه های مستقل و تحلیل مسیر (معادلات ساختاری) برای بررسی فرضیات استفاده شد.

1- Park & Sharma

2- Shouartz



یافته ها

فرضیه اصلی پژوهش: خودکارآمدی بر رابطه بین دینداری اسلامی و سرمایه فکری با ترویج اندیشه مهدویت معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز، نقش واسطه ای دارد.

برای بررسی نقش میانجی خودکارآمدی در رابطه بین دینداری و سرمایه فکری با ترویج اندیشه مهدویت معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز از تحلیل مسیر از طریق AMOS استفاده شد. نتایج مربوط به این تحلیل در زیر ارائه شده است. نتیجه مربوط به تحلیل مسیر به صورت شکل ۱، می باشد.

شکل شماره ۱، مدل نهایی نقش میانجی خودکارآمدی در رابطه بین دینداری، سرمایه فکری و ترویج اندیشه مهدویت معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز را نشان می دهد. در مدل سازی معادلات ساختاری قبل از اینکه مدل پذیرفته شود باید مشخص شود که آیا مدل مفهومی با داده های پژوهش برازش دارد یا خیر. متخصصان شاخص های را به منظور بررسی برازش مدل ارائه داده اند. چنانچه شاخص های مدل با آنچه متخصصان ارائه داده اند همسو باشد می توان گفت که مدل با داده ها برازش دارد. در جدول زیر شاخص های برازش داده ها با مدل مفهومی ارائه شده است.

جدول ۱: شاخص‌های برازش مدل

شاخص	علامت اختصاری	معادل فارسی	دامنه‌ی قابل قبول	مدل تدوین شده
تطبیقی	CFI	شاخص برازش تطبیقی	۰/۹۰-۱	۰/۹۶
	TLI	شاخص توکر- لویس	۰/۹۰-۱	۰/۹۸
مقتصد	PNFI	شاخص برازش هنجار شده‌ی مقتصد	۰/۵۰-۱	۰/۶۶۲
	PCFI	شاخص برازش تطبیقی مقتصد	۰/۵۰-۱	۰/۷۸۱
	RMSEA	ریشه‌ی میانگین مربعات خطای برآورد	۰-۰/۰۸	۰/۰۷۱
	GFI	شاخص نیکویی برازش	۰/۹۰-۱	۰/۹۸۷
مطلق	AGFI	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	۰/۹۰-۱	۰/۹۴۴
	CMIN/df	مقدار کای اسکور	وابسته به نمونه	۲/۵۸
	P	سطح معناداری	وابسته به نمونه	۰/۰۷۱

جدول شماره ۱، شاخص‌های برازش مدل مدل نقش میانجی خودکارآمدی در رابطه بین دینداری، سرمایه فکری و ترویج اندیشه مهدویت معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز را نشان می‌دهد. بر این اساس اگر شاخص‌های تطبیقی CFI و TLI بزرگ‌تر از ۰/۹۰ و شاخص‌های مقتصد PNFI و PCFI بزرگ‌تر از ۰/۵۰ و RMSEA کوچک‌تر از ۰/۰۸ و همچنین شاخص‌های مطلق GFI و AGFI بزرگ‌تر از ۰/۹۰ باشند و CMIN/df کوچک‌تر از ۳ باشد، نشان‌دهنده برازش مناسب و مطلوب مدل است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، شاخص‌های به‌دست‌آمده برای مدل این پژوهش در دامنه قابل قبول می‌باشند و با توجه به این نتایج می‌توان گفت داده‌ها با مدل برازش دارند. در جدول ۴-۱۱، ضرایب بتای استاندارد مربوط به هر یک از مسیرها نشان داده شده است.

جدول ۲: ضرایب بتای مستقیم و غیرمستقیم

مسیرها	ضرایب استاندارد	خطای معیار	مقدار بحرانی	معناداری	اثر غیر مستقیم
دینداری به خودکارآمدی	۰/۵۷۱	۰/۱۰۷	۵/۲۹۱	۰/۰۰۱	-
سرمایه فکری به خودکارآمدی	۰/۵۲۲	۰/۰۹۵	۶/۳۸۱	۰/۰۰۱	-
دینداری به ترویج اندیشه مهدویت	۰/۴۸۶	۰/۱۰۱	۴/۸۲۵	۰/۰۰۲	۰/۲۳۹
سرمایه فکری به ترویج اندیشه مهدویت	۰/۵۲۱	۰/۱۱۲	۴/۴۶۷	۰/۰۰۱	۰/۲۵۶
خودکارآمدی به ترویج اندیشه مهدویت	۰/۴۱۹	۰/۰۷۵	۵/۵۲۳	۰/۰۰۱	-

جدول شماره ۲، ضرایب بتای استاندارد مدل نقش میانجی خودکارآمدی در رابطه بین دینداری، سرمایه فکری و ترویج اندیشه مهدویت معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مقدار ضریب بتای مسیر دینداری به خودکارآمدی ($\beta=0/571$)، مسیر سرمایه فکری به خودکارآمدی ($\beta=0/522$)، مسیر دینداری به ترویج اندیشه مهدویت ($\beta=0/486$)، مسیر سرمایه فکری به ترویج اندیشه مهدویت ($\beta=0/521$) و مسیر خودکارآمدی به ترویج اندیشه مهدویت ($\beta=0/419$) به دست آمده است که همه مسیرها از لحاظ آماری معنادار می‌باشند ($P<0/05$). هم‌چنین اثر غیرمستقیم دینداری با میانجی‌گری خودکارآمدی بر ترویج اندیشه مهدویت ($\beta=0/239$) و اثر غیرمستقیم سرمایه فکری با میانجی‌گری خودکارآمدی بر ترویج اندیشه مهدویت ($\beta=0/256$) به دست آمد.

فرضیه فرعی اول: دینداری اسلامی با خودکارآمدی معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز رابطه معناداری دارد.

به منظور بررسی رابطه بین دینداری و خودکارآمدی معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج مربوط به این تحلیل در جدول ۴-۱۲ ارائه شده است.

جدول ۳: ماتریس همبستگی بین دینداری و خودکارآمدی معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز

متغیرها	دینداری	عقاید دینی	اعمال دینی	خودکارآمدی
دینداری	۱			
عقاید دینی	۰/۵۵۶**	۱		
اعمال دینی	۰/۴۷۰**	۰/۳۳۱**	۱	
خودکارآمدی	۰/۵۹۷**	۰/۴۶۴**	۰/۵۷۳**	۱
p<۰/۰۱ ** P<۰/۰۵ *				

جدول شماره ۳، ماتریس همبستگی متغیرهای دینداری و خودکارآمدی معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بین متغیر دینداری و خودکارآمدی رابطه مثبت وجود دارد که این رابطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون ۰/۵۹۷ بوده و از لحاظ آماری معنادار می‌باشد ($P<۰/۰۱$). همچنین بین عقاید دینی و خودکارآمدی ($r=۰/۴۶۴$) و اعمال دینی و خودکارآمدی ($r=۰/۵۷۳$) نیز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($P<۰/۰۱$).

فرضیه فرعی دوم: دینداری اسلامی با ترویج اندیشه مهدویت معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز رابطه معناداری دارد.

به منظور بررسی رابطه بین دینداری و ترویج اندیشه مهدویت معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج مربوط به این تحلیل در جدول شماره ۴، ارائه شده است.

جدول ۴: ماتریس همبستگی بین دینداری و ترویج اندیشه مهدویت معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز.

متغیرها	دینداری	عقاید دینی	اعمال دینی	ترویج اندیشه مهدویت
دینداری	۱			
عقاید دینی	۰/۵۵۶**	۱		
اعمال دینی	۰/۴۷۰**	۰/۳۳۱**	۱	
ترویج اندیشه مهدویت	۰/۴۹۲*	۰/۳۶۶**	۰/۵۵۳*	۱
p<۰/۰۱ ** P<۰/۰۵ *				

جدول شماره ۴، ماتریس همبستگی متغیرهای دینداری و ترویج اندیشه مهدویت معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بین متغیر دینداری و ترویج اندیشه مهدویت رابطه مثبت وجود دارد که این رابطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون $0/492$ بوده و از لحاظ آماری معنادار می‌باشد ($P < 0/05$). همچنین بین عقاید دینی و ترویج اندیشه مهدویت $(I = 0/366)$ و اعمال دینی و ترویج اندیشه مهدویت $(I = 0/553)$ رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($P < 0/05$).

فرضیه فرعی سوم: خودکارآمدی با ترویج اندیشه مهدویت معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز رابطه معناداری دارد.

به منظور بررسی رابطه بین خودکارآمدی و ترویج اندیشه مهدویت معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج مربوط به این تحلیل در جدول شماره ۵، ارائه شده است.

جدول ۵: ماتریس همبستگی بین خودکارآمدی و ترویج اندیشه مهدویت معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز.

متغیرها	خودکارآمدی	ترویج اندیشه مهدویت
خودکارآمدی	۱	۱
ترویج اندیشه مهدویت	$0/448^{**}$	۱

**** $P < 0/05$ ***

$p < 0/01$

جدول شماره ۵، ماتریس همبستگی متغیرهای خودکارآمدی و ترویج اندیشه مهدویت معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بین متغیر خودکارآمدی و ترویج اندیشه مهدویت رابطه مثبت وجود دارد که این رابطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون $0/448$ بوده و از لحاظ آماری معنادار می‌باشد ($P < 0/01$).

فرضیه فرعی چهارم: سرمایه فکری با خودکارآمدی معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز رابطه معناداری دارد.

به منظور بررسی رابطه بین سرمایه فکری و خودکارآمدی معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج مربوط به این تحلیل در جدول شماره ۶، ارائه شده است.

جدول ۶: ماتریس همبستگی بین سرمایه فکری و خودکارآمدی معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز.

متغیرها	سرمایه فکری	انسانی	سازمانی	ساختاری	ارتباطی	خودکارآمدی
سرمایه فکری	۱					
انسانی	۰/۷۵۱**	۱				
سازمانی	۰/۷۵۸**	۰/۷۹۵**	۱			
ساختاری	۰/۶۰۴**	۰/۴۴۴**	۰/۵۸۷**	۱		
ارتباطی	۰/۵۲۸**	۰/۳۶۳**	۰/۴۹۴**	۰/۶۲۴**	۱	
خودکارآمدی	۰/۶۸۶*	۰/۵۲۷**	۰/۴۸۷**	۰/۶۳۷**	۰/۴۲۰**	۱

$p < 0.01$ ** $P < 0.05$ *

جدول شماره ۶، ماتریس همبستگی متغیرهای سرمایه فکری و خودکارآمدی معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بین متغیر سرمایه فکری و خودکارآمدی رابطه مثبت وجود دارد که این رابطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون 0.686 بوده و از لحاظ آماری معنادار می‌باشد ($P < 0.05$). همچنین بین منابع انسانی و خودکارآمدی ($r = 0.527$)، منابع سازمانی و خودکارآمدی ($r = 0.487$)، منابع ساختاری و خودکارآمدی ($r = 0.637$) و منابع ارتباطی و خودکارآمدی ($r = 0.420$) نیز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($P < 0.01$). فرضیه فرعی پنجم: سرمایه فکری با ترویج اندیشه مهدویت معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز رابطه معناداری دارد.

به منظور بررسی رابطه بین سرمایه فکری و ترویج اندیشه مهدویت معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول ۷: ماتریس همبستگی بین سرمایه فکری و ترویج اندیشه مهدویت معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز.

متغیرها	سرمایه فکری	انسانی	سازمانی	ساختاری	ارتباطی	ترویج اندیشه
سرمایه فکری	۱					
انسانی	**۰/۷۵۱	۱				
سازمانی	**۰/۷۵۸	**۰/۷۹۵	۱			
ساختاری	**۰/۶۰۴	**۰/۴۴۴	**۰/۵۸۷	۱		
ارتباطی	**۰/۵۲۸	**۰/۳۶۳	**۰/۴۹۴	**۰/۶۲۴	۱	
ترویج اندیشه مهدویت	**۰/۵۲۹	**۰/۵۹۵	*۰/۵۴۷	**۰/۵۶۲	*۰/۴۴۲	۱

p<۰/۰۱ ** P<۰/۰۵ *

جدول شماره ۶، ماتریس همبستگی متغیرهای سرمایه فکری و ترویج اندیشه مهدویت معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بین متغیر سرمایه فکری و ترویج اندیشه مهدویت رابطه مثبت وجود دارد که این رابطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون ۰/۵۲۹ بوده و از لحاظ آماری معنادار می‌باشد ($P<۰/۰۱$). همچنین بین منابع انسانی و ترویج اندیشه مهدویت ($r=۰/۵۹۵$)، منابع سازمانی و ترویج اندیشه مهدویت ($r=۰/۵۴۷$)، منابع ساختاری و ترویج اندیشه مهدویت ($r=۰/۵۶۲$) و منابع ارتباطی و ترویج اندیشه مهدویت ($r=۰/۴۴۲$) نیز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($P<۰/۰۵$).

نتیجه

نتایج فرضیه "دینداری اسلامی با خودکارآمدی معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز رابطه معناداری دارد." نشان می‌دهد که دینداری اسلامی عاملی است درونی که سبب اهمیت یافتن معنویات و بعد روحانی برای فرد در امور شخصی، اجتماعی و شغلی می‌شود. دینداری در کار فرد با اعتقاد به اینکه، بایستی در جهان هستی برای هدف خاصی خلق شده باشد و بایستی در برابر وظایف محوله

به وی نهایت تلاش را داشته باشد تا حق الناس را به طور کامل رعایت نموده باشد، موجب می شود که در انجام وظایفش هیچ کوتاهی ننماید، زمانی که یک معلم از اعتقاد راسخ برخوردار باشد بهترین راه برای رسیدن به پاداش آخرت را کمک به خلق و انجام صحیح وظیفه و ایفا حق الناس می داند، لذا انگیزه وی برای انجام وظایفش افزایش می یابد. عمل به باورهای دینی ارزش هایی را در فرد زنده می کند که موجب می شود، اعمال و وظایف شغلی و دنیوی برای او معنی و مفهوم دیگری پیدا کند و به غیر از پاداش های دنیوی، پاداش های اخروی نیز برای وی اهمیت می یابد و بلکه در اولویت بالاتری قرار می گیرند. نتایج نشان داد که در جوامع مذهبی سطح عملکرد و تمایل افراد به انجام وظایف ارتباط مستقیمی با دینداری آنان و سطح تعالیم دینی آنها دارد، لذا زمانی می توانیم در جامعه مذهبی ایران از معلمان مذهبی انتظار افزایش خودکارآمدی، داشته باشیم که دینداری در آنان تقویت شود. نتایج این فرضیه با نتایج مطالعات انجام شده داخلی و خارجی از جمله شفیعی و همکاران (۱۴۰۰) همخوانی و مطابقت داشته و در یکرستا بوده اند.

نتایج فرضیه "دینداری اسلامی با ترویج اندیشه مهدویت معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز رابطه معناداری دارد". نشان می دهد معلمان موثرترین رکن در فرآیند تعلیم و تربیت هستند و رفتار و شخصیت آن ها مهم ترین تاثیرات را بر دانش آموزان می گذارد. این معلم است که می تواند با آگاهی ظرفیت های دانش آموزان را شناسایی و متبلور سازد. از طرفی لازم است معلمان برای حضور مفید و موثر در کلاس درس از حد قابل قبولی از اعتقادات معنوی، خدامحوری، اسوه بودن، ارزشی و اخلاق مهدوی، برخوردار باشند به دلیل اینکه اگر معلمان فاقد این روحیه معنوی کافی باشند نمی توانند دشواری های کار را تحمل کرده و اثر بخشی لازم را نخواهند داشت. یکی از مولفه هایی که با ترویج اندیشه مهدویت رابطه مستقیم دارد دینداری اسلامی، است. پایبندی به مبانی دینی معلمان با افزایش روحیه مهدوی آن ها رابطه مستقیم دارد. نتایج این فرضیه با نتایج مطالعات انجام شده داخلی و خارجی از جمله فلاح پور (۱۴۰۳) همخوانی و مطابقت داشته و در یکرستا بوده اند.

نتایج فرضیه "سرمایه فکری با خودکارآمدی معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز رابطه معناداری دارد". نشان می دهد که با افزایش سرمایه فکری در بین افراد می توان میزان خودکارآمدی آنها را افزایش داد؛ یعنی اگر افراد به هم اعتماد کنند و مطمئن باشند که توسط دیگران لطمه ای نمی خورند، منابع خود که شامل اطلاعات و امکانات و تسهیلات هستند را با دیگران شریک می شوند و باهم استفاده می نمایند. از طرفی، اگر افراد درون سازمان از چند فرد مجزا به یک کل تبدیل شوند و خود را یکی و از یک پیکر بدانند، می توانند هم افزایی داشته باشند و می توانند به صورت گروهی و تیمی فعالیت کنند و از این رو، میزان سازگاری آنها با شغل افزایش می یابد. همین طور می توان در

این بخش به این نکته توجه نمود که هر چه افراد مشارکت مثبت تر و سازنده تری داشته باشند و رفتارهای سیاسی منفی کمتری از خود در سازمان نشان دهند، افراد بیشتر از قبل با شغل خود احساس سازگاری می کنند، و سازمان بهتر و زودتر به اهداف از پیش تعیین شده خود نائل می گردد و می تواند بهره وری خود را افزایش دهد. نتایج این فرضیه با نتایج مطالعات انجام شده داخلی و خارجی از جمله ساکی و سعیدی (۱۳۹۹) همخوانی و مطابقت داشته و در یکرستا بوده اند.

نتایج فرضیه "سرمایه فکری با ترویج اندیشه مهدویت معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز رابطه معناداری دارد". کارکنانی که از سرمایه فکری مطلوبی بهره می برند دارای ارتباطات شغلی قوی بوده و در تعامل با سایر همکاران به طور مطلوبی رفتار می نمایند و در اداره و سازمان خود نیز از این روابط اجتماعی مناسب بهره می جویند. در نتیجه این تعاملات و ارتباطات مناسب بین کارکنان با یکدیگر و همچنین با مدیران و سایر افراد که به نوعی در اداره با آنها در ارتباط می باشند باعث انتقال ارزش های معنوی و اخلاق و رفتارهای مطابق با فرهنگ بومی و اسلامی چون خدامحوری و اسوه بودن می شود. ترویج اندیشه فرهنگی موجبات همدلی و صمیمیت، تلاش مضاعف، و پایه گذاری بنیان زندگی فردی و جمعی بر اساس سبک زندگی انبیا و پیامبران الهی شده و در نتیجه می توانند شایستگی ها و صلاحیت های اخلاقی و ارزشی خود را افزایش بدهند. نتایج این فرضیه با نتایج مطالعات انجام شده داخلی و خارجی از جمله اقبال و همکاران (۲۰۲۳) همخوانی و مطابقت داشته و در یکرستا بوده اند.

نتایج فرضیه "نقش خودکارآمدی بر رابطه بین دینداری اسلامی و سرمایه فکری با ترویج اندیشه مهدویت معلمان ابتدایی ناحیه چهار شیراز، نقش واسطه ای دارد". نشان می دهد که دین به طور مدام جمع را می سازد و بازسازی می کند و زمینه را برای مشارکت های سازمانی که لازمه سرمایه فکری در مراکز تعلیم و تربیت است را فراهم می سازد. دینداری از طریق عقاید و اعمال دینی موجب می شود تا کارکنان درک بهتر و بیشتری از اهمیت کارشان، جهت گیری ارزشی و معنوی و هدفمند بودن کارشان کسب نمایند و لذا سطح معناداری شغلشان افزایش می یابد. مدیران و رهبران سازمان ها، با به وجود آوردن معنویت در محیط های کاری، این احساس را در میان کارکنان ایجاد می کنند که کارکنان خود را از سازمان و واحد کاری بدانند، در سازمان از همدیگر حمایت نموده و خود را با مأموریت ها و اهداف سازمان عجین نمایند. کارکنان در این حالت، کار خود را بامعنا، هدف دار و چالش برانگیز درمی یابند و یا به عبارتی دیگر انگیزه در آنان ایجاد می شود. دین اسلام بخش بزرگی از فرهنگ انسانی جامعه ما را تشکیل می دهد که می تواند با ایجاد باورها و ارزش های مشترک میان پیروان خود و فراخوانی آنها به انجام مناسک و اعمال مذهبی مشترک آنان را به دور یکدیگر جمع

کرده و از این طریق موجبات استحکام و دوام اجتماعی و ترویج فرهنگ مهدویت را فراهم کند. از سوی دیگر همین ویژگی بارز دین؛ یعنی متحد ساختن افراد با یکدیگر به هنگام ضرورت اجتماعی می تواند این افراد یکپارچه را به رویارویی با ظلم و استبداد فراخواند و بدین ترتیب به گلوگاه انقلابی تبدیل شود که هدفش مبارزه با ظلم و ستم بیدادگران است. از دیگر کارکردهای دین آن است که چتر حمایت معنوی خود را بر پیروانش می گستراند و موجبات آرامش روحی و امید به آینده را در آنان فراهم می آورد. دیگر آنکه از طریق دعوت به هنجارها و ارزش های مثبت تثبیت شده، اسباب شکل گیری تعاملات اجتماعی سالم مبتنی بر سجایای اخلاقی مثبت چون خدامحوری، اسوه بودن، صداقت، نوع دوستی، ایثار و اعتماد را فراهم می کند و بنابراین به مشارکت های گسترده افراد با یکدیگر دامن می زند و در نتیجه به ایجاد فضای مطلوب تر اجتماعی منجر می شود. دینداری و معنویات موجب کاهش تنش ایجاد شده و افزایش خودکنترلی و خودکارآمدی معلمان می شود. نتایج این فرضیه با نتایج مطالعات انجام شده داخلی و خارجی از جمله مرادی دهنوی و همکاران (۱۴۰۱) همخوانی و مطابقت داشته و در یکرستا بوده اند. نتایج این فرضیه نشان دهنده این موضوع می باشد که خودکارآمدی مانند پلی بین دینداری اسلامی، سرمایه فکری و ترویج اندیشه مهدویت عمل می کند و دستیابی به ترویج اندیشه مهدویت توسط معلمان را تسهیل می کنند. باور به اندیشه مهدوی، باعث می شود تا خدا محوری، اسوه بودن، آرمانگرایی، نشاط و پویایی، وظیفه شناسی و روح امید در افراد زنده شود و جامعه را در این زمینه ها به کوشش مضاعف وا دارد.

پیشنهادهای پژوهش

- با توجه به نقش خودکارآمدی در پیش بینی ترویج اندیشه مهدویت، بکارگیری مداخلات موثر به منظور بهبود ترویج اندیشه مهدویت و خودکارآمدی در معلمان بدین صورت که ضرورت دارد دوره هایی برای آنان برگزار شود که در بستر وظایف شغلی آنان باشد و همچنین به صورت دوره های منظم و در محدوده ی فعالیت آنها باشد.

- وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم با برگزاری همایش ها و سمینار های مختلف در زمینه دینداری، سرمایه فکری، خودکارآمدی و ترویج اندیشه مهدویت، معلمان و دانش آموزان و دانشجویان را با این متغیرها به خوبی آشنا و با فلسفه این متغیرها و روابط و تاثیر آنها بر هم آشنایی بیشتری پیدا کنند.

- برگزاری و انجام مراسم مذهبی و اعیاد با مشارکت معلمان در سازمان برای بهبود سرمایه فکری هر چه بیشتر کارکنان برای آماده شدن برای پذیرش مسؤولیت های آتی از جمله مشارکت در گروه های داوطلبانه مورد نیاز در مواقع ضروری می تواند نقش سازنده ای ایفا نماید.

- حمایت از تشکیل تشکلهای مذهبی در سازمان و ترغیب معلمان برای عضویت، موجب بهبود اعتماد و انسجام کارکنان برای مشارکتهای آتی در گروههای اجتماعی خواهد شد.
- به مدیران و کارکنان نیز پیشنهاد داده می شود که آموزش های اجتماعی بودن را در سازمان خود به کارمندان و سایر مدیران آموزش دهند و کلاس هایی برای این امر برگزار نمایند و کتاب ها و بروشورهایی را مورد استفاده قرار دهند تا در ارتباط با اجتماعی بودن، آموزش و یادآوری صورت پذیرد.

منابع

۱. ابراهیمی، فاطمه؛ رسولی، سیده عصمت؛ سلیمی، لادن (۱۳۹۶)، *بررسی رابطه خودکارآمدی و سرمایه فکری با اعتماد سازمانی معلمان مدارس متوسطه دوم دخترانه شهر ساری*، سومین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران.
۲. احمدی. غ؛ عنایتی. ت و تقوایی. م. (۱۳۹۹)، «تاثیر سرمایه های اجتماعی و فکری بر عملکرد آموزشی مربیان و آموزشگران مرکز تحقیقات و آموزشی کشاورزی مازندانی»، *فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت آموزش کشاورزی*، شماره ۵۳.
۳. اعزازی، سید مسعود؛ ابراهیم پور، حبیب (۱۳۹۶)، «بررسی نقش دینداری در توسعه کارآمدی معلمان دبیرستان های اردبیل»، *روانشناسی مدرسه و آموزشگاه*، دوره ۶، شماره ۴ - شماره پیاپی ۲۴.
۴. افلاکی فرد، حسین؛ محبی نیا، مهدی (۱۴۰۲)، *بررسی ارتباط بین سواد رسانه ای و خودکارآمدی با انگیزش شغلی معلمان مقطع دوم متوسطه جهرم*، هفتمین کنفرانس بین المللی مطالعات جهانی در علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره.
۵. بیدختی، محمدرضا؛ ویس کرمی، حسن علی؛ دلدار، علی اکبر (۱۳۹۷)، «خودکارآمدی: چیستی و کاربرد در آماده سازی و توسعه ای حرفه ای معلم»، *نظریه و عمل در تربیت بدنی*، دوره ۴، شماره ۵ - شماره پیاپی ۵.
۶. حدادنیا، سیروس، ثابت اردکانی، عباس. (۱۴۰۳). «آزمون الگوی مفهومی ارتباط بین هویت معنوی و ترویج گفتمان مهدویت از طریق سرمایه فکری کارکنان نظامی»، *مدیریت سرمایه انسانی دفاعی*. ۴(۲)، ۱-۲۰.

۷. حسین زاده، اکرم؛ رضا همایی، محمداحسان تقی زاده، (۱۳۸۸)، «بررسی باور به مهدویت در میان جوانان تهرانی»، *فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود*، ش ۱۲، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۸ش.
۸. راد.ع و عزیزی. س. (۱۳۹۹)، «تحلیل گفتمان مهدویت در احادیث حسن بن محبوب»، *فصلنامه علمی پژوهشی انتظار موعود*، سال بیستم، شماره.
۹. سبحانی، ج. (۱۳۹۵)، *همایش گفتمان مهدویت*، تبریز ۱۳
- <http://www.azaruniv.ac.ir/News/1438>
۱۰. شجایی، عادل؛ (۱۳۹۳)، «آینده پژوهی انگیزه شغلی معلمان با استفاده از روش تحلیل لایه ای علی»، *راهبردهای نوین تربیت معلمان*، سال پنجم، شماره ۱۰.
۱۱. شفیقی، فاطمه؛ کلانتری، مهدی؛ ذوالفقاری زعفرانی، رشید (۱۴۰۰)، «تاثیر اخلاق حرفه ای بر عملکرد و انگیزش شغلی معلمان با نقش میانجی دینداری در کار»، *تحقیقات مدیریت آموزشی*، دوره ۱۳، شماره ۴۹ - شماره پیاپی ۴۹.
۱۲. صافدل، علی؛ (۱۳۹۳)، *بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و انگیزش شغلی در دبیران تربیت بدنی شهر کرج*، اولین همایش ملی دستاوردهای علوم ورزشی و سلامت دانشگاه علوم پزشکی آبادان.
۱۳. عظیمی، کاظم. (۱۳۸۹)، *درآمدی بر فرهنگ و عناصر آنف مجله دین و ارتباطات*، شماره ۳۷.
۱۴. فلاحت پور، زهرا (۱۴۰۱)، *بررسی رابطه خودکارآمدی و هوش فرهنگی با انگیزش شغلی در معلمان مدارس ابتدایی دخترانه شهرستان ساوجبلاغ*، پنجمین همایش بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی.
۱۵. قدیمی یردوقدی، رضا؛ حافظیان، مریم (۱۳۹۹)، «روابط ساختاری هوش اجتماعی و خودمتمایزسازی با واسطه گری دین داری معلمان»، *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، دوره ۵، شماره ۲.
۱۶. محمدآبادی. م؛ ممدآبادی. ا و کرد فیروجائی. ف. (۱۴۰۱). «شناسایی مولفه های سرمایه فکری مدرسان دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی: یک پژوهش کیفی»، *فصلنامه مدیریت دانشگاهی*، سال اول، شماره دوم، ۱۳۷-۱۶۶.

۱۷. مرادی دهنوی، جواد؛ رفیعی هنر، حمید؛ خوش گفتار مقدم، علی اکبر (۱۴۰۱)، «مدل یابی رابطه دینداری و آسایش روان‌شناختی با میانجیگری خودکارآمدی، حمایت اجتماعی ادراک شده و معنای زندگی»، *روان‌شناسی فرهنگی*، دوره ۶، شماره ۲.

۱۸. نظری حسین آباد، مریم و شاکری، زهرا، (۱۴۰۲)، *بررسی رابطه بین هویت سازمانی و انگیزش شغلی با نقش واسطه‌ای سرمایه اجتماعی و فرهنگ سازمانی کارکنان آموزش و پرورش شهر یاسوج*، پنجمین همایش ملی پژوهش‌های حرفه‌ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد ازنگاه معلم.

19. Beyker, A & Doilvion, V. (2020). ***Can Intellectual Capital Promote the Competitive Advantage?*** Service Innovation and Big Data Analytics Capabilities in a Moderated Mediation Model, International Journal of Innovation Management.
20. Chen, C. J., Liu, T. C., Chu, M. A., & Hsiao, Y. C. (2014). ***Intellectual capital and new product development***. Journal of Engineering and Technology Management”, 33, 154-173.
21. Coppe T, Thomas L, Pantić N, Froehlich DE, Sarazin M, Raemdonck I. ***The Use of Social Capital in Teacher Research: A Necessary Clarification***. Front Psychol. 2022 Jun 10;13:866571.
22. Eghbal, C. J., Liu, T. C., Chu, M. A., & Hsiao, Y. C. (2023). ***Intellectual capital and new product development***. *Journal of Engineering and Technology Management*, 33, 154-173.
23. Hasani Moghadam S, Yousefi Abdolmaleki E, Alijani F, Bagherian Afrakoti N, Ganji J. ***The Relationship between Social Capital and Self-Efficacy in Women with Gestational Diabetes Mellitus: A Cross Sectional Study***. Ethiop J Health Sci. 2020 Jul 1;30(4):541-548.
24. Hoseyn, R., & Abdoola, D. (2019). ***Intellectual capital within the project management***. Procedia Engineering, 153, 384-391.
- Łataś, R., & Walasek, D. (2016). Intellectual capital within the project management. Procedia Engineering, 153, 384-391.
25. Li, M. Flache, A., & Hofman, A., (2023). ***Social capital and social well-being among youth: Does self-efficacy moderate the relationship?***, Journal of Human Behavior in the Social Environment, DOI: [10.1080/10911359.2023.2199041](https://doi.org/10.1080/10911359.2023.2199041)
26. Park , J., Shouma, E., (2016). ***The impact of social capital on self-efficacy and study success among first-year university students***. *Learning and Individual Differences*, 52, 109–118. <https://doi.org/10.1016/j.lindif.2016.09.016>

27. Patthirasinsiri, N., & Wiboonrat, M. (2019), ***Measuring intellectual capital of science park performance for newly established science parks in Thailand. Kasetsart Journal of Social Sciences***, 40(1), 82-90.
28. Shouartz, N.; (2008), ***Employees' Perceptions on the Relationship of Intellectual Capital and Business Performance of ICT Companies***. Sustainability , 14, 275.
29. Sulistyani NW, Suhariadi F, Fajrianthi. ***Self-Efficacy as a Mediator of the Impact of Social Capital on Entrepreneurial Orientation: A Case of Dayak Ethnic Entrepreneurship***. Sustainability. 2022; 14(9):5620. <https://doi.org/10.3390/su14095620>
30. Xie Z, Wu R, Liu H, Liu J. ***How does teacher-perceived principal leadership affect teacher self-efficacy between different teaching experiences through collaboration in China? A multilevel structural equation model analysis based on threshold***. Front Psychol. 2022 Aug 25;13:933838.

عوامل و پیامدهای افراط‌گرایی دینی در آموزه‌های اهل بیت (ع)

علی نقوی^۱

مجید معارف^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵، صفحه ۶۸ تا ۹۱ (مقاله پژوهشی)

چکیده

اسلام دینی واقع‌گرا و حقیقت‌محور است. برای جلوگیری از هرگونه انحراف از مسیر واقعی، پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (علیه‌السلام) تلاش‌های فراوانی کرده‌اند تا این دین از انحطاط احتمالی، محفوظ و مصون بماند و این مسئله مهم، فقط با بهره‌مندی و تبعیت از قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم (ص) و اهل‌بیت (علیه‌السلام) تحقق می‌یابد. لذا روشنگری افراد جامعه نسبت به مبانی، عوامل و خاستگاه افراط‌گرایی و جلوگیری از آن ضروری بوده و به‌کارگیری مؤلفه‌هایی نظیر عقلانیت، اعتدال، احترام متقابل انسان‌ها و گفتگوی دوستانه، به‌عنوان رمز تأمین و حفظ امنیت پایدار تلقی می‌گردد تا با جلوگیری از راه‌های چالش‌برانگیز، افراط‌گرایی و رفتارهای خشونت‌آمیز آنان مهار گردد. در نتیجه با طی مسیر اعتدال و عقلانیت وحدت بین مسلمانان فراهم می‌شود. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و شیوه کتابخانه‌ای و بهره‌مندی از اسناد، ابزارها و مدارک لازم در رابطه با افراط‌گرایی دینی، شیوه استفاده صحیح از آموزه‌های دینی در جهت پیشگیری از افراط‌گرایی دینی را با واکاوی افراط‌گرایی دینی و نقد آن و تبیین دیدگاه اهل بیت (ع) درخصوص افراط - گرایی دینی انجام خواهد داد. اگرچه فعالیت اصلی افراط‌گرایان، بیشتر در خاورمیانه است. ولی خاستگاه آن‌ها از عوامل آمریکا، غرب و صهیونیسم بین‌المللی است، پیامدهای آن، تخریب اماکن متبرکه، مانند مسجد و آثار باستانی مسلمانان است که باعث نشان دادن چهره نامعقول و غیرمنطقی از اسلام به جامعه جهانی می‌گردد و در نتیجه دین‌گریزی و نفرت دیگر ملل نسبت به مسلمانان و اسلام هراسی را به ارمغان خواهد آورد.

کلیدواژه‌ها: افراط‌گرایی دینی، تعلیم و تربیت اسلامی، غلو، سلفی، پیامدها.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه

آزاد اسلامی، تهران، ایران: alinaghaviiazari2018@gmail.com

۲. استاد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول): maaref@ut.ac.ir

درآمد

در طول تاریخ، افراطی‌گرایی و غلو جزو مسائل همیشگی بشر بوده است و انسان‌ها با اسطوره‌سازی و قهرمان‌پردازی، جریان‌ات فکری و اعتقادی مختلفی را پدیده آورده‌اند. همچنین این مسئله را نمی‌توان صرفاً مربوط به گذشته دانست و در عصر حاضر نیز علی‌رغم پیشرفت‌های چشمگیری که در عرصه‌های مختلف به‌دست آمده است، به‌خوبی قابل مشاهده است. تمایل به غلو و افراط در فرهنگ دینی و مذهبی بیشتر است و ظرفیت بالایی برای این‌گونه اعتقادات در بستر دینی فراهم گردیده است. خداوند در قرآن کریم به اهل کتاب در مورد غلو و افراطی‌گری هشدار داد: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ» (سوره مائده، آیه ۷۷). در این آیه خداوند آشکارا اهل کتاب را از افراط در دین بر حذر می‌دارد و افراط را مقدمه‌ای برای گمراه شدن و پیروی از گمراهان و منحرفان می‌داند. غلو و افراط در دین، به اشکال مختلفی ظاهر شده است ولی بدترین صورت آن، افراطی است که منجر به شرک شود مانند تثلیث در مسیحیت، نسبت ناحق داشتن فرزند به خداوند در ادیان یهودیت و مسیحیت و معبود دانستن علمای دینی در بین مسیحیان. در میان ادیان، دین اسلام دیدگاهی واقع‌گرایانه دارد. پیامبر عظیم‌الشان (ص) و رهبران دین اسلام، تمام تلاش خود را به کار گرفتند تا آنچه بر سر ادیان دیگر آمده است دین اسلام از انحراف و انحطاط محفوظ بماند. خداوند برای جلوگیری از هر نوع افراط و تفریط در دین یا غلو و تقصیر از محور توحیدی اسلام، خطاب به پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (سوره کهف، آیه ۱۱۰). این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به چند پرسشی مهم و بنیادی است.

- ۱- افراط‌گرایی که در طول تاریخ به نام اسلام، اقدام به بدعت‌گذاری و انجام بدترین جنایت‌های ضد انسانی شده‌اند. به‌راستی از قرآن چه می‌دانند؟
- ۲- آیا آن‌گونه که فضای رسانه‌ای، تبلیغاتی و فرهنگی غرب و بیانیه‌های افراط‌گرایان نشان می‌دهد، نسبتی میان قرآن و آخرین پیامبر و ظهور افراط‌گرایی وجود دارد؟
- ۳- آیا در قرآن، افراط‌گرایی در دین و تصویر افراطی از دین و آموزه‌های آن، توصیه شده است؟
- ۴- جایگاه قوانین بدعت‌گذارانه سلفی‌های افراطی در قرآن و متون دینی در کجاست

۱- تعریف مفاهیم

۱-۱ افراطی‌گری

کلمه «افراط» از ریشه «فرط» به معنای خروج از حد معین گرفته شده است و اگر در راستای کوتاهی و کاستی باشد با کلمه «تفریط» بیان می‌شود. مفهوم افراط را می‌توان با «اعتدال» در تضاد دانست. درباره افراطی‌گری به‌عنوان یک اصطلاح، تعاریف مختلفی مطرح شده است. راجر اسکروتن در فرهنگ اندیشه سیاسی، افراط‌گرایی را چنین تعریف می‌کند: «اصطلاحی مبهم که حاوی این معانی است:

۱. اندیشه‌ای را به حد افراط کشاندن، بدون توجه به عواقب ناگوار جنبه‌های غیرعملی بحث‌ها و احساسات مخالف که هدف از آن نه‌تنها مقابله، بلکه در هم شکستن هر نوع مخالف باشد.

۲. عدم تحمل نسبت به همه دیدگاه‌ها غیر از دیدگاه خود

۳. توسل به وسایلی برای کسب اهدافی که حاکی از بی‌حرمتی نسبت به زندگی، آزادی و حقوق انسانی دیگران است.» (ویلکاکی، ۱۳۸۲: ۱۶)

اگر کلمه افراط‌گرایی را در ادبیات سیاسی بررسی کنیم، متوجه قرابت آن با مفاهیمی همچون خشونت، ریشه‌گرایی (Radicalism) و بنیادگرایی (Fundamentalism) می‌شویم. البته باید دقت داشت که مفهوم افراط‌گرایی در عین نزدیک بودن به این مفاهیم، دقیقاً مترادف هیچ‌یک از آنها نیست و همین موضوع چالش‌هایی را پدید آورده است. در عصر کنونی بروز بسیاری از ناهنجاری‌ها و خشونت‌های سازمان‌یافته را با افراطی‌گری مرتبط می‌دانند و افراط‌گرایی یکی از اتهامات وارد به اشخاص، گروه‌ها، ایدئولوژی‌ها و حتی حکومت‌هاست. نبود تعریفی دقیق در این میان موجب شده است که اشخاص مختلف برای اینکه رقیب خود را تحت فشار قرار دهند، طرف مقابل خود را به افراط‌گرایی متهم کنند و درواقع اصطلاحات افراط‌گرا و افراط‌گرایی، اغلب بدون فکر به مثابه صفات و حرفهای موضع گیرانه برای محکوم کردن مخالفان به کار می‌رود. (ویلکاکی، ۱۳۸۲: ۱۰۷). این موضوع به اهمیت شناخت مفهوم افراط و بررسی رفتارهای افراطی دلالت می‌کند.

۱-۲ بدعت

بدعت از لحاظ اصطلاحی به معنی نوآوری در اعمال و اعتقادات دینی که در کتاب و سنت وجود ندارد. (فخرالدین طریحی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ۱۶۴) یکی از مصادیق مهم افراطی‌گری، مسئله بدعت و بدعت‌گذاری در عرصه‌های ایدئولوژیک می‌باشد. بدعت از نظر لغوی یعنی چیزی را بدون سابقه و الگوی قبلی ایجاد کردن، یا گفتاری را بدون پیشینه بر زبان آوردن است. (فرهنگ فارسی عمید، مدخل باء، واژه بدعت) از این رو می‌گوییم خداوند بدیع آسمان‌ها و زمین است: «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ

وَالْأَرْضِ و...» (سوره بقره، آیه ۱۱۷) یعنی خداوند آسمان‌ها و زمین را بدون الگو و مانند پیشین آفرید. این آیه نیز در همین معناست: «قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِنَ الرُّسُلِ...» (سوره احقاف، آیه ۹) یعنی بگو من از میان پیامبران نو در آمدی نبودم و پیش از من فرستادگان بسیاری آمده‌اند. (عسکری ۱۳۶۳، ج ۱، ۳۵۳ - ۳۵۴) به عبارت دیگر بدعت آن است که کسی گفتاری یا کرداری در دین وارد کند و در گفتار و کردار خویش به صاحب و شریعت و نمونه‌های متقدم اصول محکم دینی استناد نرزد. (راغب، اصفهانی بیتا، ج ۱، ۳۹) در یک کلام بدعت به معنی کم‌وزیاد کردن در دین و در عین حال این کار را به نام دین انجام دادن است. (سیدمرتضی، ۱۳۵۱ ش، ج ۲، ۱۵۴) بدعت یک نوع تصرف در توحید و در تقنین است. بدعت‌گذار می‌خواهد حریم توحید را در قلمرو تقنین و تشریع بشکند و در حقیقت، خود را جای خدا بگذارد، قانون جعل کند و در میان مردم رواج بدهد. در واقع بدعت، عبارت است از نوآوری عقیده یا عملی در حوزه دین بدون استناد به منابع پذیرفته شده در استنباط احکام، همچون قرآن و سنت معصومان (علیهم السلام) که از آن به تشریع در دین نیز تعبیر می‌شود. مقابل بدعت، «سنت» قرار دارد که عبارت است از مجموعه عقاید، اخلاقیات و احکام عملی که رسول خدا (ص) و امامان (علیهم السلام)، پایه گذاری کرده‌اند. (نراقی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ۱۱۳)

۳-۱ غلو

غلو به معنی تجاوز از حد، مبالغه، افراط، ارتفاع و زیاد شدن چیزی می‌باشد (تهانوی، ۱۹۶۷؛ ۱۰۹۹/۲). برخی معنای غلو را به صورت جزئی‌تری بیان کرده و گفته‌اند: تجاوز از حد چنانچه در مورد مقام و منزلت کسی باشد، اما اگر در زمینه نرخ و قیمت چیزی باشد مصدر آن غلاء می‌باشد. کلمه تعدی نیز به معنای تجاوز از حد است، ولی غلو درجایی به کار می‌رود که تجاوز از حد زیاد باشد (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۱۰/۱۱۳). غلو در دین نیز به معنای تجاوز نمودن از حد و افراط در دین است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۱۰/۱۱۳) غالی نیز به کسی گفته می‌شود که در دین زیاده‌روی نماید، به طوری که به خروج از دین و آنچه در دین نیست منجر شود. پس هرکس غیر پیامبری را پیامبر بخواند یا به بشر نسبت الوهیت دهد یا غیر امامی را امام بداند سزاوار نام غالی است (رازی، ۱۳۸۲: ۱۴۵) غالیان کسانی بودند که در حق پیشوایان خود غلو کردند و آنان را از حد مخلوق خارج و احکام خدایی را در مورد آن‌ها جاری ساخته‌اند. گاه پیشوایان خود را به خدا و گاه خدا را به خلق تشبیه می‌نمودند. (شهرستانی، ۱۳۹۵: ۱/۱۷۳) (اسفندیار، ۱۳۶۲: ۲/۳۶۴)

۴-۱ تکفیر

«تکفیر» از «ک - ف - ر» به معنای نهان کردن و پوشاندن است. (ابن فارس، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ۱۹۱) اطلاق کفر به فرد از این رو است که حقیقت را نهان می کند یا با کفرورزی بر دل خود پوشش می نهد. (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ۱۴۴-۱۴۶) در تحلیلی ویژه گفته اند: از آنجا که فرد حقایق و تاویل های دین خداوند را می پوشاند، به او کفر نسبت می یابد. (احمد ابن عبدالله، ۱۳۰۴ق، ج ۳، ۶۱-۶۳) کفر متضاد ایمان و در اصطلاح، انکار مطالبی است که پیامبر (ص) آورده است. (سیوری، ۱۴۰۵ق، ۴۳۷) به عبارت دیگر، انکار قطعیات و مسلمات دین، کفر است. (آمدی، ۱۴۲۳ق، ج ۵، ۲۶-۲۸)

۲- جایگاه افراطی گری در قرآن

از اولین مصادیقی که قرآن به نقد مبانی افراط یگری در آن می پردازد، این است که به تبیین خصوصیات دنیوی و بشرگونه انبیا می پردازد و هرگونه الوهیت و خواص ربوبیتی را از آنها نفی می کند. برخلاف ادیان دیگر که اکثراً دچار این اشتباهات شدند. اسلام دین تسلیم به حق و حقیقت است. تنها پیام دین اسلام، پیام تسلیم و ایمان به حقیقت است. از نظر اسلام خدا یکتاست و توحید گوهر و حقیقت دین است. اسلام که دینی واقع گرا و حقیقت محور است، نمی خواهد پیروان خود را آلوده به خرافات و شرک و شخصیت محور ببیند. این دین تمام تلاش خود را برای جلوگیری از تکرار آنچه بر سر ادیان دیگر آمده است به کار گرفت. به همین جهت تکیه قرآن کریم بر این است که پیامبر اسلام به مردم تفهیم کند که او بشر است و شخصیت الوهی ندارد تا پیروان او به سرنوشت پیروان مسیح دچار نشوند. یکی از خصلت های بشری انبیاء، فنا و مرگ است که خداوند در قرآن آن را در مورد پیامبر اسلام تبلیغ کرده است: «وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمْ الْخَالِدُونَ» (سوره انبیاء، آیه ۳۴) ای پیامبر هیچ بشری قبل از تو جاودانه نبود. آیا اگر تو بمیری مشرکین جاودان خواهند ماند؟ «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ.» (سوره زمر، آیه ۳۰) ای پیامبر تو می میری و آنان نیز خواهند مرد. از دیگر خصلت های بشری انبیاء، ضعف و جود و آن هاست و اینکه جز آنچه خدا بخواهد صاحب هیچ نفع و ضرری برای خود یا دیگران نیستند. علم آنها در حد علم ممکن برای بشر است. این ویژگی ها نیز باید توسط پیامبر اسلام به مردم تفهیم و تبلیغ می شد، تا مردم ذهنیت افراطی پیدا نکنند؛ به همین جهت خداوند خطاب به پیامبر می فرماید: «قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (سوره اعراف، آیه ۱۸۸) به مردم بگو: من جز آنچه خدا بخواهد، برای خودم اختیار سود و زیانی ندارم، و اگر غیب می دانستم قطعاً برای خود خیر بیشتری

می‌اندوختم و هرگز به من از جانب دشمن یا غیر دشمن آسیبی نمی‌رسید. من جز بیم دهنده و بشارتگر برای گروهی که ایمان آورده‌اند، نیستم. بعضی از انواع افراطی‌گری‌ها در دین تفاوت زیادی با شرک ندارد. برخلاف عقیده برخی افراد، این‌گونه نبوده است که مشرکین به خدای عالم باور نداشته باشند، بلکه آنان تنها تصور می‌کردند که تدبیر امور، هم در دست خدا و هم غیر خداست. افراطیون و مشرکین خدا را به‌عنوان خالق عالم قبول داشتند. به بیان قرآن: «وَكُنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ» (سوره زحرف، آیه ۸۷) اگر از مشرکین بپرسی چه کسی آنان را آفریده است می‌گویند: الله. تفاوت بین مشرکین و افراطیون تنها در این بود که نوع موجودی که شریک خدا قرار می‌دادند تفاوت داشت. مشرکین موجوداتی مثل خورشید، ماه، سنگ، چوب، تمثال انسان، یا خود انسانی چون فرعون را که نفع و ضرری از جانب آنان متوجه بشر نیست، توانمند، شفیع و وسیله تقرب به خدا قرار می‌دادند. به بیان قرآن کریم: «وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ» (سوره یونس، آیه ۱۸) مشرکین چیزهایی را غیر از خدا می‌پرستند که نفع و ضرری به آنان نمی‌رساند و می‌گویند این‌ها نزد خداوند شفیع ما هستند. مشرکین الهه‌های خود را وسیله تقرب به خدا می‌دانند، چنانچه خداوند فرموده است: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى» (سوره زمر، آیه ۳) آنان که غیر خدا را اولیاء خود قرار می‌دهند، می‌گویند آنان را نمی‌پرستند مگر به خاطر اینکه آنان ما را به خدا نزدیک کنند. چنانچه ملاحظه شد شبیه همین تفکر را خداوند به افراطیون ادیان نسبت می‌دهد که آنان نیز موجوداتی را شفیع و وسیله تقرب خود به خدا می‌دانند درحالی‌که آنان چنین اجازه‌ای نداشتند و یا خود به دنبال وسیله‌ای برای تقرب هستند. به تعبیر قرآن کریم افراطیون بندگان مقرب خدا مثل عیسی و مادر او مریم یا علمای دینی را الهه خود می‌دانند و برای آنان این قدرت را قائل هستند مستقل در تأثیر و شفیع و یا وسیله تقرب به خدا هستند. بنابراین در اندیشه قرآنی، همه توجه‌ها باید تنها به سمت خدا باشد و غیر خدا نباید طرف توجه و درخواست قرار گیرد و وسیله تقرب قرار گیرد. چون موجودات طبیعی و انسان‌های عادی و حتی اولیای الهی در این ویژگی مشترک هستند که خود قادر به انجام کاری نیستند. چون همان‌طور که ملاحظه شد قرآن کریم اولیای الهی را نیز قادر به برطرف کردن مشکل و تغییر در امور نمی‌داند. اولیای الهی خود به دنبال وسیله تقرب هستند و از عذاب خدا در هراسند و به رحمت خداوند امیدوارند. رسول خدا خود از مردم درخواست می‌کند که برای او دعا کنند تا او به مقام قرب الهی برسد و به وسیله دست یابد: «سلوا الله لی الوسیله، فانها درجه فی الجنة لا ینالها الا عبد واحد و ارجو ان اکون انا هو.» (المیزان، ۱۴۱۷ق، ۵ج، ۳۳۳-۳۳۴) از خداوند برای من درخواست وسیله کنید.

وسیله درجه‌ای در بهشت است که تنها یک نفر به آن درجه خواهد رسید. امیدوارم آن یک نفر من باشم.

۳- بررسی افراطی‌گرایی در مذاهب اسلامی

۳-۱ سلفی‌گری (اهل تسنن)

«سلف» در لغت به معنی «پیشین» است. معنی اصطلاحی و مفهوم سلف در اصطلاح اهل سنت و شیعه متفاوت است. اهل سنت سلف را گروهی از مسلمانان، شامل صحابه، تابعین و تابعین تابعین می‌دانند. آن‌ها این سه نسل را به دلیل نزدیکی زمانی و مکانی و در نتیجه تلقی بهتر وحی، بهترین مردم می‌دانند. چشم‌انداز سلفیان نسبت به سلف، باعث شده که مذهب تازه‌ای با عنوان سلفی‌گری در عصر حاضر شکل بگیرد. ابن تیمیه فرقه سلفی‌گری را در قرن هفتم احیاء نمود و آتش تفرقه را در بین جهان اسلام مشتعل کرد. بعد از او شاگردش ابن قیم الجوزیه (۷۵۱ هجری قمری) برای زنده نگاه‌داشتن این تفکر، بسیار تلاش کرد؛ اما کوشش او به‌جایی نرسید. قضیه سلفی‌گری در نجد و حجاز و شبه‌قاره، با اختلافاتی شروع به فعالیت نمود و به خاطر حمایت و پشتیبانی انگلیس، بخصوص در نجد و حجاز، زمینه رشد آن‌ها فراهم شد. در عصر حاضر قضیه سلفی‌گری به اهرمی در دست آمریکا و صهیونیسم برای پیشرفت اهداف پلید آن‌ها در بلاد اسلامی تبدیل گردیده است. اصطلاح «سلفیه» به‌عنوان مذهب سلف در تقابل با مذاهب شناخته شده در جهان اسلام اعم از مذاهب کلامی و مذاهب فقهی شکل گرفت. از بارزترین نشانه‌های این فرقه انکار مذاهب اسلامی و اخوان المسلمین در جهت پیروی بی‌چون‌وچرا و بدون تفکر از گذشتگان است. سلفی‌گری ریشه و شاخه‌های گوناگون دارد که تفکر، اندیشه‌ها و باورهای مختلفی از جمله سلفی‌گری تکفیری، سلفی‌گری جهادی و سلفی‌گری تبلیغی را تشکیل می‌دهند.

۳-۱-۱ سلفی‌گری تکفیری

به رویکرد گروهی از سلفیون گفته می‌شود که مخالفان خود را کافر می‌شمارند. بر اساس مبنای فکری آنان، میان ایمان و عمل تلازم وجود دارد. به این معنی که اگر کسی ایمان به خدا داشته باشد و مرتکب کبائر شود، از دین خارج و کافر شناخته می‌شود. از منظر تاریخی، در جهان اسلام، تنها گروه خوارج بودند که چنین عقیده‌ای داشتند. خوارج ایمان را بسته به عمل می‌دانستند و فرد مرتکب کبیره را از دین خارج و واجب القتل تلقی می‌کردند. به همین علت، در برابر مسلمانان قد برافراشتند و آنان را به بهانه‌های واهی کشتند. حتی حضرت علی (ع) را به این بهانه شهید کردند؛ چون با پذیرش حکمیت، که خود آن‌ها به او تحمیل کرده بودند، مرتکب کبیره شده بود. سلفی‌های تکفیری هم، چنین دیدگاهی دارند. این نوع نگرش موجب می‌شود که مسلمانان را

به علت انجام امور مذهبی در ردیف مشرکان قرار دهند و در نتیجه آنان را «مهدورالدم» بخوانند. این گروه، مانند خوارج، مسلمانان را از آن رو کافر می‌دانند که همانند آن‌ها نمی‌اندیشند و به باور آن‌ها مشرکند. مهم‌ترین نوع سلفی‌گری، «سلفی‌گری تکفیری» و «وهابیت تکفیری» است. به جز وهابیون، گروه‌های تندروی دیگری نیز، مانند گروه‌های وابسته به مکتب سلفی «دیوبندی» در پاکستان چنین اعتقادی دارند. «سپاه صحابه»، «لشکر جهنگوی» و «لشکر طیبه»، همگی از گروه‌های سلفی وابسته به شاخه افراطی دیوبندی هستند که به‌طور رسمی، شیعیان را کافر اعلام کرده و هر بار به جنایت‌های فجیعی دست می‌زنند. (علیزاده موسوی، سیدمهدی، ۱۳۹۴ ص ۱۱-۲۸)

۳-۱-۲ سلفی‌گری جهادی

نظریه‌پردازی درباره سلفی‌گری جهادی در تفکرات اندیشمندان مصری ریشه دارد. سرچشمه این نوع سلفی‌گری را، نخست باید در اندیشه‌های (سید قطب) جستجو کرد. به عقیده سید قطب، جاهلیت قرن بیستم وخیم‌ترین نوع جاهلیتی است که تاکنون در تاریخ بشر دیده شده است. به نظر وی، تلاش‌های پیامبر (ص) برای از بین بردن دشمنانش، بسیار آسان‌تر از تلاش‌هایی است که باید برای پایان دادن به جاهلیت در عصر حاضر شود وی دلیل این امر را، دشمنی دوگانه‌ای می‌داند که مؤمنان باید با آن‌ها مبارزه کنند؛ یعنی دشمن خارجی (به‌طور عمده فرهنگ غربی) و دشمن داخلی در دنیای اسلام (حاکمان غیر اسلامی) وی در چنین شرایطی، جهاد را مطرح کرده و بیان می‌کند که در این شرایط، مسلمانان وظیفه دارد برای برپایی دین، چه با کفار و چه با حاکمان دست‌نشانده کشورهای اسلامی جهاد کند. چنین رویکردی سبب شد که اخوان المسلمین با تأثیر از اندیشه‌های سید قطب، مواضعی جهادی در برابر دولت مصری بگیرد. گروه دیگری که در ایجاد اندیشه سلفی‌گری جهادی تأثیر داشت «جامعیت اسلامی مصری» بود که «عبدالسلام فرج» مانیفست جهادی آنان را نوشت وی در سال ۱۹۷۹ میلادی در کتاب الفریضه الغائبه، فریضه جهاد را مقوله واجب مطرح کرد که فراموش شده است. پس‌از آن، میان گروه جهاد و جامعیت اسلامی مصر پیوندی ایجاد شد که سرانجام به ترور انور سادات انجامید. از دیدگاه‌های سید قطب و عبدالسلام فرج، جنگ‌ها و اختلافات فرقه‌ای وجود نداشت و عامه مردم و علما، به علت اختلاف عقاید مورد حمله قرار می‌گرفتند و کشته می‌شدند. (علیزاده موسوی، سید مهدی، ۱۳۹۴: ص ۸۲-۸۴)

۳-۱-۳ سلفی‌گری تبلیغی

سلفی‌گری تبلیغی، بیشتر در برابر سلفی‌گری تکفیری مطرح می‌شود. سلفی‌گری تبلیغی، نوعی از سلفی‌گری است که محور فعالیت‌های خود را تبلیغ اندیشه‌ها و مبانی سلفی‌گری قرار می‌دهد. هرچند در ماهیت این نوع سلفی‌گری نیز تکفیر مخالفان دیده می‌شود؛ اما در ظاهر نسبت به جهاد و

مبارزه با مسلمانان کمتر تأکید دارد. درواقع، سلفی گری تبلیغی می‌کوشد تا در عصر جهانی‌شدن، با بهره‌برداری از فناوری‌های پیشرفته ارتباطی، گفتمان سلفی گری را جهانی سازد. هزاران سایت اینترنتی و چندین شبکه ماهواره‌ای، مسئولیت تبلیغ دیدگاه‌های سلفی گری را بر عهده دارند. به‌طورمعمول، در باب تبلیغ این جریان‌ها در دو محور فعالیت می‌کنند: ترویج مبانی سلفی گری و شبهه افکنی در باب محور اول، سلفیان تبلیغی می‌کوشند تا معارف و مبانی خود را در قالب روش‌های نوین به جهانیان عرضه کنند. مباحثی مانند حدیث‌گرایی، ظاهرگرایی و ترویج مفاهیم اعتقادی تحریف‌شده خود همچون توحید و شرک و ایمان و... و اما محور دوم که بر پایه ایجاد شبهات بنا شده است و می‌توان گفت مهم‌تر از مورد اول است، درواقع با القای شبهه قصد تخریب عقاید مسلمانان را دارد. برای مثال، در ایام محرم شبهه‌های عزاداری مطرح می‌شود و یا در مورد اهل سنت، طریقت به چالش کشیده می‌شود که شمار فراوانی از اهل سنت به آن اعتقاد دارند. (علیزاده موسوی، سید مهدی، ۱۳۹۴، ۸۴-۸۶)

۳-۲ تشیع و افراطی‌گری

۳-۲-۱ صوفیه و دراویش

در زمان پیامبر اکرم (ص)، پیروان آن حضرت را که به اسلام و ایمان اعتقاد داشتند، مسلم و مؤمن می‌نامیدند و آنان که محضر پیامبر را درک کرده بودند صحابه نامیده می‌شدند. نسل بعد را که با صحابه پیامبر محشور بودند تابعین خواندند. سپس کنیه زاهد و عابد مطرح شد و سپس اسم عباد و زهاد به عده‌ای اطلاق گشت که از دنیا کناره‌جسته و خود را وقف عبادت و ریاضت نموده بودند و با این عمل، طریقه و روش خاصی در عالم اسلام به وجود آوردند. تا اینکه در حدود اوایل قرن دوم هجری کم‌کم اسم صوفی و طریقه تصوف مطرح شد. از معروف‌ترین چهره‌های تصوف در این دوره می‌توان به ابوهاشم کوفی، ابراهیم ادhem، ذوالنون مصری و ... اشاره کرد. این طریقه تصوف در ابتدای امر میان مسلمین، ساده و از حدود ریاضت و عزلت و مجاهده نفسانی و اخلاقی خارج نبود. ولی از قرن سوم به بعد دامنه تصوف وسعت یافت و مایه‌های ذوقی در آنها پدیدار شد. اساس آن را محمد بن عبدالله بن مستره ابن نجیح معروف به ابن مستره بنا نهاده است. وی در سال ۳۰۰ هجری تعلیمات خود را آغاز کرد و مردی تارک دنیا و ناسک بود و در صومعه‌ای واقع در شهر قرطبه در اسپانیا می‌زیست. تعلیمات وی بعدها توسط محی الدین معروف به ابن عربی تکمیل و تدوین گردید. (عمید زنجانی، ۱۳۶۷) بر اثر انشعابات که در قرون بعد در تصوف پیدا شد، رشته‌ها و فرقه‌های متعددی به وجود آمد. هر دسته و فرقه درصدد حفظ موقعیت خود در برابر فرقه‌های دیگر و گروه متشرعین برآمده و هرکدام سلسله مشایخ خود

را به نحوی به اصحاب پیامبر(ص) و یا به یکی از ائمه اهل بیت (علیه السلام) رسانیدند. چنان‌که سلسله رفاعیه و کمیلیه خرقه و سلسله خود را به کمیل بن زیاد نخعی، و فرقه نقشبندیه توسط ابراهیم ادهم به امام زین‌العابدین (علیه السلام) و سلسله شطاریه توسط بایزید بسطامی به امام جعفر صادق (علیه السلام) و سلسله ذهبیه و بعضی از فرقه‌های دیگر توسط معروف کرخی به امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) نسبت داده‌اند. و همچنین فرقه هائی که در مذهب مشایخ اولیه خود باقی مانده و پایبند به تسنن بوده‌اند، سلسله‌ی مشایخ خود را توسط حسن بصری به امام علی(علیه السلام) یا به ابوبکر خلیفه اول رسانیده‌اند. اما واقعیت امر عدم همبستگی میان تشیع و تصوف است. زیرا تصوف از تشیع کاملاً بیگانه است. (لازم به توضیح است که عرفای شیعی و علمای ربانی در ظاهر امر شباهت‌هایی به تصوف دارند، ولی در واقع امر چنین نیست)؛ زیرا اصول و قواعد تصوف با تشیع منافات دارد و به هیچ‌وجه میان آن دو همبستگی وجود ندارد. مطالعات و تحقیقات در احوال و تراجم و مشایخ صوفیه می‌نمایاند که اقطاب و مشایخ اولیه و سرسلسله آن‌ها از میان اهل سنت برخاسته‌اند و تا قبل از روی کار آمدن دولت صفویه، یک مرشد هم نمی‌توان یافت که شیعه و پیرو اهل بیت باشد (الهام، بیتا، ص ۳۱۶)

۲-۳ غلو و غلات

اندیشه «غلو» در دوران خلافت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بروز محسوسی یافت و بعد از شهادت آن حضرت گروهی از جمله پیروان محمد بن حنفیه به غلو گرایش پیدا کردند. در زمان امام باقر (علیه السلام) اندیشه‌های غلوآمیز رو به رشد نهاد و در دوران امامت امام صادق (علیه السلام) گروه‌های زیادی از غلات به وجود آمدند که تا دوران امام رضا (علیه السلام) عقاید انحرافی آنان رونق داشت. به نظر می‌رسد که گرایش‌های غلوآمیز تا زمان غیبت صغری و بعد از آن نیز رواج داشته است. با این تفاوت که غالیان در آغاز الوهیت امامان را مطرح می‌کردند و از زمان امام رضا (علیه السلام) به بعد نوعی تنزل در عقاید آنان به چشم می‌خورد و گرایش به تفویض بیشتر بوده است. ائمه را مخلوق دانسته و دخالت در تدبیر جهان و رزق پرستش را به آنان نسبت می‌دادند. بر عکس حتی گروهی هم ائمه را از آنچه بودند تنزل داده، که از آنان با نام (مقصره) یاد می‌کردند. امامان شیعه از ابتدای پیدایش اندیشه‌های غلوآمیز با آن‌ها به مبارزه پرداختند امیرالمؤمنین (علیه السلام) مبارزه جدی و سختی را علیه آنان آغاز نمود و غالیان را در آتش افکند (ابن ابی الحدید ابوحامد عزالدین در شرح نهج البلاغه) و ائمه بعد از او، بخصوص امام صادق و امام رضا علیهما السلام با آنان مبارزه شدیدی داشتند. یاران خود را به دوری از این گروه‌های انحرافی و تبری از آنان را توصیه می‌نمودند. از اندیشه‌ها و عقاید

باطل غلات می‌توان به: اعتقاد به الوهیت ائمه، نسبت دادن نبوت به ائمه اطهار، باور به اینکه امامان علم غیب ذاتی و مطلق دارند، اعتقاد به تناسخ، تشبیه خداوند به مخلوقات و بندگان و اعتقاد به تفویض و اینکه خداوند، پس از خلقت تدبیر امور را تماماً به پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) واگذار کرده است، اشاره کرد.

از آنجایی که مبحث غلو دارای پیچیدگی است، بدیهی است که نمی‌توان گفت انگیزه گرایش افراد به غلو تک عاملی است، بلکه عوامل متعددی باعث غلو افراد شده است که در ادامه برخی از آن‌ها را بررسی می‌کنیم:

کرامات و اخبار غیبی

مهم‌ترین عملی که در غلو نقش داشته و باعث پدید آمدن این طرز تفکر شده است آن کرامات و اخبار غیبی ائمه و توانائی عملی آنان بوده است. همین امر سبب گردیده که بیشترین جمعیت غلات منسوب به شیعه باشد. قرآن مجید در دو سوره نساء (۱۷۱) و مائده (۷۷)، مسئله «غلو» در دین را مطرح کرده و با خطاب یا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِی دِینِكُمْ. از مسیحیان می‌خواهد که دست از «غلو» دینی خود برداشته و حضرت عیسی (علیه‌السلام) را از حد بندگی بالاتر نبرند و او را پسر خدا نخوانند. همچنین کتب روایی اهل سنت و شیعه، حاوی روایاتی است که حاکی از مذموم بودن «غلو» و نهی از آن است.

جهل و تعصب

جهل افراد نسبت به مقام و موقعیت واقعی پیامبر (ص) و امامان (علیه‌السلام) باعث شده که برخی آنان را فراتر از آنچه بودند تصور کنند. زمانی که جهل با تعصب همراه گردد، اندیشه‌های ناخالص و ناروا جایگزین عقاید حق می‌شوند. آنان تصور می‌کردند اعتقاد به مقام برتر برای امامان نشانه قوت ایمان است؛ از این روی زمانی که از معصومین می‌شنیدند که خودشان را بنده خدا معرفی می‌کردند از گزافه‌گویی دست برمی‌داشتند. البته افراد شیادی که از جهل و ضعف ایمان افراد به نفع خود سود می‌بردند و همیشه سعی می‌کردند ساده‌دلان را از دریافت حقائق باز دارند.

نیروهای نفوذی

از عللی که در راه‌یابی اندیشه‌های غلوآمیز در میان مسلمانان ذکر کرده‌اند، عوامل نفوذی بوده است. برخی از پیروان دین یهود و نصارا که خود گرفتار غلو بودند به‌ظاهر اسلام آوردند و این طرز فکر را وارد اسلام کردند. برخی زنداقه نیز برای ضربه زدن به اسلام در سلک مسلمانان آمدند و اندیشه‌های باطل خود را رواج دادند. آنان در هر زمان مناسب با استفاده از موقعیت افراد ذی‌نفوذ وارد صحنه می‌شدند و با طرفداری از شخصیت‌های مؤثر اجتماعی افکار خویش را در جامعه ترویج

می‌دادند و از این راه به اسلام ضربه می‌زدند. خداشیه را از این قبیل گروه‌ها شمرده‌اند. (فرهنگ فرق اسلامی، دکتر جواد مشکور، ۱۷۸)

محیط اجتماعی

ابن ابی الحدید در گفتار خود راجع به غلو به محیط اجتماعی عراق اشاره دارد و معتقد است که در سرزمین عراق گرایش به افکار و اندیشه‌های انحرافی گوناگون وجود دارد. باید اذعان کرد که رسوبات فرهنگی و اجتماعی برخی جوامع در شکل‌گیری این اندیشه‌ها مؤثر است. در میان موالی با ملیت‌های گوناگون از جمله ایران اندیشه‌های غلوآمیز بیشتر دیده می‌شود. (فرهنگ فرق اسلامی، دکتر جواد مشکور، ۳۴۶)

اباحیگری در غلات

با بررسی جریان غلات دیده می‌شود که تعدادی غالیان، آدم‌های اباحی گر بوده‌اند و خود را الزام و توجه به حدود و محرمات الهی نمی‌کرده‌اند. گفته شده که بعضی از غلات با دختران خودشان ازدواج می‌کردند، و یا اینکه گوشت خوک را حلال می‌دانستند و می‌خوردند (صراف، حمیدرضا، (جریان شناسی غلو و نقش غالیان در میراث حدیثی شیعه: ص ۱۷-۱۸) غالیان برای بیان اباحی‌گری خود را به بعضی از تفکرات غلات استناد نموده و آنان را برای نیل به اهداف خود مستمسک قرار می‌دادند بعنوان مثال بعضی‌ها معتقد بودند که شناخت پیامبر(ص) و امامان(علیهم السلام)، اشخاص را از سایر تکالیف بی‌نیاز می‌کند و از انجام آنها ساقط می‌نماید (میرزا فضل‌الله زنجانی، تاریخ العقیده الشیعه و فرقها، ص ۱۱۷-۱۱۸/و صراف، حمید) و گفته شده بعضی از خطابه‌ها معتقد بودند که واجبات و فرائض را که خداوند بر بندگان خودش واجب کرده است. اسامی مردانی است که بدان کلمات نامیده می‌شدند که مردم دستور دارند آنها را و ولایتشان را بشناسند و نیز محرمات و گناهان را به نام مردانی دانسته‌اند که مردم دستور دارند از آنان دوری جویند و از آنان بیزاری نمایند و به آنها لعنت بفرستند. آنان اعتقاد داشتند هر فرد پیامبر(ص) و امامان(علیهم السلام) را بشناسد، واجبات از گردن آن فرد برداشته می‌شود. و هر عملی بخواهد انجام دهد مجاز است. (صراف، حمیدرضا، جریان شناسی غلو و نقش غالیان در میراث حدیثی شیعه)، و نیز گفته شده که حمزه بن عماره بربری، همه محرمات دین را حلال اعلام کرد و اظهار داشته و هر که امام خود را بشناسد و هر عملی انجام دهد، هیچ گناهی بر او حساب نمی‌شود. گفته شده که امیرالمومنین(ع) بر گروه عبور می‌کرد که آنها در روز ماه رمضان غذا می‌خوردند، حضرت(ع) از علت روزه خوری آنها پرسش کرد و آیا عذری برای روزه خوردن دارند؟ در جواب گفتند «شما شما» و منظورشان ربوبیت او بود، سپس علی(ع) از اسب پایین آمد و صورت خود را بر زمین گذاشت و گفت وای بر شما، من فقط

بنده ای از بندگان خدا هستم پس از خدا بترسید و به دستورات اسلام باز آیید. بنابر این مستمسک قرار دادن عقیده غالبانه برای گرایش به اباحی گری کاملاً مشهود است.

انگیزه‌های سیاسی

از عوامل دیگری که می‌توان برای غلو برشمرد انگیزه‌های سیاسی است. این احتمال قوی است که نیروهای سیاسی حاکم جامعه برای ایجاد تفرقه در بین نیروهای سیاسی مخالف خویش طرفداران آنان را به این سمت وسو کشانده‌اند. یا افرادی برای جا انداختن رهبران سیاسی خود در دل مردمان ساده‌دل درباره آنان غلو می‌کردند. طرفداران ابومسلم خراسانی این‌گونه بودند. عقاید خاصی درباره او داشتند. می‌گفتند: او نمرده بلکه زنده و جاوید است و رجعت خواهد کرد. (فرهنگ فرق اسلامی، دکتر جواد مشکور، ۱۹) در مواردی غلات برای مبارزه علیه سیاست‌های بنی امیه و بنی عباس ۲۶ افکار غلوآمیز را نشر می‌دادند و با جلب مردم ساده‌دل آنان را به هر طرف که می‌خواستند هدایت می‌کردند.

دنیاگرایی

افرادی برای کسب موقعیت اجتماعی و جلب منافع مادی و گردآوری مرید، افکار غلوآمیز را در میان مردم تبلیغ می‌کردند. آنان از موقعیت اجتماعی امامان شیعه. در میان مردم مطلع بودند. از این روی دست به شیدایی‌ها می‌زدند و به بازار دین سازی دامن زدند. پیامبر و امامان را خدا تبلیغ می‌کردند، وقتی شدیداً از طرف آن بزرگواران طرد می‌شدند خود را هم‌ردیف آنان یا بالاتر معرفی می‌کردند. ادعای رسالت و امامت می‌کردند و از این راه به ثروت کلان می‌رسیدند و مشهور می‌شدند و آنچه در پی آن بودند، از این طریق بدست می‌آوردند. ابوالخطاب برای رسیدن به مقام دنیوی و نفوذ و تأثیر در مردم و جلب مرید خود را به امامان شیعه وابسته می‌دانست و درحالی‌که نسبت‌های غلوآمیز به آن‌ها می‌داد و خود را نیز با مرتبت آنان شریک می‌پنداشت و یا خویش را نایب و دستیار آنان معرفی می‌کرد.

۴- دلایل افراطی‌گری دینی

۱- ۴ تبعیت کورکورانه

افراط‌گرایی درون اسلام به قرن هفتم و به خوارج بر می‌گردد. آنها موضع اساس سیاسی خود را از آموزه‌های افراط‌گرایی توسعه داده‌اند، و بین جریان اصلی یعنی سنی و شیعه جدایی ایجاد کرده‌اند. خوارج به طور خاص به پیش گرفتن یک روند رادیکال به اسم تکفیر شناخته می‌شوند، که به خاطر آن، سایر مسلمانان را کافر قلم داد می‌کردند و آنان را مستحق مرگ می‌دانستند (نسخه آرشیو در ۲ اوت ۲۰۱۲ در یافت شده فوریه ۲۰۱۸) افراط‌گرایان معمولاً پیرو رهبران خود هستند و از اصل

اسلام بی اطلاع می باشند و در واقع جواب گو و دلیل کشتن مخالفان خود را با منطق لازم ارائه نمی دهند. و نتیجه عمل کرد خودشان را به سران و رهبران و خواسته های آنها را عنوان می کنند. در حقیقت افرادی که ریشه خشونت در آنها موجود باشد، و استعداد مبارزه با نوع انسان به دلایل مذهبی داشته باشند. معمولاً به این گروه های افراط گرا جذب می شوند و کورکورانه به اطاعت و عملیات تروریستی دست می زنند و کشته شدن، در راه این اهداف شوم را شهادت فرض می کنند(رمضان زاده، فرهاد و همکار، واکاوی افراط گرایی دینی و نقش تعلیم و تربیت اسلامی)

۲-۴ الزام همهی مردم به چیزی که خدا ملزم شان نکرده است

یکی دیگر از نشانه‌های افراط‌گرایی دینی اصرار بر سخت‌گیری و الزام همیشگی دیگران بر آن هست. درحالی‌که خداوند چنین تکلیفی را بر دوش کسی نهاده است. اگرچه مانعی نمی بیند در پاره‌ای از مسائل بر خود سخت بگیرند و حتی در برخی موقعیت‌ها می‌تواند به خاطر احتیاط پرهیزگاری، مشقت سنگین‌تری را تحمل نماید. اما جایز نیست که این رویه سخت‌گیرانه را در همه احوال و برای همیشه در پیش بگیرد. به نحوی که اگر شرایط، تخفیفی ایجاب کرد و یا فرصت استفاده از «رخصت» برایش میسر شد، باز هم از پذیرش آن سرباز می‌زنند. بالاینکه رسول خدا فرموده‌اند: «یسروا و لا تعسروا، بشروا و لا تنفروا؛ (صحیح بخاری، ص ۶۹) آسان گیرید و سخت‌گیری مگیرید، بشارت دهید و بیزار مگردانید.» یا می‌فرماید: «خداوند سهل‌گیری و رخصت را دوست دارد چنان که گناه و سرکشی را نمی‌پسندد». خداوند در این باره نیز فرموده است: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ؛ خداوند بر شما آسانی می‌خواهد نه مشقت و دشواری!» (سوره بقره، آیه ۱۸۵) نیز راجع به سیره آن حضرت روایت شده که هیچ‌گاه رسول خدا میان پذیرش دو امر مختار نگردید، مگر که آسان‌ترین آن‌دورا بر می‌گزید مادام که (آن گزینش) گناه نبوده است. (موسوی، ۱۳۹۱، ۹۸-۱۰۵)

۳-۴ سخت‌گیری بی‌مورد

از دیگر نشانه‌های افراط‌گرایی سخت‌گیری‌های غیرمشروع، بی‌مورد هست و اعمال آن‌ها در موقعیت‌های نامساعد زمانی و مکانی است. همانند سخت‌گیری در غیر دارالاسلام و یا در شهرهای اصلی آن (که با روح و حقیقت اسلام بیگانه‌اند). نیز در میان قومی که تازه به اسلام گرویده و یا تازه اظهار توبه کرده‌اند، شایسته است، با چنین گروه‌هایی در مسائل فرعی و امور اختلافی با نرمی، تساهل و تسامح رفتار شود و پیش از همه به تصحیح عقیده‌شان تلاش شود تا آن‌که بستر اعتقادی‌شان محکم گردد و در این زمینه قانع شوند. آنگاه خود به فراگیری و عمل به ارکان دین و سپس به شعبه‌های ایمان و مراتب احسان خواهند پرداخت. پیامبر خدا هنگام فرستادن «معاذ بن جبل» به سوی یمن، خطاب به وی فرمودند: (تو به سوی قومی از اهل کتاب می‌روی، پس آنان را به گواهی اینکه

جزء خدای (برحق و یگانه)، دیگر خدایی نیست و اینکه من پیامبر و فرستاده‌ی اویم فراخوان، اگر تو را در این امر، اطاعت نمودند. به آنان بیاموز که خداوند در هر شبانه‌روز پنج نوبت نماز برایشان «فرض» گردیده است و اگر آنان تو را در این امر اطاعت کردند، به آنان بگو خداوند برایشان زکات را فرض قرار داده تا از ثروتمندان گرفته و به فقرای آنان داده شود. (موسوی، ۱۳۹۱، ۹۸-۱۰۵)

۴- فقر و بیکاری

فقر و بیکاری عامل دیگری خروج از طریق اعتدال و عقلانیت است. هر انسانی در گام نخست به دنبال رفع نیازهای اولیه خویش می‌باشد، از قبیل نیاز به خوراک، پوشاک، مسکن، ازدواج و بهداشت و این‌ها حقوق مسلم هر انسان هست. در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه از آنجاکه این نیاز تا به دلایل مختلف مرتفع نمی‌گردد، باعث ایجاد عقده روانی در فرد می‌شود، تا آنجایی که حتی سلامت جسمی و روانی او به خطر می‌افتد و این مسئله می‌تواند به راحتی سلامت و امنیت دیگران را به خطر مواجه نماید. حال در این میان اگر فرد یا گروهی وجود داشته باشد که برای این تپ از افراد وعده تأمین نیازهای اولیه و بهره روی از حقوق و مزایایی در نظر گیرد و در کنار آن اندیشه جاودانگی و بهشت را به آنان تلقین نماید، دور از انتظار نیست که این افراد به راحتی جذب جریانات رادیکال شوند، چون این جریانات درواقع به خواسته‌های آن‌ها لبیک گفته و موجبات آرامش جسمی و روانی‌شان را فراهم می‌کنند. وقتی انسان‌ها از ثبات اقتصادی بهره‌مند نباشند، آزادی اندیشه و دین‌داری آن‌ها هم مخدوش می‌شود. از آنجاکه اساس دین‌داری، عقل محوری است، روی آوردن به استدلال برهان در شرایطی محقق می‌شود که حداقل معاش تأمین شده باشد. از این جهت که اهمیت این سخن حضرت علی (علیه السلام) به فرزندش محمد حنفیه متوجه خواهیم شد، که می‌فرماید: ای فرزندم من از تهی‌دستی بر تو هراسناکم از فقر به خدا پناه ببر که همانا فقر دین انسان را ناقص و عقل را سرگردان و عامل دشمنی است. (علی ابن ابیطالب، ۱۳۷۹: حکمت ۵۱۲/۳۱۹)

۵- تفهیم به رأی

موضوع اجتهاد و تفهیم به رأی در قرآن کریم یکی از جنجالی‌ترین موضوعاتی است که همواره در طول تاریخ مورد اختلاف مذاهب گوناگون بوده است. حضرت علی (علیه السلام) در وصف دانشمندانی که جزو جاهلان و گمراهان‌اند، چنین می‌فرماید: «قَدْ حَمَلَ الْكِتَابَ عَلَى آرائِهِ وَ عَطَفَ الْحَقَّ عَلَى أَهْوَاهِ»، «قرآن را بر اندیشه‌های خود حمل نموده (تفسیر کرده) و (کسی که قرآن را به رأی خود تفسیر کند) حق را بر طبق خواهش‌های نفسانی خویش قرار داده است. (نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، خطبه ۸۷) تفهیم به رأی یکی از خطرناک‌ترین برنامه‌ها در مورد ادیان است که در روایات اسلامی، یکی از گناهان کبیره شمرده شده است و مایه سقوط از درگاه قرب پروردگار

شده است. مفسران و دانشمندان اسلامی بر این اتفاق نظر دارند که هیچ فردی حق ندارد آیات قرآن را با نظر و رأی شخصی خود تفسیر نماید و احادیث زیادی در این باره نقل شده است. به عنوان مثال رسول الله (ص) درباره این مسئله می‌فرماید: «مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ»؛ هرکس قرآن را به رأی خویش تفسیر کند، برای خود جایی در آتش دوزخ انتخاب کرده است. (حسانی، ۱۴۰۳، ج ۴، ۱۰۴)

۵- پیامدهای افراط‌گرایی دینی از دیدگاه قرآن و حدیث

قرآن کتاب هدایت بشر برای همه عصرها و نسل‌هاست که توسل به آموزه‌های آسمانی آن، راه‌حل بسیاری از بن‌بست‌ها، سرگشتگی‌ها و رهیافت‌چالش‌های بشر هست. انسان مسلمان، نمی‌تواند فراتر از آنچه قرآن می‌گوید ابداع کند و آن را دستورالعمل زندگی فردی و جمعی خویش قرار دهد. از طرف دیگر میزان درک و تشخیص حقانیت احزاب را می‌توان در قرآن دید زیرا اصالت و صداقت جریان‌ها، سازمان‌ها، احزاب، تشکل‌ها و حکومت‌های اسلامی را قرآن کریم معیار است. زیرا قرآن در برهوت سرگردانی در میان فرقه‌ها، مذاهب، ادیان، مکتب‌های فکری و نحله‌های اعتقادی، همواره چراغ راه است. بنابراین، امروزه اگر کسی در پی فهم ماهیت، هدف و نسبت افراطیت و گروه‌های افراطی با اسلام را دارد. همخوانی یا ناهمخوانی عملکردهای این گروه را باید با قرآن مورد سنجش و آزمون قرار دهد. چنانچه خدا متعال می‌فرماید: قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ. بگو: ای اهل کتاب، در دین خود به ناحق افراط نکنید و از پی هوسهای گروهی که پیش از این گمراه گشتند و بسیاری از مردم را نیز گمراه کردند و خود از راه راست منحرف شدند، نروید.

باید توجه داشت که آموزه‌های اسلامی با افراط و تندروری در تضاد هست. این در حالی است که افراطیت در بخش‌های مختلف حیات بشری جهانیان وجود دارد. مانند نظامی، سیاسی، اقتصادی فرهنگی و... درحالی‌که امروز تنها افراطیت در دین و اعتقادات اسلامی برجسته ساخته می‌شود و حرکت‌های دیگری که منجر به فروپاشی امنیت مادی و معنوی جوامع می‌گردد و یا نادیده گرفته می‌شود و یا عملکرد افراط‌گرایانه خودشان را توجیه می‌کردند. بنابراین شکی نیست که دسیسه‌های درکار است تا اسلام هراسی را ترویج کنند و از گسترش آن در شرق و غرب جلوگیری نمایند. زیرا تحقیقات نشان داده است که طی چند سال اخیر بیشتر از ۲۵۰۰ حمله انتحاری در شرق میانه انجام شده است. درحالی‌که عامل اصلی این حملات مداخلات غرب به خصوص آمریکا بوده است. زیرا قبل از ورود او به منطقه چنین حرکت‌های ویرانگر نبود. از طرف دیگر با مداخله و آمدن آمریکا نه تنها از شدت خشونت تا کاسته نشده است. بلکه بر حجم افراطیت و خشونت به خصوص در افغانستان،

عراق، سوریه، لبنان و دیگر سرزمین های اسلامی افزوده شده است. این در حالی است که از دیدگاه اسلام تجاوز بر حق دیگران و ظلم بر افراد و همچنین قتل کشتار افراد بی گناه به شدت محکوم شده است و قرآن حیات یک انسان را به حدی مهم دانسته که اگر کسی فردی بی گناه را بدون دلیل به قتل برساند گویا تمام افراد بشر را کشته است. چنانچه پیامبر اکرم (صلی علیه و آله و سلم) می فرماید: مَنْ حَمَلَ عَلَيْنَا السَّلَاحَ فَلَيْسَ مِنَّا (کسی که بر من سلاح میکشد از ما نیست). خداوند می فرماید: وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا و هر کس مؤمنی را به عمد بکشد مجازات او (آتش) جهنم است که در آن جاوید (معذب) خواهد بود و خدا بر او خشم و لعن کند و عذابی بسیار شدید بر او مهیا سازد.

۱- تحریم نماز و خواندن ادعیه در جوار قبور اولیاء

ابن تیمیه اظهار می کند که نماز خواندن در جوار قبور جایز نیست، همچنین اگر قصد مشاهده کردن قبور اولیاء و نماز خواندن، اعتکاف، استغاثه، تضرع و قرائت قرآن، جایز نیست، بلکه ناصواب است.

۲- حرام اعلام کردن زیارت قبور اولیاء

از جمله کسانی که با زیارت قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و دیگر اولیاء الهی مخالفت می کرد ابن تیمیه بود و در جایی اظهار کرده: تمام احادیث زیارت قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) سندیت ندارند و بلکه دروغ است.

۳- حرام دانستن استغاثه غیر از خدا

ابن تیمیه اظهار می دارد: اگر کسی به شخصی که از دنیا رفته، بگوید «مرا در یاب، مرا کمک کن، از من شفاعت کن، مرا بر دشمن پیروز گردان و امثال این در خواست کند و تنها خدا بر آن ها قدرت دارد» «از اقسام شرک است.» و در جای دیگر می گوید: «اگر کسی چنین گوید، باید توبه کند و گرنه کشتنش واجب است.»

۴- حرام نمودن برگزاری مراسم

ابن تیمیه در مورد برپایی مراسم جشن دراعیاد و تولدهای برای رأسای دین، اظهار می کند: «اعیاد شریعتی، از شرایع است که در آن باید از دستورها متابعت نمود، نه آنکه بدعت گذاری کرد. این عمل نصاری است که حوادث مربوط به حضرت عیسی (علیه السلام) را عید می گیرند»

۵- قائل به جسم بودن خداوند

ابن تیمیه در یکی از فتاوی خود اظهار می‌کند: «آنچه در قرآن و سنت ثابت شده و اجتماع و اتفاق پیشینیان بر آن است که حق هم هست، حال اگر از این امر لازم آید که خداوند متصف به جسمیت شود اشکالی ندارد. زیرا لازمه ی حق نیز حق است»

آموزه‌های اسلامی با افراط و تندروری در تضاد هست. این در حالی است که افراطیت در بخش‌های مختلف حیات بشری جهانیان وجود دارد. مانند نظامی، سیاسی، اقتصادی فرهنگی و... درحالی‌که امروز تنها افراطیت در دین و اعتقادات اسلامی برجسته ساخته می‌شود و حرکتهای دیگری که منجر به فروپاشی امنیت مادی و معنوی جوامع می‌گردد و یا نادیده گرفته می‌شود و یا عملکرد افراط‌گرایانه خودشان را توجیه می‌کردند. بنابراین شکی نیست که دسیسه‌های در کار است تا اسلام هراسی را ترویج کنند و از گسترش آن در شرق و غرب جلوگیری نمایند. زیرا تحقیقات نشان داده است که طی چند سال اخیر بیشتر از ۲۵۰۰ حمله انتحاری در شرق میانه انجام شده است. (بیگی حمزه خان: ۱۳۹۷)

ظهور گروه‌های تندرو و افراط‌گرا و به وجود آمدن نحله‌های انحرافی، ترویج خشونت و جنایت با نام دین، تبعات جبران‌ناپذیری را برای اسلام و مسلمانان و بلکه برای تمام بشریت به دنبال داشته است. بعضی از آثار این پدیده شوم را به قرارذیل بر شمرند:

- قتل عام و نسل‌کشی مسلمانان و ایجاد نفرت و بی‌اعتمادی میان برادران دینی
- نشان دادن چهره خشونت‌طلب از مسلمانان و وارونه کردن چهره دین مبین اسلام و تعالیم آسمانی آن در اذهان عمومی
- افزایش خشونت بر ضد مسلمانان و تجاوز به حقوق مسلم آن‌ها در جوامع غیر اسلامی
- اهانت به اعتقادات و مقدسات مسلمانان
- ایجاد زمینه مهاجرت و پناهندگی و بی‌خانمانی تعداد زیادی از مسلمانانی که در اثر ترور، انفجار، حملات انتحاری و در اثر ناامنی مجبور به ترک سکونت از شهر و دیار خود شدند (مثل جنگ‌های داخلی سوریه و عراق)
- رکود بازار گردشگری به خاطر هراس از حملات انتحاری و ناامنی در کشوری که مورد تعدی تروریست‌ها گرفته است
- دخالت کشورهای بیگانه در امور داخلی کشورهای مسلمانانی که مورد تعرض تروریست قرار گرفته است

- در اثر فعالیت تروریستی، جنگ و آشوب و ایجاد جو ناامنی و تأثیر منفی آن در آموزه‌ها و بخصوص در تعلیم و تربیت
- هرگاه جنایتی توسط گروه‌های تکفیری و فرقه‌های افراط‌گرا تا، در نقطه‌ای از جهان صورت می‌گیرد، دشمنان اسلام، بدون درنگ آن را به مسلمانان و به تعالیم اسلام نسبت می‌دهند و اسلام را دین جنگ‌طلب و مسلمانان را تندرو و خون‌ریز معرفی می‌نمایند. (رحیمی، ثریا و همکار، مرکز مطالعات راهبردی و روابط فرهنگی/ سال چهارم/ ش ۸، پاییز ۱۳۹۷)
- تخریب بقیع و غارت کربلا (۱۸۰۲ میلادی): در سال‌های ۱۸۰۱ و ۱۸۰۲، سعودی‌ها به رهبری عبدالعزیز بن محمد بن سعودی به شهرهای مقدس شیعیان از جمله؛ کربلا نجف در عراق حمله کردند و آن‌ها را تصرف نمودند، بخش‌هایی از جمعیت مسلمان شیعه را قتل‌عام کردند و مقبره حسین بن علی، نوه حضرت محمد(ص) و پسر حضرت علی(ع) را ویران کردند. در سال‌های ۱۸۰۳ و ۱۸۰۴، سعودی‌ها مکه و مدینه را تصرف کردند و آثار تاریخی و اماکن و زیارتگاه‌های مختلف مسلمانان را مانند مقبره ای که بر روی قبر فاطمه دختر پیامبر(ص) ساخته شده بود، ویران کردند و حتی قصد داشتند قبر خود حضرت محمد(ص) را به عنوان بت‌پرستی تخریب کنند، که باعث خشم مسلمانان در سراسر جهان اسلام شد. در مکه مقبره‌های نزدیکان حضرت محمد(ص) واقع در قبرستان ابوطالب از جمله قبرهمسر اولش حضرت خدیجه(ع) بنت خلوید تخریب شد. تخریب اولیه این مکان‌ها در سال ۱۸۰۶ زمانی که ارتش وهابی دولت اول سعودی مدینه را اشغال و بطور ستماتیک بسیاری از سازه‌های قبرستان بقیع را نیز با خاک یکسال کردند و اینها شروع جنایت سلفی‌ها بود. این محل دفن وسیع از (نزدیکان) حضرت رسول(ص) در مجاورت مسجد النبیاست که بقایای بسیاری از اعضای خاندان حضرت محمد(ص)، یاران نزدیک و شخصیت‌های اصلی صدر اسلام را در خود جای داده‌است. در ۲۱ آوریل ۱۹۲۵ مقبره‌ها و گنبد‌های بقیع در مدینه یک بار دیگر با خاک یکسان شد. و به همین ترتیب نشانه‌هایی از محل دقیق آرامگاه اعضای خاندان و نوادگان حضرت محمد(ص) همچنان‌که تا به امروز باقی مانده‌است. از جمله مکان‌هایی که در این زمان مورد هدف قرار گرفت، قبور شهدای جنگ احد، از جمله قبر حضرت حمزه(ع) بن عبدالمطلب، عموی حضرت(ص) محمد و یکی از محبوب‌ترین حامیان او، مسجد فاطمه الزهرا دختر حضرت محمد(ص) تخریب شد. مسجد دو مناره (منارتین) و همچنین قبة الثنايا، گنبدی که به عنوان محل دفن دندان پیشین حضرت(ص) محمد ساخته شده بود که بر اثر ضربه ای که در جریان جنگ احد

وارد شده بود شکسته شد. در مدینه، خانه ام ابراهیم، ماریه همسر مصری حضرت محمد(ص) و زادگاه پسرشان ابراهیم و همچنین محل فن حمیده البربریه مادر موسی الکاظم در مجاورت آن ویران شد. کمیته علمی دائمی منصوب شده توسط دولت عربستان سعودی در یک سلسله احکام اسلامی با اشاره به اینکه تکریم بیش از حد منجر به شرک (بت‌پرستی) است، دستور تخریب این بناها را صادر کرده‌است. و نیز تخریب مقبره حوا در جده و قبر عبدالله پدر حضرت محمد(ص) که در سال ۱۹۷۵ با بتن مهر و موم شد.

- تخریب آثار صحابه پیامبر(ص) و از بین بردن و نابود کردن آثار و رسالت‌های باقی مانده از دوران پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) و صحابه و تابعان بطوریکه هیچ چیز ملموس از آن‌ها باقی نمانده، و همه این فعالیت‌ها در پوشش «توحید» و مبارزه با «شرک» انجام می‌شده است. مانند تخریب قبر حضرت ابوطالب و یا تخریب منزل حضرت خدیجه(ع) که محل نزول وحی بوده است. پایین آوردن مقام و موقعیت شخصیت‌های الهی اعم از پیامبران و اولیاء الهی هم در حال حیات و هم در حال ممات جزء اینکه آنان باز گو کنندگان دستورات الهی بودند و رسالت آن‌ها در این قسمت با مرگ آنان پایان می‌یابد و تفاوتی چندانی با امت خود ندارند و پیامد این دو اصل این بوده که آیین اسلام بصورت یک آیین خشک معرفی شده و هر نوع حرکت و تحول رنگ شرک و دو گانه پرستی به خود گرفته است.
- اینکه ایجاد تفرقه در میان مسلمین یک امر طبیعی است. این دو اصل، دو پی آمد بسیار ناگوار دارد
- الف: آئین اسلام به صورت یک آئین خشک معرفی می‌شود. که هر نوع حرکت و تحول، رنگ و شرک و دو گانه پرستی به خود می‌گیرد، به طوریکه احترام به آموزگاران الهی و برگزاری یادواره برای آن‌ها شرک اعلام می‌گردد. گو اینکه، باید ارتباط بشر با گلهای سر سبد آفرینش قطع شود و از اسلام جزء کتاب و احادیث چیزی باقی نماند.
- ب: ایجاد تفرقه در میان مسلمین، به گونه‌ای که جهان تسنن دچار تفرقه شده و جنگهای خونینی به راه افتاده، بیشتر دانشمندان بزرگ مصر و عراق و شام و لبنان در این سه قرن، بیشتر وقت خود را صرف نقد و بررسی این مسلک کرده اند و زحمات آنها بی نتیجه مانده است. گو اینکه اسلام حکمی جز تحریم و دعوتی جز مبارزه با فطرت انسان نداشته و انسان از چپ و راست پیوسته باید، الفاظ «شرک»، «حرام»، «ممنوع» را بشنود
- از دیگر پیامدها، تخریب آثار تاریخی صدر اسلامی در عربستان سعودی و تخریب آثار تاریخی مربوط به صدر اسلام است که یک پدیده همیشگی بوده است. که عمدتاً در منطقه

حجاز در قسمت غرب عربستان سعودی، بخصوص در اطراف دو شهر مقدس اسلام، مکه و مدینه اتفاق افتاده است. ویرانی ها و یا تخریب ها توسط دولت سعودی در رابطه با تخری هندب مساجد، آرامگاه ها و مدفنها، خانه ها و مکان های تاریخی مرتبط با پیامبر(ص) اسلام، یاران آن حضرت و تعداد زیادی از شخصیت های بنیان گذار تاریخ آغازین اسلام متمرکز شده است.

نتیجه

بر اساس آنچه گذشت، مشاهده می شود که مسئله افراطی گری و انواع آن، از مسائلی است که تمامی ادیان و فرق مورد ابتلای آن قرار گرفته اند و همواره در میان پیروان تمامی ادیان الهی کسانی بوده اند که دست به افراط و تغییر و تبدیل احکام و بطون شرایع زده اند و موجب گمراهی بسیاری از پیروان شرایع الهی شده اند. البته نکته ای که حائز اهمیت است، اینکه ادیان الهی که ریشه دارترین ادیان جهان کنونی هستند و بیشترین پیروان را به خود اختصاص داده اند، همواره از درون خود مورد حمله امواج افراط قرار داشته و از میان ادیان بدوی و شرایع غیرالهی کسی توانایی ایجاد امواج انحرافی در این نهادهای الهی را نداشته است و اگر این مسئله در میان ادیان الهی وجود دارد، به سبب بی ایمانی و پیروی از هوای نفس و دنیاگرایی برخی از خود پیروان ادیان الهی است که ذاتاً انسان های شروری بوده و همواره تمام استعداد و قدرت و توانایی های خود را در راه ابطال و ابداع و تغییر متون و بطون شرایع الهی به کار برده اند و در زمره انصار شیطان قرار گرفته اند. همیشه جهل و عدم معرفت صحیح و بی ایمانی گریبان گیر تمامی پیروان شرایع بوده است؛ لذا تنها راه مبارزه با افراطی گری این است که به شرح و گسترش مبانی اصلی و بنیادی ادیان در طی یک گفتمان دینی قرآنی که متشکل از تمامی عناصر هر سه شریعت الهی یعنی اسلام، مسیحیت و یهود است پردازیم و با بازشناسی معارف حقه الهی تحت لوای قرآن و کلام ائمه طاهرین و انبیای الهی و ارائه تعلیم و تربیت صحیح اسلامی مبتنی بر آن می توان قدم به سوی یک جامعه جهانی قرآنی برداشته و به انسداد مسیرهای انحرافی که خواسته یا ناخواسته در میان ادیان حقه الهی ایجاد شده است پردازیم و این مهم محقق نمی گردد مگر تحت تعلیم و تربیت داهیهان یک رهبری واحد یعنی اسلام؛ چرا که منبع اصلی آن یعنی قرآن همواره از تحریفات و ابداعات مصون بوده و سرتاسر آن ادامهدهنده مکتب انبیا سلف و ختم کننده طریق معرفتی خداوند متعال است و هیچ کلامی به اکمال و اتمام آنچه در گذشته چه در آینده و چه در حال وجود نداشته و نخواهد داشت.

منابع

۱. قرآن کریم (۱۳۸۵ ش)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، مرکز طبع و نشر قرآن. تهران.
۲. آمدی، سیف الدین (۱۴۲۳ هـ ق یا ۲۰۰۲ م)، *ابکار الافکار*، قاهره، دار الکتب و الوثائق القومية.
۳. ابراهیم مصطفی (۱۹۸۹م)، *نهج اللغة*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربیه.
۴. ابن ابی الحدید (۱۹۹۸م)، *شرح نهج البلاغه*، بیروت، دارالاحیاء الکتب العربیه.
۵. ابن حجر، احد (۱۳۷۹ق)، *فتح الباری*، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی و محب الدین الخطیب، بیروت: دار المعرفة.
۶. ابن فارس (۱۴۱۸ق)، *معجم مقاییس اللغة*، ج ۲، بیروت، دارالفکر.
۷. ابن قیم، جوزیه، محمد (۱۴۰۴ق/ ۱۹۸۴م)، *اجتماع الجیوش الاسلامیه*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۸. ابن قیم، جوزیه، محمد (۱۴۱۸ق/ ۱۹۹۸م)، *الصواعق المرسله*، به کوشش علی الدخیل الله، ریاض دار العاصمه.
۹. ابن منظور، جمال‌الدین (۱۴۰۸ق)، *لسان العرب*، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۰. احسانی، ابن ابی‌جمهور (۱۴۰۳ق)، *عوالی اللئالی*، قم، نشر سیدالشهداء.
۱۱. اسفندیار، کیخسرو (۱۳۶۲)، *دبستان مذاهب*، تهران، گلشن.
۱۲. اسماعیل رائین (۱۳۵۷)، *انشعابات در بهائیت*، تهران: مؤسسه رائین.
۱۳. اگریدی، جوان (۱۳۸۴)، *مسیحیت و بدعتها*، سلیمانی اردستانی، قم، موسسه طه، چاپ دوم.
۱۴. الهامی، داود (بیتا)، عرفان و تصوف، بی جا.
۱۵. بخاری، محمد (۱۴۰۷ق/ ۱۹۸۷م)، *الصحيح*، به کوشش مصطفی دیب البغا، بیروت: دار ابن کثیر.
۱۶. تهانوی (۱۹۶۷)، *لسان اللسان*، جابی.
۱۷. جان بی ناس (۱۳۷۲)، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، چاپ پنجم.
۱۸. جمالی، جواد (۱۳۹۰) «مدل تثوریک تحلیل افراط‌گرایی با کاربست نظریه سازه انگاری»، *فصلنامه آفاق امنیت*، سال ۴، شماره ۱۲.
۱۹. حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۴)، *وسائل الشیعه*، مترجم: علی صحت، تهران، ناس.
۲۰. حسینی شیرازی، سید محمد (۱۳۸۱)، *دنیا باز یچه یهود*، تهران، بینش آزادگان، قم، انتشارات امام صادق (ع).

۲۱. دارمی، عبدالله (۱۴۰۷ق)، *السنن*، به کوشش فواز احمد زمزلی و خالد السبع العلمی، بیروت: دار الکتاب العربی.
۲۲. دورانت، ویل (۱۳۶۵)، *تاریخ تمدن*، ترجمه جمعی از مترجمان، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۲۳. دهخدا، علی اکبر (بی تا)، *لغت نامه*، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۴. زاهد زاهدانی، سعید (بی تا)، بهائیت در ایران، گفت و گو، *فصلنامه موعود*، ش ۳۸.
۲۵. زیبائینژاد، محمدرضا (۱۳۸۵)، *مسیحیت شناسی مقایسه‌ای*، تهران، سروش.
۲۶. رازی، مرتضی بن داعی (۱۳۸۲)، *تبصره العوام*، تهران، اساطیر.
۲۷. راغب اصفهانی (بی تا)، *المفردات به کوشش محمد، سیدکیلانی*، بیروت دارالمعرفه.
۲۸. رضوانی، علی اصغر (بی تا)، *نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات*، قم، انتشارات جمکران.
۲۹. سلیمانی، عبدالرحیم (۱۳۸۴)، *مسیحیت*، قم، آیت عشق.
۳۰. سیدمرتضی، علی (۱۳۹۲ ق / ۱۳۵۱ ش)، *الحدود و الحقائق*، مشهد، الذکری الالفیه للشیخ الطوسی.
۳۱. سیوری، فاضل مقداد (۱۴۰۵ق)، *ارشاد الطالبین*، تحقیق سیدمهدی رجائی، قم، کتابخانه مرعشی نجفی.
۳۲. شمیم، علی اصغر (۱۳۷۵)، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، تهران، انتشارات مدبر.
۳۳. شهبازی، عبدالله (بی تا)، *جستارهایی از تاریخ بهایی‌گری در ایران*، بی جا.
۳۴. شهرستانی، محمد (۱۳۷۵ق/ ۱۹۵۶م)، *الملل و النحل*، به کوشش محمد بدارن، قاهره: مکتبه الانجلو المصریه.
۳۵. طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. طبرسی، فضلبن حسن (۱۴۱۴ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالفکر.
۳۷. طبری، ابوجعفر محمدبن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفه.
۳۸. طریحی، فخرالدین (۱۴۰۸ ق / ۱۳۶۷ش)، *مجمع البحرین*، ج ۱، به کوشش محمود عادل، تهران.
۳۹. عسکری، حسن ابوهلال (۱۳۶۳)، *الفروق فی اللغة*، به کوشش محمد علوی مقدم و ابراهیم دسوقی شتا، مشهد، بی جا.
۴۰. عظیم آبادی، محمد (۱۴۱۵ق)، *عون المعبود*، بیروت: دار الکتب العلمیه.

۴۱. عزیززاده موسوی، سیدمهدی (۱۳۹۴)، جریان‌شناسی سلفی‌گری، *فصلنامه علمی تخصصی روابط فرهنگی*، سال اول، شماره ۱.
۴۲. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷)، *تاریخ تصوف*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۳. فیروزآبادی، مجدالدین (۱۴۲۴)، *القاموس المحيط*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۴۴. قرطبی، محمد ابن احمد (۱۳۶۴)، *تفسیر قرطبی*، تهران ناصر خسرو.
۴۵. قرطبی، محمد ابن احمد (۱۹۷۲م)، *الجامع لاحکام القرآن*، به کوشش احمد عبدالعلیم بردونی، قاهره، دارالشعب.
۴۶. کلبی، هشام این محمد (۲۰۰۰م)، *اباصنام*، قاهره، دار الکتب المصریه.
۴۷. کونگ، هانس (۱۳۸۶)، *متفکران بزرگ مسیحی*، گروه مترجمان، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۴۸. کهن، ابراهام (۱۳۸۲)، *گنجینه‌ای از تلمود*، ج ۱، چ ۱، ترجمه امیر فریدونی گرگانی، تهران، اساطیر.
۴۹. مبارکفوری، محمد عبدالرحمان (بی‌تا)، *تحفه الاحوذی*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق، ۱۳۷۹)، *بحارالانوار*، ج ۱۸، بیروت: مؤسسه الوفاء، تهران، المکتبه الاسلامیه.
۵۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، *آشنایی با قرآن*، تهران: انتشارات صدرا.
۵۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، *سیری در نهج البلاغه*، تهران، انتشارات صدرا.
۵۳. گفتگو با دکتر ولایتی، موج بیداری اسلامی و افول فرقه ضاله، «بهائیت‌آنگونه که هست»، *ویژه نامه ایام ۲۹*، ضمیمه روزنامه جام جم، ۶ شهریور ۱۳۸۶.
۵۴. نراقی، احمد (۱۴۰۸ق)، *عوائد الایام*، ج ۱، چاپ دوم، قم، مکتبه بصیرتی.
۵۵. نصری، علی (۱۳۸۲)، *نقدی بر اصول دوازده گانه بهائیت*، اصفهان، گویا.
۵۶. نویهض، عجاج (۱۳۹۳)، *پروتکول‌های دانشوران صهیون*، ترجمه حمیدرضا شیخی، آستان قدس رضوی.
۵۷. ویلکاکی، لیرد (۱۳۸۲)، *افراط‌گرایی سیاسی چیست؟*، ترجمه فیروزه مهاجر، کتاب توسعه، شماره ۱۴.

واکاوی راهکارهای مقابله با تبلیغات ضد دینی در فضای مجازی با تاکید بر آموزه های قرآن کریم

محمد بیدگلی^۱

اصغر رجبی ده برزویی^۲

عباسعلی رستمی ثانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹، صفحه ۹۲ تا ۱۰۸ (مقاله پژوهشی)

چکیده

امروزه در دورانی زندگی می کنیم که فضای اطراف ما سرشار از اطلاعاتی است که به وسیله رسانه های مختلف داخلی و خارجی تولید می شود و می توان گفت در شرایط اشباع رسانه ای قرار داریم. امام خامنه ای تاکید دارند که فضای مجازی در کنار محاسنی که دارد، دارای معایبی هم می باشد که لازم است مدیران و مسئولان فرهنگی نسبت به آن اهتمام ویژه ای داشته باشند. لذا در پژوهش حاضر تلاش شده به این سؤال پاسخ داده شود که راهکارهای مقابله با تبلیغات ضد دینی در فضای مجازی با تاکید بر آموزه های قرآن کریم چیست؟ پژوهش حاضر توسعه ای-کاربردی بوده و بر حسب ضرورت پژوهش از روش های اسنادی و تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. یافته های این پژوهش حاکی از آن است که راهکارهای مقابله با تبلیغات ضد دینی در فضای مجازی با تاکید بر آموزه های قرآن کریم عبارتند از ارتقای سواد رسانه ای، آموزش مناسب، تولید محتوا، تقویت فضائل اخلاقی، بصیرت افزایی که به روش تحلیل محتوای کیفی استخراج گردید. نتیجتاً، هرچه این عوامل در بین مخاطبان دین دار افزایش یابد، امکان گرفتار شدن آنها در دام تبلیغات ضد دینی کمتر خواهد بود.

کلیدواژه ها: آموزه های قرآن کریم، بصیرت افزایی، تبلیغات ضد دینی، سواد رسانه ای، فضای مجازی.

۱. استادیار گروه حقوق، واحد ورامین- پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول):

mohammad.bidgoli@yahoo.com

۲. استادیار و عضو هیات علمی، دانشکده الهیات، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران:

asgharrajabi021@gmail.com

۳. عضو هیات علمی، گروه فقه و مبانی حقوق، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران:

abbasalirostamisani39@gmail.com

درآمد

عصر حاضر مواجه با بسیاری از رسانه های جمعی و البته فضاهای مجازی با تنوع و قابلیت های گوناگون است. ارتباط گرفتن در دهکده جهانی اکنون و تبادل نظر و در کنار آن ارایه فرهنگ ها و تبلیغات غلط و غرض ورزانه درباره جناح، گروه، اشخاص و به طور خاص دین بسیار رایج و قابل دسترس است. رسانه ها در همه ابعاد زندگی افراد تاثیر گذار هستند. هر رسانه ای در قالب ساختار موجود روابط اجتماعی و شرایط فرهنگی و اجتماعی معین عمل می کند. این عوامل اجتماعی و فرهنگی در شکل دادن به عقاید، نگرش ها و رفتار مورد مطالعه نقش درجه اول دارند و انتخاب، توجه و پاسخگویی به رسانه از سوی مخاطبان را تعیین می کنند. امروزه رسانه ها دو هدف مهم را دنبال می کنند، یکی ایجاد انگیزه و هیجان در مخاطبان و دیگری ساماندهی ماهیت و کیفیت یادگیری مخاطبان می باشد. رسانه و فضای مجازی هر چند قابلیت استفاده و کاربرد مثبت در فرهنگ اسلامی و ایرانی را دارند، اما به دلیل نبود فرهنگ استفاده و نیز نداشتن آمادگی و برنامه ریزی نهادهای متولی فرهنگ و هویت دینی، در حال حاضر کارکردهای منفی بیشتری داشته اند. دین برای ورود به زندگی مردم یک جامعه و آشنا شدن آنها با این مقوله، باید تبلیغ و منتشر شود و در این راستا دین از رسانه ها در جهت انتشار و گسترش خود استفاده کرده و می نماید (دارابی، ۱۳۹۱: ۳۵۵). تبلیغ دینی راهی موثر برای روشن سازی نسل های امروز و فردا است و به خوبی می تواند در جهت آگاه سازی مردم و از بین رفتن جهل تاثیرگذار باشد؛ روش های تبلیغ دینی بسیار جاودانه و مستمر هستند و مسلماً با پیگیری و تلاش های زیاد می توان نتایج مثبتی را به همراه داشته باشد. تبلیغ دینی در فضای مجازی یکی از روش های تبلیغ دینی است، با وجود اینکه امروزه فضاهای مجازی بیشترین میزان جذب و تاثیرگذاری را بر روی افراد مختلف با سنین متفاوت دارند؛ بنابراین از اهمیت تبلیغ دینی در فضای مجازی برای تحت تاثیر قرار دادن شهروندان جامعه نباید غافل بود. امروزه میزان استفاده کنندگان از برنامه های شبکه اجتماعی بسیار افزایش پیدا کرده است؛ و مخاطبان با هدف های مختلفی از این شبکه ها استفاده می کنند. آگاهی به تبلیغ دینی در رسانه، تبلیغ دینی در فضای مجازی این امکان را فراهم می کند تا علاوه بر هدایت جامعه اسلامی، از ورود افکار دین ستیزی نیز جلوگیری شود. در این میان، ضرورت پرداختن به پژوهش های اسلامی در عرصه رسانه و فضای مجازی، به ویژه به علت تاثیر آن بر سلامت معنوی احساس می شود. رسانه و فضای مجازی با قابلیت ها و امکانات خود تأثیرات عمیقی بر جنبه های اجتماعی زندگی خانواده ها در جوامع گوناگون گذارده اند. بنابراین، پیشرفت در فناوری اطلاعات و شیوه تعاملات انسان را به شدت تغییر داده است و این تغییر بر جهان بینی و نوع نگرش افراد به زندگی نیز تأثیرگذار بوده است. اکنون در فضای

مجازی و شبکه های گسترده اجتماعی حاصل از نسل جدید اینترنت، شاهد پدیده نوینی به نام زندگی دوم هستیم، آمار اتصال به اینترنت و کاربران آن به طور تصاعدی در حال رشد است. انتشار پرشتاب اینترنت، ماهواره و فناوری های دیجیتال، ارتباط همزمان میان بخش های وسیعی از جهان را ممکن ساخته است (رحمان زاده، ۱۳۸۹: ۵۰). در این میان، ضرورت پرداختن به پژوهش های اسلامی در عرصه رسانه و فضای مجازی، به ویژه به علت تأثیر آن بر تبلیغات ضد دین احساس می شود. در پژوهش حاضر تلاش شده به این سؤال پاسخ داده شود که راهکارهای مقابله با تبلیغات ضد دینی در فضای مجازی با تأکید بر آموزه های قرآن کریم چیست؟ پژوهش حاضر توسعه ای- کاربردی بوده و بر حسب ضرورت پژوهش از روش های اسنادی و تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. یافته های این پژوهش حاکی از آن است که راهکارهای مقابله با تبلیغات ضد دینی در فضای مجازی با تأکید بر آموزه های قرآن کریم عبارتند از ارتقای سواد رسانه ای، آموزش مناسب، تولید محتوا، تقویت فضائل اخلاقی، بصیرت افزایی که به روش تحلیل محتوای کیفی استخراج گردید. نتیجتاً، هرچه این عوامل در بین مخاطبان دین دار افزایش یابد، امکان گرفتار شدن آنها در دام تبلیغات ضد دینی کمتر خواهد بود.

پیشینه پژوهش

در خصوص راهکارهای مقابله با تبلیغات ضد دینی در فضای مجازی با تأکید بر آموزه های قرآن کریم از جهت نظری و تحقیقاتی، پیشینه ای چندان قوی وجود ندارد؛ به ویژه در بر آموزه های قرآن کریم که معدودی مقاله، همه داشته های ما در این حوزه را شامل می شود. در خصوص راهکارهای مقابله با تبلیغات ضد دینی در فضای مجازی پژوهش های صورت گرفته است که در ذیل به بعضی از آنها که در برخی جنبه ها به این پژوهش نزدیک تر بودند اشاره شده است:

۱- مقاله روش شناسی تبلیغات ضد دینی در فضای مجازی و راهکارهای مقابله با آن نوشته آقایان مهدی عمروآبادی، محمد اسماعیل عبداللهی و محمد کرمی نیا با روش توصیفی- تحلیلی در سال ۱۳۹۶ انجام پذیرفته که پژوهشگران در این مقاله تلاش کرده اند با گردآوری آرا و نظرات مختلف صاحب نظران به مطالعه و بررسی راه های متنوع نفوذ دشمن و تبلیغات ضد دینی در فضای مجازی در اذهان کاربران پرداخته و با معرفی این راه ها و ارائه راهکارهای مقابله با تهاجم دشمن- در این زمینه- به واکسینه نمودن مخاطبان فضای مجازی کمک نمایند.

۲- مقاله روش های تبلیغ دین اسلام و جلوگیری از تبلیغ ضد دینی در فضای مجازی نوشته آقای علی اهنک و خانم سیده فرناز اتحاد به روش توصیفی تحلیلی در سال ۱۳۹۶ انجام پذیرفته است. پژوهش حاضر تلاش نموده است ابتدا با بیان آسیب های وارده به فرهنگ و باور مذهبی از

طریق شبکه های اجتماعی و خطرات آن برای نسل جوان، روش برخورد با چنین فضاهایی را تبیین نموده و سپس با ارائه راهکارهای مناسب، تبلیغ صحیح دین در این فضاها را ارائه و روش صحیح استفاده از این فضا در راستای فرهنگ دینی را به جوانان آموزش دهد.

۳- مقاله تبلیغ ضد دین در شبکه های اجتماعی و راهکارهای مقابله با آن نوشته آقای محمد مصطفی حسینی به روش توصیفی تحلیلی در سال ۱۳۹۵ انجام گردیده که یافته های پژوهش بیانگر این مطلب است که پایه اصلی در راهکارهای مقابله با این حملات، شفاف نمودن مسئله است؛ به گونه ای که مخاطب بتواند به خوبی حق را از باطل تشخیص دهد.

۴- مقاله آسیب شناسی روش های تبلیغ دین در فضای مجازی نوشته انسیه اسدی؛ حجت اله ایوبی و محمد سلطانی فر با روش پیمایشی در سال ۱۳۹۷ انجام پذیرفته و یافته های این مقاله اشاره دارد که فضای مجازی توانسته است مخاطبان زیادی را جذب کند و این فضا می تواند موقعیت مناسبی را برای تأثیرگذاری فرهنگی بر این مخاطبان فراهم کند ولی با وجود تلاش برخی بخشهای فرهنگی در این فضا هنوز شاهد مشکلات فرهنگی در جامعه هستیم، در این بین آسیب شناسی روش های تبلیغات دین در فضای مجازی موجب شناخت ریشه ها، علل و عوامل آسیب ها و ضعف هایی می گردد که موجب عدم کارایی تبلیغات دینی می شوند.

۵- مقاله واکاوی راهکارهای اثربخشی تبلیغ دینی در فضاهای مجازی و برون رفت از مشکلات پیش رو با تاکید بردیدگاه آیت الله مصباح یزدی نوشته آقای محمد فولادی وند با روش توصیفی تحلیلی و اسنادی در سال ۱۴۰۳ انجام پذیرفته و یافته های پژوهش حاکی از آن است که امروزه رسانه های مدرن رقیب دین، سنت ستیز، و عامل تغییر نگرش و رفتار نسل جدید شده است. از این رو، ورود جدی مبلغان دینی به فضاهای مجازی، به عنوان فرصتی مغتنم برای تبلیغ دین ضروری است. منظور از نوآوری یعنی به کارگیری توانایی های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا پژوهشی جدید. لذا مطالعه پژوهش های انجام شده نکات مناسبی را روشن می سازد، در حالی که وجه تفاوت این پژوهش این است که سعی می کند در قالب یک چارچوب نظری در عین پرداختن به راهکارهای مقابله با تبلیغات ضد دینی در فضای مجازی را نیز مورد مطالعه قرار دهد.

مفاهیم و چارچوب نظری

تبلیغات

در تعریف تبلیغات می توان گفت فعالیتی است آگاهانه و هدفمند به منظور دگرگون سازی یا تاثیر در افکار و عقاید، با آگاهی بخشی و تحریک احساسات و عواطف و آماده کردن فرد یا مردم برای پذیرش اندیشه و عقیده ای معین، با استفاده از وسایلی مانند زبان، خط، تصویر، نمایش و جز

آنها (ترابی، ۱۳۸۱: ۳۳). تبلیغات به عنوان یکی از مؤثرترین وسایل ارتباطی در جوامع مدرن، همواره به عنوان یک عامل کلیدی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مطرح بوده است. امروزه تبلیغات به معنای تحت تأثیر قرار دادن نگرش‌ها و اعمال دیگران برای تحقق یک هدف خاص است. هدف از تبلیغ هر چه باشد کوششی است منظم و برنامه‌ریزی شده برای دست‌کاری ادراک و همگرا ساختن افراد و هدایت رفتار افکار عمومی به سوی هدف صاحبان تبلیغ. صاحبان تکنولوژی برای ارائه محصول خود به مخاطب و بالا بردن میزان پذیرش وی، دست به دامن تبلیغات شده و از این ابزار برای کسب موفقیت و سود بیشتر، به شکل‌ها، رنگ‌ها و فرم‌های مختلف بهره می‌برند.

فضای مجازی

علم و فناوری به سرعت در حال پیشرفت است. به طوری که بسیاری از کارهای روزمره انسان، از طریق رسانه‌ها و فضای مجازی انجام می‌گیرد. بنابراین، سیل عظیمی از کاربران با نیازمندی‌های مختلف در فضای اینترنت وجود دارند. فضای مجازی گسترده جهانی است که شبکه‌های گوناگون رایانه‌ای در اندازه‌های متعدد و حتی رایانه‌های شخصی را، با استفاده از سخت افزارها و نرم افزارهای گوناگون و با قراردادهای ارتباطی به یکدیگر وصل می‌کند. کلیه خدمات، ابزارهای سخت و نرم، محتواها، ارتباطات، قالب‌ها و... دنیای اطلاعات و ارتباطات، شامل فضای مجازی می‌شود (کهوند، ۱۳۹۵: ۲۹). درواقع، در این تعریف به سه ویژگی فضای مجازی اشاره شده است: محیط است و نامحدود نیست؛ در قالب خدمات ارائه می‌شود؛ خدمات و ارتباطات کنترل می‌شود. در تمام تعاریف فضای مجازی، این فضا با استفاده از جلوه‌های سمعی و بصری سعی دارد تا اشیاء و واقعیت‌های سه بعدی جهان واقعی را مشابه سازی کند اما ادعا می‌شود که فاقد مادیت فیزیکی هستند. گفته می‌شود که از خصوصیات بارز این فضا بی مکانی و بی زمانی است (منتظر قائم، ۱۳۸۱: ۲۳۱).

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش توسعه‌ای بوده و از این منظر که برای رسیدن به هدف عملی مشخصی رهنمون شده از نوع پژوهش کاربردی است و از آنجا که مطالعه حاضر به لحاظ هدف، در پی تحلیل گفتمان راهکارهای مقابله با تبلیغات ضد دینی در فضای مجازی با تأکید بر آموزه‌های قرآن کریم است برحسب ضرورت از روش‌های اسنادی، تحلیل محتوی کیفی به منظور تبیین استفاده شده است. این پژوهش دارای دو جامعه آماری اسنادی و خبرگی است. جامعه اسنادی در برگیرنده مدارک منتشر شده و قابل دسترس مربوط به آموزه‌های قرآن کریم بوده است. در پژوهش حاضر، برای گردآوری داده‌ها از هر دو روش میدانی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. در پژوهش

کنونی از ابزار فیش برداری و در بخش شناسایی اجزا و مفاهیم مرتبط با گفتمان از ابزار پرسشنامه نیمه باز و تایید خبرگانی استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

در مرحله اول، فرازهایی از آموزه های قرآن کریم، انتخاب و در هر فیش، کلمات مورد نظر برای ادامه کار استخراج شده است. در مرحله بعد کلیدواژه های مرتبط با راهکارهای مقابله با تبلیغات ضد دینی در فضای مجازی توسط پژوهشگران استخراج گردید. در ادامه به منظور رعایت اختصار در گفتار، متن برگزیده ای مرتبط با موضوع این پژوهش از آموزه های قرآن کریم آمده است. با مروری بر ادبیات پژوهش و الگوهای مربوط در این زمینه، الگوی مفهومی متشکل از سه مرحله کلی کد گذاری باز، کد گذاری محوری و کد گذاری انتخابی ترسیم گردید (رهبر و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۴۱). در کد گذاری انتخابی، یافته های مراحل کد گذاری قبلی را گرفته، مقوله محوری (مضمون) را انتخاب نموده، به شکلی نظام مند آن را به دیگر مقوله ها ربط داده، روابط را اثبات کرده و مقوله های را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز داشته، تکمیل می کند (دانایی فر و امامی، ۱۳۸۶: ۲۷). در این پژوهش با بهره گیری از نرم افزار مکس کیو دی^۴ مبادرت به تحلیل محتوای کیفی آموزه های قرآن کریم شد. در بخش تحلیل محتوای کیفی، از رهیافت نظام مند استراوس و کوربین^۵ برای نظریه مبنایی که مشتمل بر کد گذاری (باز، محوری و انتخابی) تاکید دارند، استفاده شده است که می توان نمونه ای از آن را در جدول یک مشاهده نمود.

جدول ۱: نحوه استخراج مفاهیم از آموزه های قرآن کریم در موضوع راهکارهای مقابله با تبلیغات ضد دینی در فضای مجازی

نشانی	مفاهیم	آیه شریفه قرآن کریم
سوره حجرات آیه ۶	تحقیق خبر انسان فاسق نادانی مومنان پرهیز از زود باوری پشیمانی هوشیاری تفکر و بررسی بی طرفانه تشخیص حق و باطل	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَيْهِمْ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ. ای مؤمنان، هر گاه فاسقی خبری برای شما آورد تحقیق کنید، مبدا از روی نادانی به قومی رنجی رسانید و سخت از کار خود پشیمان گردید.

4. MAXQDA

5. Strauss and Corbin

نتایج حاصل از احصا واژگان کلیدی مربوط به هر یک از آموزه های قرآن کریم، به تفکیک جداول ۲ و ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۲: مفاهیم استخراج شده از آموزه های قرآن کریم در موضوع راهکارهای مقابله با تبلیغات ضد دینی در فضای مجازی

عنوان کلید واژه ها	عنوان کلید واژه ها	عنوان کلید واژه ها
بهتان (احزاب، ۵۸)	بیمار دل (احزاب، ۱۲)	منافقان (احزاب، ۱۲)
فریب (احزاب، ۱۲)	تهمت زدن (احزاب، ۵۸)	توطئه گران (احزاب، ۱۲)
نیرنگ (انفال، ۳۰)	شک (بقره، ۲۳)	گمان نیک (نور، ۱۲)
تمسخر (توبه، ۷۹)	القای یاس (آل عمران ۱۲۵)	ترور شخصیتی (احزاب، ۵۸)
شایعه سازی (احزاب، ۱۲)	جو التهاب (نور، ۱۱)	هوشیاری (نور، ۱۲)
مسئولیت پذیری (نور، ۱۱)	حرمت شکنی (نور، ۶۳)	پرهیز از غفلت (نور، ۱۱)
اضطراب (نور، ۱۱)	جنگ روانی (احزاب، ۱۲)	القای ترس (انفال، ۱۲)
هیاهو (نور، ۶۳)	سازش (حجرات، ۱۲)	ترس و وحشت (انفال، ۱۲)
تضعیف روحیه (انفال، ۱۲)	ناتوان و زبون (انفال، ۲۶)	تطمیع (انفال، ۲۶)
اطاعت از ولی (انفال، ۴۶)	ایرادگیر (بقره، ۶۴)	اتحاد (انفال، ۴۶)
زدودن روح ناامیدی (فاطر، ۳)	صبر و بردباری (انفال، ۴۶)	گفتار باطل (توبه، ۶۵)
پرهیزکاری (آل عمران ۱۲۵)	اعتماد به خدا (توبه، ۲۸)	امدادهای غیبی (فاطر، ۳)
ارتقای روحیه مشارکت جمعی (توبه، ۷۹)	عیب جویی (توبه، ۷۹)	توکل بر خداوند (آل عمران ۱۲۵)
تفکر و بررسی بیطرفانه (بقره، ۲۳)	مبارزه با توطئه گران (نور، ۱۲)	توجه به عقوبت کار (احزاب، ۵۸)
پرهیز از زود باوری (حجرات، ۶)	بررسی اخبار (حجرات، ۶)	تربیت اخلاقی جامعه (جمعه، ۲)
تقویت اعتقادات (حج، ۱۱)	برخورد سخت و قاطعانه (بقره، ۱۹۱)	تشخیص حق و باطل (یوسف، ۱۰۸)

انذار و هشدار (فاطر، ۲۳)	خیر خواهی خالصانه (آل عمران، ۱۰۴)	امید بخشی (یوسف، ۸۷)
جدال و مناظره نیکو (نحل، ۱۲۵)	امید بخشی (زمر، ۵۳)	تشویق و ترغیب (مطففین، ۲۶)
مدارا در برابر تهمت (آل عمران، ۱۵۹)	برائت از شرک و مشرکان (توبه، ۱)	بیان صریح عقاید (بقره، ۲۵۵)
استدلال و منطق متین (انبیا، ۲۲)	مهربانی و شفقت ورزی (آل عمران، ۱۵۹)	استفاده از همه فرصت ها (عصر، ۲)

در این راستا، متون منتقل شده به سامانه از طریق روش های موجود در نرم افزار maxqda ، در سامانه مربوط به کد پس از تعیین مفاهیم، کد گذاری شدند و مفاهیم کلی و انتزاعی استخراج شد (جدول ۳). برای تدقیق واژگان، از طریق ابزار پرسش نامه نیمه باز و از دوازده متخصص در حوزه پژوهش خواسته شد واژگان را به نسبت نزدیکی معنایی به موضوع، معین نمایند .

جدول ۳: فراوانی و مقولات استخراج شده از آموزه های قرآن کریم

ردیف	واژگان	فراوانی
۱	شایعه سازی (احزاب، ۱۲)	۱۲
۲	هیا هو (نور، ۶۳)	۱۱
۳	جنگ روانی (احزاب، ۱۲)	۹
۴	القای یاس (آل عمران ۱۲۵)	۷
۵	پرهیز از زود باوری (حجرات، ۶)	۶
۶	اطاعت از ولی (انفال، ۴۶)	۱۴
۷	امید بخشی (زمر، ۵۳)	۱۱
۸	استدلال و منطق متین (انبیا، ۲۲)	۸
۹	تربیت اخلاقی جامعه (جمعه، ۲)	۶
۱۰	تفکر و بررسی بیطرفانه (بقره، ۲۳)	۳
۱۱	زدودن روح ناامیدی (فاطر، ۳)	۹
۱۲	استفاده از همه فرصت ها (عصر، ۲)	۸

۱۳	جدال و مناظره نیکو(نحل، ۱۲۵)	۵
۱۴	بررسی اخبار(حجرات، ۶)	۵
۱۵	انذار و هشدار(فاطر، ۲۳)	۴
۱۶	اعتماد به خدا (توبه، ۲۸)	۱۸
۱۷	پرهیزکاری (آل عمران ۱۲۵)	۱۶
۱۸	صبر و بردباری (انفال، ۴۶)	۱۵
۱۹	امدادهای غیبی (فاطر، ۳)	۱۲
۲۰	تقویت اعتقادات (حج، ۱۱)	۱۱
۲۱	تشخیص حق و باطل (یوسف، ۱۰۸)	۱۲
۲۲	توجه به عقوبت کار(احزاب، ۵۸)	۱۰
۲۳	هوشیاری(نور، ۱۲)	۸
۲۴	مسئولیت پذیری(نور، ۱۱)	۵
۲۵	پرهیز از غفلت(نور، ۱۱)	۴
۲۶	بہتان (احزاب، ۵۸)	۲
۲۷	بیمار دل (احزاب، ۱۲)	۲
۲۸	منافقان (احزاب، ۱۲)	۳
۲۹	توطئه گران(احزاب، ۱۲)	۳
۳۰	فریب (احزاب، ۱۲)	۲
۳۱	تمسخر (توبه، ۷۹)	۳
۳۲	حرمت شکنی(نور، ۶۳)	۲
۳۳	جو التہاب (نور، ۱۱)	۱
۳۴	سازش (حجرات، ۱۲)	۲

در مرحله کد گذاری انتخابی به منظور فرایند یکپارچه سازی و بهبود مقوله ها، با استفاده از قابلیت های موجود در نرم افزار، مضمون سازی شدند و پس از تایید مضامین به روش خبرگی در نهایت، جدول ۴، حاوی مضامین و مقولات براساس آموزه های قرآن کریم برای راهکارهای مقابله با تبلیغات ضد دینی در فضای مجازی ناشی از تحلیل محتوای کیفی به دست آمد.

جدول ۴: مضامین و مقوله های مرتبط با راهکارهای مقابله با تبلیغات ضد دینی در فضای مجازی در آموزه های قرآن کریم

مضامین	مقولات	نشانی (آموزه های قرآن کریم)
ارتقای سواد رسانه‌ای	شایعه سازی هیاهو جنگ روانی القای یاس پرهیز از زود باوری	(احزاب، ۱۲) (نور، ۶۳) (احزاب، ۱۲) (آل عمران ۱۲۵) (حجرات، ۶)
آموزش مناسب	اطاعت از ولی امید بخشی استدلال و منطق متین تربیت اخلاقی جامعه تفکر و بررسی بیطرفانه	(انفال، ۴۶) (زمر، ۵۳) (انبیاء، ۲۲) (جمعه، ۲) (بقره، ۲۳)
تولید محتوی	زدودن روح ناامیدی استفاده از همه فرصت ها جدال و مناظره نیکو بررسی اخبار انذار و هشدار	(فاطر، ۳) (عصر، ۲) (نحل، ۱۲۵) (حجرات، ۶) (فاطر، ۲۳)
تقویت فضائل اخلاقی	اعتماد به خدا پرهیزکاری صبر و بردباری امدادهای غیبی تقویت اعتقادات	(توبه ، ۲۸) (آل عمران ۱۲۵) (انفال، ۴۶) (فاطر، ۳) (حج، ۱۱)
بصیرت افزایی	تشخیص حق و باطل توجه به عقوبت کار هوشیاری مسئولیت پذیری پرهیز از غفلت	(یوسف، ۱۰۸) (احزاب، ۵۸) (نور، ۱۲) (نور، ۱۱) (نور، ۱۱)

گزاره های صریح با مفاهیم ضمنی مستخرج از تحلیل محتوای کیفی آموزه های قرآن کریم نشان می دهد که راهکارهای مقابله با تبلیغات ضد دینی در فضای مجازی شامل ارتقای سواد رسانه ای، آموزش مناسب، تولید محتوای، تقویت فضائل اخلاقی، بصیرت افزایی بیش از سایر مفاهیم در این گفتمان برجسته بوده اند.

راهکارهای مقابله با تبلیغات ضد دینی در فضای مجازی با تاکید بر آموزه های قرآن کریم

مسلمانان قرآن را رسانه ای می دانند که پیام خدا را به بشر ابلاغ می کند بنابراین مهمترین اصول ارزشی، دیدگاه ها و مواضع این رسانه الهی را می توان مبنای سیاست گذاری برای رسانه های همگانی قرار داد (محمدی، ۱۳۹۳: ۱۲۳). ایجاد تزلزل و اضطراب، ناامن ساختن جو جامعه، ساختن و انتشار دادن شایعات دروغ و آکنده ساختن جامعه از اتهامات گوناگون نسبت به افراد و شخصیت ها عناصر تشکیل دهنده یک جنگ روانی است (خاتمی، ۱۳۷۹: ۱۲۱). لذا می توان با عنایت به مفاهیم مستخرج از تحلیل محتوای کیفی به مهمترین راهکارهای مقابله با تبلیغات ضد دینی در فضای مجازی با تاکید بر آموزه های قرآن کریم می توان اشاره داشت:

ارتقای سواد رسانه ای

عبارت سواد رسانه ای به دانش، مهارت ها و توانایی های اشاره دارد که برای استفاده از رسانه ها و تفسیر آنها مورد نیاز است (باکینگهام، ۱۳۹۹: ۸۲). امروزه صاحب نظران علوم ارتباطات و رسانه، توانایی و قدرت دسترسی، تحلیل، ارزیابی و انتقال اطلاعات و پیام های رسانه ای را که می توان در چارچوب های مختلف چاپی و غیر چاپی عرضه نمود سواد رسانه ای می گویند (کانسیداین، ۱۳۷۹: ۲) به بیان دیگر سواد رسانه ای عبارت است از قدرت درک نحوه کار رسانه ها و معنی سازی در آنها و چگونگی سازمان دهی استفاده از آنها (شکرخواه، ۱۳۸۰: ۷۳). در گذشته سواد رسانه ای یک مزیت نسبی و موضوع محدود به یک عده افراد بود. به نظر می رسد فضای رسانه ای کشور وارد یک نزاع و تقابل قوی و جنگ شناختی شده است، که با توجه به فراگیری گسترده رسانه های اجتماعی و مجازی، سواد رسانه ای به یک ضرورت تبدیل شده است. امروز در جامعه بعضا با تروریسم رسانه ای مواجه هستیم. با توجه به تنوع گسترده شبکه های اجتماعی نیازمند ارتقای سواد رسانه ای و مصون بخشی مخاطب هستیم. در جنگ شناختی هم مانند جنگ روانی، اگر به سواد رسانه ای مسلح باشیم می توانیم تا حد زیادی از مغلوب شدن نجات پیدا کنیم. اما این سواد رسانه ای باید آحاد جامعه از مردم و مسئولان را در برگیرد. سواد رسانه برای مسئولان و افراد تاثیرگذار در جامعه، چندین برابر افراد عادی جامعه اهمیت دارد. اگر یک فرد اثرگذار با سواد رسانه ای آشنا نباشد می

تواند در جنگ شناختی به مهره ای ارزشمند برای دشمن تبدیل شود. افراد تاثیرگذار با اقدامات و اظهارات غلط و حاشیه برانگیز گل های زیادی را روانه دروازه خودی می کنند. امروز در جامعه بعضا با تروریسم رسانه ای مواجه هستیم. با توجه به تنوع گسترده شبکه های اجتماعی نیازمند ارتقای سواد رسانه ای و مصون بخشی مخاطب هستیم (رجبی ده برزوئی و بیدگلی، ۱۴۰۳: ۱۷۲).

در سواد رسانه ای ابتدا باید این مطلب را فرا بگیریم که در مواجهه با هر پیامی چه دیداری چه شنیداری و چه مکتوب پنج سوال کلیدی را باید از خود بپرسیم که این سوالات عبارتند از اینکه از خود پرسید چه کسی چه می گوید برای چه کس یا کسانی با چه تکنیک ها و شگردهایی و با چه انگیزه و تاثیری. اینکه ما عناصر و ارزش های خبری ای داریم که مهمترین آنها در سواد رسانه ای چرایی و چگونگی پیام یعنی تجزیه و تحلیل پیام مهم است. ما حتی در قرآن هم متن و فرامتن داریم. فرامتن قرآن همان معنی، آیات و تفاسیر آیات است. در قرآن به مباحث سواد رسانه ای به خوبی اشاره شده و می توان آیات قرآن را براساس وظیفه مخاطب در مواجهه با پیام ها دسته بندی کرد. آیاتی که به شناسایی منبع پیام تاکید دارد، آیاتی که به مواجهه آگاهانه با پیام اشاره دارد، آیاتی که چگونگی مواجهه با پیام های باطل را بیان می کند، آیاتی که بر لزوم توجه به پیام و نه صرفاً پیام رسان تاکید دارد و آیاتی که به پرهیز از هیجان زدگی در مواجهه با پیام اشاره دارد. ما می توانیم این تقسیم بندی ها را گسترش بدهیم. آیه ۱۸ سوره زمر به مواجهه آگاهانه با پیام تاکید می کند و آیه ۳۶ سوره اسری که در آن آمده است از هر چیزی که به آن علم ندارید پیروی نکن که در مواجهه آگاهانه با پیام تاکید دارد. در آیه ۷۱ سوره آل عمران هم بر چگونگی برخورد با پیام های نادرست اشاره شده است و در این آیه آمده «ای اهل کتاب چرا حق را به باطل مشتبه می کنید.

در قرآن کریم در این خصوص می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ. (حجرات، ۶). ای مؤمنان، هر گاه فاسقی خبری برای شما آورد تحقیق کنید، مبدا از روی نادانی به قومی رنجی رسانید و سخت از کار خود پشیمان گردید.

آموزش مناسب

به طور کلی، برای حضور گسترده و مؤثر در فضای مجازی، سرمایه گذاری کلانی باید انجام داد تا به مرور از حالت تدافعی خارج شویم و آرایش تهاجمی به خود بگیریم؛ ضمن آنکه باید اقدامات سلبی، مانند منهدم ساختن وبگاه های ضد اخلاقی، دستگیری و مجازات عوامل آنها را نیز انجام داد. از طرف دیگر، نمی توان جوانان را به بهانه مصون ماندن از خطرات آلودگی فضای مجازی، از استفاده صحیح از فضای مجازی محروم نمود؛ بلکه مدارس و خانواده ها باید شیوه بهره گیری صحیح از اینترنت را به جوانان و نوجوانان بیاموزند و ماهیت آن را شرح دهند. همچنین، جوانان را از تبعات

و آثار سوء وبگاه‌های ضد اخلاقی و اهداف شوم گردانندگان آن، آگاه ساخت(عمر و آبادی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۵).

در خصوص آموزش مناسب قرآن کریم می‌فرماید: ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (نحل، ۱۲۵). با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن! پروردگارت، از هر کسی بهتر می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده است؛ و او به هدایت‌یافتگان داناتر است.

تولید محتوای مناسب

تولید، در برگیرنده امر شناخت است که بر مبنای آن متن‌های رسانه‌ای به طور آگاهانه ساخته می‌شوند (باکینگهام، ۱۳۹۹: ۱۰۸). رسانه‌ها انواع گوناگونی از اطلاعات و محتوای را انتقال داده و شیوه‌های را که افراد، زندگی اجتماعی را تفسیر کرده و نسبت به آن واکنش می‌دهند را با کمک نظم دادن به تجربه ما از زندگی اجتماعی، قالب ریزی می‌کنند (گیدنز، ۱۳۸۹: ۴۷۹). در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته است و افراد زیادی علاقمند به فعالیت در این زمینه شده‌اند. اما یکی از مشکلات بسیار مهمی که تولیدکنندگان محتواهای مذهبی با آن برخورد می‌کنند و متأسفانه باعث ایجاد شک و تردید شبهه در خوانندگان مطالب خودشان می‌شوند تولید محتوا مذهبی بدون داشتن اطلاعات کافی در زمینه‌های مذهبی می‌باشد. اولین چیزی که شما برای تولید محتوا در هر زمینه‌ای به آن نیاز دارید اطلاعات دقیق و کامل و قابل اعتماد می‌باشد و زمانی که می‌خواهید برای یک موضوع دینی و مذهبی که در هر جامعه‌ای از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می‌باشد تولید محتوا کنید این موضوع اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد عدم ارائه مناسب محتوا را هم در بخش دینی و هم در بخش غیردینی شاهد هستیم که البته این مشکل در بخش دینی بیشتر مشهود است؛ بنابراین باید برنامه‌ریزی و اقدام جدی در خصوص ارائه محصولات و محتواهای دینی به مخاطبان انجام دهیم و با توجه به شرایط جدیدی که در بحث رسانه‌های مجازی و ظرفیت‌های جدید به وجود آمده است، بایستی به سمت تبدیل این محتواها به محتوای دیجیتال حرکت کنیم و محتوای فاخر را در مرکب فضای مجازی بنشانیم و در اختیار مخاطبان قرار دهیم.

قرآن در باره توجه به تولید محتوای مناسب می‌فرماید: وَالْعَصْرِ - إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (عصر، ۱-۲) سوگند به عصر، [که] بی‌تردید انسان در زیان کاری بزرگی است.

تقویت فضائل اخلاقی

مسائل اخلاقی در هر زمان از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار بوده ولی در عصر و زمان ما اهمیت ویژه‌ای دارد چرا که عوامل و انگیزه‌های فساد در عصر ما از هر زمانی بیشتر است. اکتساب صفات پسندیده اخلاقی و منزه کردن قلب از رذائل اخلاقی از مهم‌ترین مباحث قرآنی و از یک نظر مهم‌ترین هدف بعثت انبیای الهی را تشکیل می‌دهد. اسلام به عنوان دین اخلاق مدار، اهتمام فراوانی به شکوفایی و پرورش فضایل اخلاقی در انسان‌ها دارد (آیت الهی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۳). پژوهش محوری سیاست‌ها، تصمیمات و اقدامات در حوزه فرهنگ دینی، باید دارای اهداف و چشم اندازه‌هایی باشد که مورد تایید صاحبان فکر و اندیشه قرار گرفته تا بتوان نسبت به تعمیق و نشر ارزش‌های این مهم گام‌های موثری برداشت. جامع‌نگری درسیاست گذاری، برنامه ریزی و اجرای برنامه‌های فرهنگی، همراه با متناسب بودن این برنامه‌ها با شرایط و اقتضای سنی مخاطب در موسسات و مراکز دولتی و غیردولتی، می‌تواند سبب ارتقا سطح عقلانیت و مهارت‌های فردی و اجتماعی جامعه گردد.

قرآن کریم دستور به استقامت در برابر دشمنان و در مقابل حوادث سخت می‌دهد و می‌گوید: استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۱۹۵). همچنین در خصوص تقویت فضائل اخلاقی بیان می‌فرماید: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا (طلاق، ۲). مؤمنان به خدا و روز قیامت به آن اندرز داده می‌شوند. و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند.

بصیرت افزایی

بصیرت در آموزه‌ها و فرهنگ قرآنی، حالتی است که به انسان توانایی درک درست حقایق و تحلیل واقعیت‌ها را می‌دهد (غرسبان روزبهانی و شیخ حسینی، ۱۴۰۱: ۳۰۱). منظور از بصیرت دینی، نوعی بینش عمیق درباره حق و حقیقت است که در رفتارهای فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی بروز و نمود دارد و موجب می‌شود انسان در همه عرصه‌ها، به ویژه عرصه اجتماعی سیاسی، رفتاری همسو باحق داشته باشد. در رأس مبانی بصیرت، قرآن کریم قرار دارد؛ چرا که قرآن، کتاب هدایت، نور، تبیان کل شیء و کتاب بصائر است. در سوره مائده، آیه ۱۵ درباره قرآن می‌خوانیم: قد جاءكم من الله نور و کتاب مبین. هر رسانه بسته به نوعش و نحوه پردازش موضوعاتش و دامنه انتشار و نفوذش بر گروهی از افراد جامعه اثر می‌گذارد و گروهی را مخاطب خود قرار می‌دهد (زورق، ۱۳۹۲: ۱۸). منظور از آگاهی و بصیرت دینی، نوعی بینش عمیق درباره حق و حقیقت است که در رفتارهای فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی بروز و نمود دارد و موجب می‌شود انسان در همه عرصه‌ها، به ویژه عرصه اجتماعی سیاسی، رفتاری همسو باحق داشته باشد. در رأس مبانی بصیرت، قرآن کریم قرار

دارد؛ چرا که قرآن، کتاب هدایت، نور، تبيان كل شيء و کتاب بصائر است. در سوره مائده، آیه ۱۵ درباره قرآن می‌خوانیم: «قد جاءكم من الله نور و کتاب مبين» اهمیت و جایگاه بصیرت، روشن بینی و درک درست از شرایط و فضاها. اگر بخواهیم نهال ایمان در ما پابرجا باشد، باید ریشه‌های عمیق آن در زمین دل ما، گسترده شده باشد؛ در این صورت است که کسی نمی‌تواند با یک سخنرانی، مقاله یا فیلم، آن را سست کند. کسانی هم اکنون می‌کوشند تا به هر قیمتی، ایمان را از جوانان این مرز و بوم بگیرند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ۱۸). علامه طباطبائی در تفسیر شریف المیزان بیان می‌کند: استخفاف گناه اگر در عرصه اجتماع و به صورت عمومی اتفاق افتد و قبح گناه در جامعه از بین برود، آثار زیانباری را بر جای خواهد گذاشت تا جائیکه در انجام گناه حق برای افراد ثابت می‌شود و در این حالت، دیگر اصلاً شناخت ناهماهنگ برای ایشان پیش نمی‌آید، چرا که انجام گناه را حق قانونی و طبیعی خود می‌داند (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۰/۳۴۱).

معمولاً شایعه را دشمن سفارش و منافقین تولید می‌کنند و افراد ساده لوح آن را می‌پذیرند (عبداللهی عابد و وجدی، ۱۳۹۴: ۱۱۷). چنان است که قرآن کریم یکی از ویژگی‌های پیامبر اکرم (ص) و پیروانش را داشتن بینش صحیح در رفتارها و کردارها می‌داند: (قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي)؛ «بگو این راه من است. من و پیروانم با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم». (یوسف، ۱۰۸).

نتیجه

دنایای امروز، دنایای تلویزیون، ماهواره، کامپیوتر، اینترنت و تلفن همراه است؛ این تکنولوژی‌های جدید چنان با سرعت وارد زندگی بشر شده و راه نفوذ خود را ادامه می‌دهد که نمی‌توان از کنار آنها با بی‌تفاوتی گذشت؛ بلکه باید با آنها با روش صحیح برخورد نمود تا بیشترین سود و استفاده حاصل آید؛ همچنان‌که پیامدهای مثبت تکنولوژی‌های نو در کیفیت زندگی انسان، قابل انکار نیست. به نظر می‌رسد آنچه که همیشه مورد هجوم و آسیب بوده است فرهنگ و متن اصلی دین و باورهای الهی است که در فضای مجازی نیز دستخوش آسیب و تبلیغات ضد دین شده است. عرفان‌های نو ظهور، پدیده‌های داعشیسم و بسیاری از شبکه‌ها و گروه‌های شبه دین با تغییر ظاهر و پوسته دین آن را به صورتی دیگر به جهانیان خصوصاً جوانان نشان داده‌اند و در این میان هجوم و آسیبی که به دین اسلام وارد می‌کند بسیار قابل توجه است. فضای مجازی باید بتواند با راه اندازی شبکه‌ها، گروه‌ها و لینک‌های صحیح ترویج فرهنگ اسلام و ارایه صحیح از تفاسیر و منابع قرآنی چهره واقعی دین را نشان دهد و همزمان با تبلیغات ضد دینی مبارزه کند. در صورت عدم مدیریت صحیح نیز ممکن است تأثیرات مضر آن بر زندگی کودکان و نوجوانان غیرقابل جبران باشد. در دنایای امروز

رسانه و فضای مجازی تأثیر به سزایی در زندگی انسان‌ها دارند و روز به روز با توسعه علم و فناوری اطلاعات، بر اثرگذاری آن افزوده می‌شود. رسانه و فضای مجازی مانند دو روی یک سکه است، این انتخاب ماست که از روی مثبت یا از روی منفی آن استفاده کنیم. یافته های این پژوهش حاکی از آن است که راهکارهای مقابله با تبلیغات ضد دینی در فضای مجازی با تاکید بر آموزه های قرآن کریم عبارتند از ارتقای سواد رسانه ای، آموزش مناسب، تولید محتوی، تقویت فضائل اخلاقی، بصیرت افزایی که به روش تحلیل محتوای کیفی استخراج گردید. پیشنهاد می گردد ارتباط عمیق و گسترده با مردم و جوانان و هدایت و حمایت فکری و فرهنگی آحاد جامعه، تکلیفی ساقط نشدنی برای دانشگاهیان و حوزه های علمیه است و ضروری است تا همه استادان و طلاب حوزه با آمادگی کامل، به تناسب ظرفیت، مهارت و دانش خود سهم و برنامه‌ی مشخصی را برای ارتباط گیری و تبیین در فضای پیرامونی خود تعریف کنند. از سوی دیگر ارتقای ابزارهای سواد رسانه‌ای و نحوه استفاده از شبکه‌های اجتماعی از طریق آموزش به مردم برای حفاظت از مردم در این خصوص تبیین گردد.

منابع

علاوه بر قرآن کریم،

۱. آیت اللهی، زهرا؛ بانکی پور فرد، امیرحسین؛ حسینی، شیما سادات؛ حکمت نیا، محمود؛ سیاح، مونس؛ محمودی، محمد جواد؛ نامجو، بتول (۱۳۹۳)، *دانش خانواده و جمعیت*، تهران: نشر معارف
۲. باکینگهام، دیوید (۱۳۹۹)، *آموزش رسانه، یادگیری، سواد رسانه ای و فرهنگ معاصر*، ترجمه حسین سرافراز، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۳. ترابی، علی اکبر (۱۳۸۱)، *جامعه شناسی تبلیغات*، تهران: نشر فروزش.
۴. خاتمی، سیداحمد (۱۳۷۹)، *سیمای نفاق در قرآن*، قم: شفق.
۵. دارابی، علی (۱۳۹۱)، *درآمدی بر جامعه شناسی ارتباطات، فرهنگ و رسانه*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۶. دانایی فرد، حسن؛ امامی، سیدمجتبی (۱۳۸۶)، «استراتژی های پژوهش کیفی: تاملی بر نظریه پردازی داده بنیاد»، *دوفصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی*، شماره ۲، صص ۲۷۲-۲۴۷.
۷. رحمان زاده، سیدعلی (۱۳۸۹)، «کارکرد شبکه های مجازی در عصر جهانی شدن»، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*، دوره یک، شماره یک: ۱-۱۸.

۸. رجبی ده برزوئی، اصغر؛ بیدگلی، محمد (۱۴۰۳)، *مهمترین فرصت ها و چالش های پیش روی انقلاب اسلامی ایران*، تهران: انتشارات مهر وطن.
۹. رهبر، فرهاد؛ سیف‌الله مراد؛ فرج الله زاده، محمد (۱۳۹۹)، «تبیین گفتمان اندیشه ها، آراء، نظرات و رهنمودهای حضرت امام خامنه ای مدظله در زمینه مقابله با تحریم های اقتصادی»، *فصلنامه علمی مطالعات بین رشته ای دانش راهبردی*، سال دهم، شماره ۴۰، صص ۳۵۴-۳۱۹.
۱۰. زورق، محمد حسن (۱۳۹۲)، *ارتباطات و آگاهی*، تهران: نشر سروش.
۱۱. شکرخواه، یونس (۱۳۸۰)، «نیاز مخاطبان به سواد رسانه‌ای»، *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، سال هشتم، شماره ۲۶، صص ۸۳-۷۳.
۱۲. طباطبائی، سیدمحمد حسین (۱۴۱۷)، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، تهران: نشر امیرکبیر.
۱۳. عبداللهی عابد، صمد؛ وجدی، فاطمه (۱۳۹۴)، بررسی جنگ نرم در آیات قرآن»، *فصلنامه علمی، پژوهشی مطالعات تفسیری*، شماره ۱۵، صص ۱۴۰-۱۱۷.
۱۴. عمروآبادی، مهدی؛ عبداللهی، محمداسماعیل؛ محمد کرمی نیا (۱۳۹۹)، «روش شناسی تبلیغات ضد دینی در فضای مجازی و راهکارهای مقابله با آن»، *فصلنامه ره‌آورد نور*، صص ۳۰-۱.
۱۵. غرسان روزبهرانی، مرتضی و شیخ حسینی، مختار (۱۴۰۱)، «مبانی و شاخصه‌های سیاسی انتظار راهبردی در مکتب شهید سلیمانی»، *فصلنامه مهدویت*، شماره ۶۱، صص ۳۲۲-۲۷۶.
۱۶. کانسیداین، دیوید (۱۳۷۹)، *درآمدی بر سواد رسانه*، ترجمه ناصر بلیغ، تهران: اداره کل تحقیق و توسعه صدا.
۱۷. کهوند، محمد (۱۳۹۵)، *شبکه عنکبوتی*، قم: انتشارات ذکری.
۱۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹)، *جامعه شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
۱۹. محمدی، فرشته (۱۳۹۳)، «ویژگی‌های رسانه تاثیر گذار منطبق بر آموزه‌های دینی»، *فصلنامه مطالعات رسانه و امت*، سال اول، صص ۱۴۷-۱۲۲.
۲۰. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۳)، *زالال نگاه*، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. منتظر قائم، مهدی (۱۳۸۴)، اینترنت، سرمایه اجتماعی و گروه های خاموش»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، دوره یک، شماره ۴: ۲۴۵-۲۲۳.

بررسی رابطه زنان با مهدویت و جریانات فکری فمینسم

مینا حبیب‌نیا^۱

مهدی مکانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۹، صفحه ۱۰۹ تا ۱۳۰ (مقاله پژوهشی)

چکیده

اظهار ارادت به حضرت مهدی (عج) از یک سو نیازمند شناخت آن وجود مقدس و از سوی دیگر مستلزم شناخت خویشتن و مسئولیت‌ها و وظایفی است که برعهده‌ی انسان‌هاست در این راه، شناخت و آگاهی کافی نیست بلکه اقدام عملی نیز لازم است. بی شک ویژگی‌های شخصیتی زنان با سپردن مسئولیت فرزندآوری و تربیت نسل از سوی خداوند متعال به آن‌ها بی ارتباط نیست و اگر در روایات آماده شدن افراد جامعه برای پذیرش حکومت جهانی حضرت مهدی آمده است بی تردید نسل مؤمن و آماده، بدون ایفای نقش زنان به عنوان تربیت کنندگان این نسل سخنی دور از واقع است فمینسم هویت زنان را با حربه‌های فریبنده‌ای چون اشتغال و فعالیت‌های اجتماعی با راهکارهایی مثل سقط جنین و آزادی‌های نامحدود جنسی، زنان را برده‌ی هواهای نفسانی مردان قرار دادند نتیجه نهضت زنان در غرب چیزی جز بحران خانواده و بحران مادری نبوده است این پژوهش ترویجی با هدف بررسی ارتباط زنان در دوران مهدویت و جریانات تفکرات فمینسم مورد مطالعه قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: مهدویت، انتظار، زنان، تفکرات فمینسم.

۱. گروه پرستاری، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران (نویسنده مسئول):

mina.habibnia2014@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد مدیریت منابع انسانی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران.

mehdimakani9799@gmail.com

مهدویت از مفاهیمی است که در طول تاریخ همواره راه نجات از ظلم و ستم بوده است، چرا که عدالت مهدوی اقتضا می‌کند که مسلمانان در برابر ظلم و ستم ایستادگی کنند. برای پی بردن به این اندیشه نیازمندیم تا به واکاوی مفهوم مهدویت و معانی گوناگون آن پرداخته شود. مهدویت اندیشه و باوری است که مورد پذیرش و اعتقاد همه مسلمانان بوده و به عنوان یک حقیقت دینی - اسلامی قلمداد می‌شود. مهدویت در اسلام از مفاهیمی است که می‌توان در ابعاد گوناگون به آن نگریست. اما قبل از پرداختن به ابعاد گوناگون اندیشه مهدوی باید به مفهوم‌شناسی مهدویت پرداخته شود. مهدویت یعنی معتقد بودن به وجود مهدی (عج). گاهی نسبت بیش از این حیث لحاظ می‌شود؛ یعنی رفتار هم رفتار مهدی‌پسند باشد یا رفتاری باشد که از او اخذ و الهام گرفته شده باشد. مهدویت در اصطلاح یعنی روش، رفتار، فکر و عقیده‌ای که به حضرت مهدی (عج) انتساب داشته باشد. پس مهدویت یعنی معتقد بودن به وجود حضرت مهدی (عج) و طریقه و یا رفتاری که منتسب به اعتقاد و باور به حضرت مهدی (عج) باشد، مهدویت گفته می‌شود. (عمید، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۳۳) زمینه سازی و آمادگی برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات، بیان گر اهمیت نقش مردان و زنان مؤمن است (ابراهیم شفيعی سروستانی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۶ - ۱۸۰، با تلخیص)

زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، منتظران راستینی هستند که در انتظار حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف روز شماری می‌کنند و در این زمینه، جنسیت معنایی ندارد؛ تنها تفاوت، به چگونگی کارایی هر یک از مردان و زنان برمی‌گردد. در نظام اسلامی، زن و مرد از نظر حقیقت وجودی یکسان هستند و ملاک برتری انسان‌ها در تقواست (محمدری شهری، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۸۴). چنان که خداوند می‌فرماید: «گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست» «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» و معیار پاداش انسان‌ها بر اساس عمل صالح است و تفاوتی بین زن و مرد نمی‌باشد. هم‌چنین در جای دیگری می‌فرماید: «و هر کس کار شایسته کند - چه مرد باشد یا زن - در حالی که ایمان داشته باشد، در نتیجه آن داخل بهشت می‌شود (نُ عَمَلٌ سَيِّئَةٌ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ)

صرف نظر از حقیقت وجودی انسان‌ها، نمی‌توان تفاوت‌های ظاهری و جسمی و روانی مرد و زن را نادیده گرفت. هر یک طبق نظام خلقت، دارای جایگاه ویژه‌ای می‌باشند؛ بنابراین قراردادن هر یک در جایگاه صحیح خود موجب رشد و شکوفایی آنها می‌گردد. آشنایی با وظایف منتظران واقعی و عمل به آنها در سطح افراد و جامعه، موجب اصلاح جامعه می‌گردد و مقدمات ظهور را مهیا می‌سازد و آگاهی لازم را در پیروان و یاران راستین او فراهم می‌آورد. بنابراین وظیفه هر مسلمان مدعی،

حمایت ولایت است که با وظایف خود آشنا گردد و درصدد عمل به آنها برآید. در بعضی روایات آمده است که برخی زنان مانند مردان اولین کسانی هستند که گرد امام جمع شده و باحضرت بیعت میکنند. امام باقر(ع) فرمود: سوگند به خدا! سیصد و اندی نفر بدون وعده پیشین گرد میآیند و میان آنها پنجاه زن است (بحارالانوار، ۱۳۱۵ق، ج ۵۲، ص ۲۲۳).

برپایه بعضی روایات نقش زنان در زمان حضور به نقش زنان در زمان پیامبر(ص) تشبیه شده است. (بیان الائمه، ۱۹۴۴-م، ج ۳، ص ۳۳۸، به نقل از نجم الدین طوسی، همان، ص ۶۹). در بعضی روایات دیگر تصریح شده است که زنان در بخش درمان و بهداشت مشغول فعالیت هستند. امام صادق(ع) فرمود: همراه حضرت سیزده زن هستند... زخمیها را مداوا میکنند و از بیماران پرستاری مینمایند؛ هم چنان که همراه رسول خدا بودند. (دلائل الامامه، ۱۴۱۳ق، ص ۲۵۹). در بعضی روایات دیگر حتی اسامی تعدادی از زنان بیان شده است که در حکومت و قیام امام زمان(ع) نقش میآفرینند (خصائص فاطمیه، ۱۳۸۰، ص ۳۴۳، به نقل از نجم الدین طوسی، همان، ص ۷۰). نقش زنان در عصر ظهور به علت جایگاه ویژه آنها در خانواده نقشی بی بدیل است. بنابراین، آگاهی آنها از نقشهای خاصشان در عرصه خانواده و جامعه میتواند زمینه ساز پرورش نسلی بامسئولیت و پیرانگیزه شود.

سعی جنبشهای فمینیستی به ظاهر در مبارزه برای حقوق زنان است؛ از جمله این حقوق حق رای، حق کار، حق کار دولتی، درآمد یکسان، پرداختی برابر میان زنان و مردان و از بین بردن فاصله موجود در این مسئله، حق مالکیت، حق تحصیل، حق امضای قرارداد، حقوق برابر در ازدواج و حق مرخصی زایمان است. فمینیستها همچنین برای یکپارچه سازی اجتماعی و تضمین حق سقط جنین قانونی برای زنان تلاش کرده اند. از دیگر اهداف آنان محافظت از زنان و دختران در برابر تجاوز جنسی، آزار جنسی و خشونت خانگی است (اچولس، آلیس، ۱۹۸۹-م) و تغییر در نوع پوشش و نوع نگاه جامعه به فعالیت های فیزیکی نیز معمولاً بخشی از جنبش های فمینیستی بوده است (روبرتس جاکوب، ۲۰۱۷-م).

برخی از محققان، فمینیسم را محرک اصلی تغییرات اجتماعی برای حقوق زنان در طول تاریخ می دانند؛ این موضوع به خصوص در غرب پررنگ تر است؛ جایی که این جنبش را تا حد زیادی زمینه ساز دستیابی به حق رای زنان، زبان فراگیر، حقوق باروری) شامل دسترسی به راه های پیشگیری از بارداری و سقط جنین قانونی، حق امضای قرارداد و مالکیت می شناسند (مسیر-دویدو، الین ۲۰۰۲-م) با وجود اینکه تمرکز اصلی فمینیسم بر روی حقوق زنان است، برخی فمینیست ها مانند بل هوکس محدودیت در آزادی های مردان را بخشی از اهداف خود می دانند؛ زیرا باور دارند مردان نیز

از نقش‌های سنتی جنسیتی آسیب می‌بینند (هوکس بل، ۲۰۰۰) نظریه فمینیست، که از دل جنبش‌های فمینیستی برخاسته، به دنبال درک ماهیت نابرابری جنسیتی با استفاده از تجزیه و تحلیل نقش اجتماعی زنان و تجربه زندگی آنان است. (چودورو، نانسی، ۱۹۸۹-م).

فمینیسم یک گرایش و مکتب واحد نیست. فمینیستها به این سوال که اساساً چرا وضع زنان چنین است و راه حل آن چگونه است، پاسخ واحدی ارائه نداده‌اند. از نظر اخلاقی فمینیستها دارای یک ایده و سبک واحد نبودند، صور فمینیسم هم با اعتلا و ارتقای عفت و پاکدامنی و هم با ایجاد روابط جنسی آزاد پیوند داشته است. فمینیسم همانند بیشتر ایدئولوژیها تداخل‌ها و ناهماهنگی‌هایی در ارزشهای بنیادین خویش دارد، که این مسائل باعث ظهور گرایشها و مکاتب متعدد در درون فمینیستها می‌گردد.

طرح مسأله

انتظار در اصطلاح «مهدویت»، به معنای چشم‌به‌راه بودن ظهور واپسین ذخیره الهی و آماده شدن برای یاری او در برپایی حکومت عدل و قسط در سراسر گیتی است. برخی بزرگان، با بهره‌مندی از سخنان پیشوایان معصوم (علیهم السّلام) انتظار را این گونه معنا کرده‌اند: کیفیتی روحی است که باعث به وجود آمدن حالت آمادگی (انسان‌ها) برای آنچه انتظار دارند، می‌شود و ضد آن یأس و ناامیدی است. هرچه انتظار بیشتر و هرچه شعله آن، فروزان‌تر و پر فروغ‌تر باشد، تحرک و پویایی او و در نتیجه آمادگی نیز بیشتر خواهد بود (موسوی اصفهانی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۳۵).

امام خمینی انتظار فرج را انتظار قدرت اسلام و کوشش برای تحقق این قدرت در عالم می‌داند. خمینی، روح الله، صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۳۷۴) ایشان دو تفسیر از انتظار فرج بیان می‌کند که یکی صحیح و سازنده و دیگری غیر صحیح و باطل است. حضرت امام درباره انتظار حقیقی و منتظران واقعی و فرق آنان با مدعیان دروغین این مکتب، به افرادی اشاره می‌کند که هر کدام به نوعی دچار کج‌فهمی و انحراف از معارف و اهداف شیعی و اسلامی شده‌اند. در اندیشه امام خمینی تفسیر انتظار به گونه‌ای است که با روح و حقیقت اسلام سازگار است؛ زیرا انتظار فرج که آموزه‌ای دینی و مذهبی است باید به نحوی مطرح شود که روحیه تحرک و پویایی در جهت تکامل معنوی، احیای معارف اسلامی و نشر حقایق دینی در میان افراد بشر ایجاد کند و مردم را به سوی زندگی همراه با معنویت پیش ببرد. امام هر گونه برداشت از مفهوم انتظار را که موجب فریب مردم شود به شدت نقد و نکوهش کرده است. از جمله برداشت‌های نادرست از انتظار فرج در نگاه امام خمینی این است که برخی از مؤمنان، صرف عمل به تکلیف خود و امر به معروف و نهی از منکر و نشستن و دعا برای انتظار فرج و بی توجه بودن به مسائل مهم امت اسلامی را انتظار فرج می‌دانند، امام ریشه این تفکر و اعتقادات را برداشت غلط از برخی روایات می‌داند که تشکیل هر حکومتی را پیش از ظهور امام

عصر، طاغوت و در تضاد با انتظار فرج است (خمینی، روح الله، صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۱۶-۱۳) به اعتقاد امام خمینی کسانی که افزایش گناه و معصیت را زمینه ظهور امام زمان (علیه السلام) می‌دانند یا حتی مردم را دعوت به گناه می‌کنند تا دنیا پر از جور و ظلم شود و آن حضرت ظهور کند، عده‌ای منحرف و ساده‌لوح هستند (خمینی، روح الله، صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۱۴). امام خمینی یکی از وظایف منتظران را تشکیل حکومت در زمان غیبت می‌داند؛ (خمینی، روح الله، ولایت فقیه، ۱۳۷۲، ص ۵۰)، از این رو به اعتقاد ایشان وظیفه مسلمانان فراهم‌سازی مقدمات ظهور آن حضرت با استقرار حکومت دینی می‌باشد (خمینی، روح الله، دانشنامه امام خمینی، ۱۳۹۹، ج ۹، ص ۶۴۷)

بر همین اساس، باید چارچوبی برای ایجاد یک فرهنگ انسان ساز شکل گیرد، فرهنگ مهدوی عبارت است از: «بیان اندیشه‌ها، باورها، اصول و اعتقادات مربوط به آموزه مهدویت، تبیین ارزش‌ها و باید‌ها و نبایدهای آن، تعیین هنجارها و الگوهای رفتاری و کرداری مرتبط با آن، تولید نمادها، نشانه‌ها و علائم نمادین برای توسعه و تحکیم آن، تولید آیین‌ها و آداب و رسوم تازه و تقویت آیین‌های پیشین، ابداع و نوآوری‌های ارتباطی رسانه‌ها در حوزه شبکه‌های انسانی حقیقی و مجازی، توسعه و بسط مهارت‌های مورد نیاز مانند زمینه‌سازی ظهور، انتظارسازنده، روش‌های یاری مهدی موعود (عج) و...» (عظیمی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۵). مصباحی مقدم (۱۳۹۷) هم در این راستا فرهنگ مهدویت را فرهنگ انتظار بشریت برای حاکمیت صلح و حاکمیت حق می‌داند. بدین صورت که حق حاکم شود و صلح را در میان بشریت برقرار کند که بشریت به صورت یکپارچه شود و مدیریت یکپارچه داشته باشد. خداوند در قرآن کریم پیرامون وارثان حقیقی زمین می‌فرماید: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص / ۵) و ما بر آن هستیم که بر مستضعفان روی زمین نعمت دهیم و آنان را پیشوایان سازیم و وارثان گردانیم.

بنابراین، فرهنگ مهدوی را می‌توان در قالب دو برداشت اصلی بیان کرد: نوع اول فرهنگ مهدوی، فرهنگ آرمانی است که در عصر ظهور، توسط امام زمان (عج) بر مبنای باورها و ارزش‌های حقیقی اسلام، در جامعه جهانی تحقق خواهد یافت؛ بنابراین یک فرهنگ دینی جهان‌شمول و آرمانی را شکل می‌دهد. نوع دوم آن، ذیل عنوان «فرهنگ انتظار» قابل ترسیم است. فرهنگ انتظار، فرهنگی است که در عصر غیبت امام زمان (عج) شکل می‌گیرد. چنین فرهنگی بر محور همان باورهای زیربنایی و با الگوگیری از چشم‌انداز آرمانی «فرهنگ مهدوی» تحقق می‌یابد. با این وصف، منظور ما از «فرهنگ مهدوی»، نوع دوم بوده که در راستای رسیدن به فرهنگ آرمانی و اندیشه دفاعی مهدویت ترسیم شده است (الهی‌نژاد، ۱۳۹۳).

از سوی دیگر، هدفی که در کلام و رفتار دست‌اندرکاران فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه در این چند سال بر آن تاکید شده، اندیشه دفاعی مهدوی است. امام خمینی (ره) در همین راستا می‌فرماید: «همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار فرج قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان‌شاءالله تهیه شود» (صحیفه نور، ۱۳۶۹، ص ۱۹۷-۱۹۶). مقام معظم رهبری (مدظله العالی) نیز پیرامون فرهنگ جهانی مهدوی می‌فرماید: «ما که منتظر امام زمان هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان (عج) تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. رابطه‌ی قلبی و معنوی بین آحاد مردم و امام زمان (عج) یک امر مستحسن، بلکه لازم و دارای آثاری است؛ زیرا امید و انتظار را به طور دایم در دل انسان زنده نگه می‌دارد (بیانات در دیدار مسئولان و اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲). ایشان همچنین می‌فرمایند: «انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان (عج) آماده کنیم سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن‌بینی دارد ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان (عج) خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم؛ نه، بعکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم. اعتقاد به امام زمان به معنای گوشه‌گیری نیست، امروز اگر ما می‌بینیم در هر نقطه‌ی دنیا ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض و زورگویی وجود دارد، این‌ها همان چیزهایی است که امام زمان برای مبارزه با آن‌ها می‌آید. اگر ما سرباز امام زمانیم، باید خود را برای مبارزه با این‌ها آماده کنیم (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصالای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

این اندیشه به عنوان راهنمای عمل برگزیده شده است تا اهداف متعالی نظام مقدس جمهوری اسلامی جامعه واقعیت به تن پوشد و در واقع جامعه‌ای هم‌تراز و هم‌شأن با جامعه‌ای که موردنظر رسول الله (ص) و ائمه اطهار (ع) بوده است، برپا شود؛ جامعه‌ای که زمینه‌ساز ظهور حضرت ولی عصر (عج) باشد. در واقع نگاه فرهنگی به دفاع یکی از رویکردهای غالب در کنش‌های سنت و سیره اهل بیت (ع) است که همواره تاکید بر آماده کردن جامعه برای دفاع در برابر دشمنان و حفظ دین دارند. در دفاع فرهنگی تلاش می‌شود با تاثیرگذاری بر باورها و ارزش‌های یک ملت، اندیشه و الگوی اداره کشور به مثابه هویت‌دهنده نظام فرهنگی، به چالش کشیده شود. بُعد فرهنگی - دفاعی مهدویت در ترویج فرهنگ ظهور مهدی (عج) نقش بسزایی دارد و همچنین در قلمرو جهانی شدن فرهنگ‌ها و استحاله فرهنگ‌ها در فرهنگ غربی، پتانسیل بالایی در زمینه دفاع فرهنگی و صادر کردن مهدوی به دیگر نقاط جهان دارد. از جمله پیامدهای منفی تهاجم فرهنگی بر کشور ایران از بین رفتن هویت

دینی و اسلامی جوانان، فراموش شدن فرهنگ انتظار، کم‌رنگ شدن روحیه جهاد و شهادت در راه خدا و ... می‌توان اشاره کرد (خنیف‌ر و همکاران، ۱۳۸۹).

با توجه به تهاجم فرهنگی غرب و شرق و به فرموده رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) شبیخون فرهنگی؛ و همچنین تلاش رسانه‌های غرب بر سلطه فرهنگی بر تمام فرهنگ‌های جهان و نهادینه کردن فرهنگ مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی در میان تمام ملت‌ها و بالاخص کشورهای اسلامی، لذا باید به دفاع فرهنگی در برابر تهاجم فرهنگی پرداخت. از سوی دیگر در اندیشه دفاعی مهدوی در بُعد فرهنگی، قابلیت‌ها و پتانسیل بالایی وجود دارد که به مقابله با تهاجم (شبیخون) فرهنگی بپردازد. اگر انتقال فرهنگ انتظار ظهور، از مجرای صحیح آن صورت نگیرد انتقالی ناقص است و دوام و پایایی ندارد بنابراین جایگاه و نقش زنان در جامعه مهدوی از نظر جایگاه فردی، نقش خانوادگی و تأثیر آن‌ها بر اجتماع در پیش و پس از ظهور قابل بررسی است، برخی از زنان چنان شایستگی و منزلتی می‌یابند که جزء اصحاب و کارگزاران ویژه حضرت مهدی می‌شوند

در فرهنگ مهدویت به روح لطیف زن و نقش‌های متناسب با لطافت روحی وی بسیار توجه دارد» همه اینها توجه دقیق و ظریف دین به مسئولیت‌های متناسب با طبیعت وجودی زنان را نشان می‌دهد که خود به معنای ارزش مند دانستن این گوهر وجودی و بازشناسی شأن و جایگاه والای آن است. استاد مطهری نیز در کتاب پر ارزش نظام حقوق زن در اسلام با بیانی روشن بر این نکته تأکید کرده است: عدم توجه به وضع طبیعی و فطری زن بیشتر موجب پای مال شدن حقوق او می‌گردد. اگر مرد در برابر زن جبهه ببندد و بگوید تو یکی و من یکی، کارها، مسئولیت‌ها، بهره‌ها، پاداش‌ها، کیفرها همه باید متشابه و هم شکل باشد، در کارهای سخت و سنگین باید با من شریک باشی، به فراخور نیروی کارت مزد بگیری، توقع احترام و حمایت از من نداشته باشی، تمام هزینه زندگی ات را خودت بر عهده بگیری، در هزینه فرزندان با من شرکت کنی، در مقابل خطرهای خودت از خودت دفاع کنی، به همان اندازه که من برای تو خرج می‌کنم، تو باید برای من خرج کنی و... در این وقت است که کلاه زن پس معرکه است؛ زیرا زن بالطبع نیروی کار و تولیدش از مرد کمتر است و استهلاک ثروتش بیشتر. به علاوه، بیماری ماهانه، ناراحتی ایام بارداری، سختی‌های وضع حمل و حضانت کودک شیرخوار، زن را در وضعیتی قرار می‌دهد که به حمایت مرد و تعهداتی کمتر و حقوقی بیشتر نیازمند است در نظر گرفتن وضع طبیعی و فطری زن و مرد با توجه به تساوی آن‌ها در انسان بودن و حقوق مشترک انسان‌ها، زن را در وضع بسیار مناسبی قرار می‌دهد که نه شخصیتش کوبیده شود (محمدرضا زیبایی نژاد و همکاران، ۱۳۸۱، چاپ دوم، ص ۱۲۶)

به طور کلی، نظریه‌های الهیات فمینیستی درباره جایگاه زن در سه گروه می‌گنجند: گروه نخست، دیدگاه کسانی است که با نظر علمای دینی درباره زنان و مردمدار بودن سنتی در چالشند، گروه دوم، نگرشی است که با احکام دینی بازدارنده زنان از انتصاب به مقامات روحانی در ستیز است و گروه سوم نیز کلیسا را نهاد می‌داند و هدفش ارتقای موقعیت حرفه‌ای زنان در کلیساست. علمای فمینیسم با به کارگیری دایمی از واژه‌های مذکر برای خدا و روح القدس اعتراض دارند. این گروه فمینیسم‌ها، با تحقیق درباره تصویرپردازی از زنان در کلیسا و تاریخ مسیحیت آشکار می‌سازند که فقط دو تصویر از زن وجود دارد: گناه کار (حوا) یا باکره (مریم) که مادر بودن و فرمان برداری را در بر می‌گیرد (زن در آینه جلال و جمال، ۱۳۸۵)، چاپ سیزدهم). خلاصه آن که تفکرات فمینیستی همانند دیدگاه آزادی‌بخش که به لحاظ تاریخی و نظری ارتباط تنگاتنگی با آن دارد، به گونه‌ای تعبیر می‌شود که گویا نقش نخست آن آزادی‌بخشی است؛ آزادسازی فقرا در دیدگاه آزادی‌بخش و آزادسازی زنان از دیدگاه فمینیسم وجود دارد. (حکیم پور، ۱۳۸۲، محمد، چاپ اول).

توجه به فطرت و روح لطیف زن

زن موجودی ظریف، با احساس و عاطفه قوی است که خداوند متعال او را آفرید تا بخشی از بار رسالت تعلیم و تربیت جامعه را بر دوش گیرد و در مسیر کمال گام بردارد. خداوند زن را که مظهر جمال الهی است، آفرید و او را مایه آرامش و سکون همسر قرار داد تا خانه و خانواده را در سایه عطوفت و رحمت خود بپاراید. چراکه رحمت و مودت، مایه بقای زندگی است. امام متقیان توجه به فطرت زنان، لطافت و زیبایی زن را عامل مهمی در حفظ و حراست از زن می‌داند و می‌فرماید: «ان المرأة ریحانة لیست بقهرمانه»: همانا زن گل است، قهرمان نیست (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، نامه ۳۱). بر اساس این سخن، زن همانند گلی است که باید از آن مراقبت شود تا با طراوات و تازه بماند و بتواند در پرتو عطر و لطافت خویش، کانون خانواده را زیبا و با صفا سازد.

به دلیل ارزش و جایگاهی که اسلام برای زن قائل است، سفارش‌های بسیاری در زمینه تکریم، محبت و احترام به زن بیان شده است. دین اسلام زن را از جایگاه زن بودنش مورد تقدیر قرار می‌دهد. علی (علیه السلام) در این باره به نقل از پیامبر می‌فرماید: «احترام بانوان را پاس نمی‌دارد مگر کسی که بزرگواری و کریم است و به ایشان اهانت نمی‌نماید مگر کسی که پست و فرومایه است» (نهج الفصاحه، ۱۳۳۶). اهمیت به استعداد و توانایی زن و قابلیت‌های اجرایی متعدد او همانند تعلیم‌پذیری، هدفداری و مسئولیت‌پذیری در برنامه‌ریزی زن در خانواده قابل توجه است؛ چرا که دوری از فطرت، بزرگترین ضربات را به توازن، تعادل و تکامل زن وارد می‌سازد. روشن است که در برابر هر استعدادی وجود حقی برای انسان ثابت است، یعنی هر استعدادی سند یک حق برای انسان است و براساس

همین حقوق طبیعی، وظایفی متناسب با غرایز فطری و توان فردی برای انسان ها معین می گردد، چنان که آیه قرآن می فرماید: ﴿لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ (بقره: ۲۸۶)

۱. امنیت فردی و اجتماعی زنان

امروز در جامعه شاهد هستیم که زنان سعی دارند در برخی شغل هایی وارد شوند که هیچ گونه سختی با روحیات آنها ندارد، در حالی که امام اول شیعیان در خصوص واگذاری وظایف به زنان می فرماید: «لا تملك المرأة من الأمر ما يجاوز نفسها، فان ذلك انعم لحالها و ارحى لبالها و ادم جمالها»؛ به زنان بیش از توان آنها امور را تحمیل نکنید، زیرا این رعایت ها برای حال آنها مناسب تر، برای آرامش خاطرشان سودمندتر و برای دوام زیبایی آنها مؤثرتر است (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، نامه ۳۱). بانوان گاهی فراموش می کنند که وظیفه اصلی زن مسلمان در مرحله اول شوهرداری و تربیت فرزندان است و انجام درست این وظایف شالوده اصلی نظام اسلامی را تضمین می کند تا راه سعادت و کمال الهی را سریع تر و بی خطر طی کند. وصی رسول خدا با درک این موضوع چنین به جامعه زنان خطاب می کند: «جهاد المرأة حسن التبعل»؛ جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است. بنابراین شیوه صحیح همسرداری که ریشه استحکام خانواده در آن نهاده شده است. یکی از اصول مهم استراتژیک مسائل زنان است که ضروری است نظام اجتماعی، برای استحکام آن برنامه ریزی کند. انسان امروزی از اوضاع حاکم بر جهان به اندازه ای افسرده و مضطرب و رنجور است که به جست و جو درباره نظریه ها و یا اندیشه های نو و جدید روی آورده که برای او چگونگی دگرگونی این اوضاع فاسد را بیان می کند. با وجود این، مسئله ای که افسردگی و خشم انسان ها را افزون کرده، این است که هرگاه به ایده و یا اندیشه ای دست می یابد، پی میبرد که به جای حل دشواری و بلاها برعکس، مشکلات را می افزاید (سید عباس مدرسی، ۱۳۸۷، ص ۱۹)

رابرت اچ. بورک نویسنده کتاب لیبرالیسم مدرن و افول امریکا، فمینیسم و به خصوص فمینیسم افراطی را از جمله تفکراتی می داند که نه تنها برای زن منزلت به ارمغان نیاورده، بلکه مخرب امنیت روحی و جسمی خود زنان و به تبع آن مخرب امنیت جامعه گشته است. وی می نویسد: فمینیست ها حتی زنان را به درون ارتش و جبهه های جنگ راند و برای این سیاست فاجعه آمیز دو دلیل ارائه نمود: اول این که فرستادن زنان به جبهه های جنگ، قدرت اعتماد به نفس زنان را تقویت می کند و موجب احترام مردان به آنان می شود، در حالی که می دانیم این موضوع حقیقت نداشته و ندارد. استدلال دوم آن که باعث تساوی زن و مرد است. حال آن که ماحصل این حضور، فجایعی بوده است که تأثیر

نامساعدی بر تضعیف روحیه سربازان داشته و موجبات آزار واذیت خود زنان را فراهم نمود (رابرت اچ. بورک، لیبرالیسم مدرن، ۱۹۳۳-م، ص ۴۹۳)

اهمیت این نکته هنگامی روشن می شود که یادآور سازیم شالوده امنیت روانی جامعه بر امنیت روانی مهم ترین واحد اجتماعی یعنی خانواده استوار است که زن در آن نقش بارزی ایفا می کند. همین آرامش به جامعه منتقل می شود واز التهابات و انحرافات و بحران ها جلوگیری می کند. تفکر مهدوی علاوه بر این که وجود امام را آرامش بخش قلوب منتظر شیعیان اعم از زنان و مردانی می داند که امید به آمدن آن منجی دارند، بالاتر از آن، واسطه وجود امام را امان اهل زمین از عذاب و ناگواری های آن یاد می کند، افزون بر این، ما معتقدیم در زمان حضور حضرت نیز چنان امنیتی بر جان انسان ها و بر جامعه آنان ایجاد خواهد شد که عالم نظیر آن را ندیده است.

۲. شکوفایی اخلاق

تکریم زنان یکی از شاخصه ها و نتایج مهم حکومت دینی است. امام علی (ع) در خطبه ۱۰۵ فراز ۹ تا ۱۱، به بیان نعمت های وسیع حکومت دینی می پردازد و تکریم زنان را یکی از شاخصه ها و نتایج مهم حکومت دینی می خواند: «وقد بلغتم من کرامه الله تعالی لکم منزله تکریم بها أماوکم و توصل بها جیرانکم...»؛ بر اثر کرامت الهی مقام و منزلتی یافید که (حتی) کنیزان، شما را گرامی داشتند. در اینجا مولای متقیان، احترام به کنیزان (زنان تحقیر شده) را شاهد مثالی برای رشد جامعه دانسته اند، چراکه پیش از اسلام کنیزان هیچ منزلتی نداشتند. همچنین حضرت علی (علیه السلام)، زنان و مردان را دارای سرمایه های یکسانی از خلقت می داند که هر یک به شکل متفاوتی در زن و مرد نمود پیدا کرده است. هرچند زن و مرد در برخی صفات مشترک هستند، اما در دیگر صفات با هم فرق دارند. «خيار خصال النساء شرار خصال الرجال: الزهود الجبن و البخل، فاذا كانت المرأة زهوه لم تمكن من نفسها و اذا كانت بخيله حفظت مالها و مال بعلها و اذا كانت جبانة فرقت من كل شيء يعرض عليها؛ بهتری خوی زنان، بدترین خوی مردان است که همانا تکبر، ترس و بخل است؛ پس هرگاه زن متکبر باشد، به کسی جز همسر سر فرود نمی آورد و هرگاه بخیل باشد، مال خود و همسرش را حفظ می کند و هرگاه ترسو باشد، از آنچه به او روی می آورد، می ترسد (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۶)

ارتباط آزادی زن برای جامعه خطرناک است! امروز به طوری که از تاریخ معلوم می شود، خرابی کشور روم بر اثر آزادی زنان در ارتباط با مردان بوده است. از نتایج همین آزادی است که شهر پاریس دویست هزار روسپی پیدا کرده واز نتایج آن است که تنها در چهار سال یعنی از سال ۱۸۸۹ تا ۱۸۹۳ پنج هزار و هشت صد و شصت و نه نفر در فرانسه به علت معاشقه و شرب مسکرات خود را هلاک کرده اند (سیدرضا صدر، ۱۳۸۶، ص ۱۳۸، چاپ اول). برخی اندیشه وران غربی همچون پرفسور

رابرت اچ. بورک عنوان میکند که بخش عمده ای از تئوری فمینیست ها وبه خصوص فمینیسم افراطی، کذب محض است. فمینیست ها بسیاری از مسائل وموضوع های دروغین را در قالب واقعیات وحقایق چنان جلوه می دهند که طبعاً طرف داران بیشتری یابند (اچ بورک رابرت و همکاران، ۱۳۸۰، ص ۶۸) وبخشی از آن، خواسته های بی اساس وموهوم وفریبنده ای است که آن را پارانوئیا می نامند. حال آن که رکن وپایه تفکر مهدوی که انتظار وجود مقدس آن منجی است، با اخلاق متعالی پایه ریزی می گردد. بنابراین انتظار آن امام محبوب، خودبه خود ریاضت مهمی برای نفس است که لازمه آن، متوجه ساختن قوه عاقله وخیال به جانب امری است که در انتظار آن به سر می بریم. لازمه انتظار آن است که انسان دوست داشته باشد از هم صحبتان شیعیان مهدی (علیه السلام) باشد وبلکه از اعوان وانصار آن بزرگوار گردد ولازمه این امور آن است که شیعه مهدی (ع) (زن ومرد) در اصلاح نفس خود بکوشد و اخلاق خویش را نیکو کند تا قابلیت هم صحبت شدن مهدی (ع) را پیدا کند ودر رکاب آن حضرت جهاد نماید. انتظار، وقوع مصیبت ها وحوادث را سهل وآسان خواهد کرد؛ زیرا انسان می داند که آن مصیبت ها در معرض جبران وتدارک هستند وچقدر فرق است بین آن مصیبتی که انسان بداند جبران خواهد شد یا نه (سید صدرالدین صدر، المهدی، ترجمه محمدجواد نجفی، ۱۳۷۳، ص ۲۷۱).

۳. جایگاه زن در خانواده و اجتماع

امام عارفان با بیان ساختار تشکیلاتی حضور زنان در نهادهای اجتماعی، بهترین الگوی ممکن در این حیطه را چنین ایراد می کنند: «ان استعطت ان لایعرفن غیرک فافعل»؛ اگر می توانی کاری کنی که زنان، غیر از تو را (در تشکیلات) نشناسند، چنین کن (نامه ۳۱ / ۶۱). بر اساس مدل ارائه شده توسط امام علی (علیه السلام)، در چارچوب تشکیلات، ارتباط زنان فقط با مدیریت کل است و خواسته های آنان از طریق رأس مدیریت به زیر مجموعه ها منعکس می شود. توجه به این نکته که امروزه برنامه ریزی مباحث زنان در جهان دچار مشکل اساسی است و دنیای معاصر هنوز در شناخت زن و ویژگی های او تصور روشنی ندارد و از آنجا که با اصل قرار دادن تشابه زن و مرد به برنامه ریزی اقدام می کنند، هنوز هم نتوانسته اند به بهترین راهکار دست یابند. از این روست که ضرورت پرداختن به مباحث اساسی اسلام از قبیل قرآن و نهج البلاغه برای معرفی ارزش و جایگاه والای زنان در جهان هستی بیش از پیش احساس می شود.

علی (ع) برای حفظ شخصیت زن و جلوگیری از آسیب های جسمی و روحی وی، به مواردی اشاره می کند. از نگاه آن حضرت، زن می تواند با حفظ حریم خود در جامعه حضور یابد و در

فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شرکت کند و مانع تعدی بیگانگان شود. علی(ع) به زنان توصیه می‌کند هنگامی که برای تحقق مسئولیت‌های اجتماعی در اجتماع و محافل عمومی حضور می‌یابند، حریم و پوشش مناسب داشته باشند، در این صورت است که در برخوردهای اجتماعی از مصونیت لازم برخوردار می‌شوند. حیا و پاکدامنی اگرچه برای هر فردی نیکو و زینده است، اما برای بانوان نیکوتر و لازمتر است. از این رو امام علی(ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «پاداش مجاهد شهید در راه خدا، بزرگتر از پاداش فرد پاکدامن نیست که قدرت بر گناه دارد و آلوده نمی‌شود. همانا انسان پاکدامن فرشته‌ای از فرشته‌های خداوند است» (حکمت ۴۷۴). امروزه زنان بسیاری در اقصی نقاط جهان، منزلت و حریم انسانی خود را به خوبی پاس می‌دارند. حضرت علی سه خصلت متانت، احتیاط و حسابگری را از ویژگی‌های مهم زن مسلمان می‌داند. از سخن آن حضرت چنین استنباط می‌شود که زنان باید در مراودات اجتماعی، متانت و در عین حال قاطعیت داشته باشند. این کار برای جلوگیری از تعدی مردان بیمار دل به آنها مفید است. آن حضرت همچنین یادآور می‌شود که زنان باید در مراودات اجتماعی، محتاط، دانا و زیرک باشند تا مورد طمع و سوء استفاده قرار نگیرند و جامعه به چشم کالایی مصرفی به آنها نگاه نکند. علی(ع)، ویژگی دیگر زن مسلمان را حسابگری می‌داند. آن حضرت به زنان حسابگر ارج می‌نهد و متذکر می‌شود که زنان حسابگر و دقیق، از مال و آبروی همسر خویش مراقبت می‌کنند. بنابراین اگر یک زن به سه صفت متانت، حسابگری و احتیاط مزین باشد، به راحتی و آزادی می‌تواند در خانه و اجتماع گامهای سازنده و مؤثری بردارد.

جان استوارت میل در کتاب خود می‌نویسد ازدواج عملاً تنها بردگی ای است که قانون ما آن را به رسمیت می‌شناسد. این تلقی از خانواده رفته رفته به تضعیف این نهاد مهم اجتماعی وسست شدن روابط خانوادگی در جوامع غربی انجامید، تا آن جا که متفکران و جامعه شناسان غربی درباره روند رو به افزایش از هم پاشیدن خانواده اعلام خطر کردند و آن را از چالش های نظام های لیبرال - دموکراسی یاد نمودند. فمینیسم تفاوت های طبیعی میان انسان ها را که زمینه تفاوت عمل کرد در محیط اجتماعی است، نادیده گرفته وبا ادعای تساوی طلبی، بیشترین لطمه را به جامعه، به ویژه خود زنان وارد آورد. شعار تساوی، زنان را از محیط خانه به صحنه اجتماع می کشاند و آنان را در موقعیت به ظاهر برابر در محیط کار و دانش قرار می دهد. اما حقیقت آن است که فمینیسم بانادیده گرفتن نقش مادری وهمسری وروانه ساختن زنان به عرصه های دیگر در پرتو تلاش های تبلیغاتی، موجب شد که زن، احترام مادری ومحیط خانه را که بهترین محیط هنرنمایی ومهم ترین ابزار او برای مشارکت اجتماعی وتأثیرگذاری بر اعضای خانواده بود، از دست بدهد وبه میدانی وارد شود که احتمالاً قدرت رقابت با جنس مخالف را ندارد. (احمدرضا توحیدی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۷)

برخلاف دیدگاه فردگرایی غربی، اندیشه ورن اسلامی خانواده را هسته اصلی و واحد بنیادین اجتماع یاد کرده اند و رشد و تعالی انسان ها را در گرو حراست از کانون خانواده دانسته اند. در دیدگاه اسلامی اهداف تشکیل خانواده بسیار فراتر از ارضای تمایلات جنسی زن و مرد بوده و امور مختلفی را شامل می شود که مهم ترین آنها عبارتند از: بقای نسل انسانی، سکونت و آرمش زوجین، ارضای غریزه جنسی، مشارکت در حیات معنوی، مشارکت در حیات مادی و تربیت نسل. در تفکر اسلام و به تبع آن در فرهنگ مهدویت، استحکام و خوشبختی هر جامعه ای مرهون تربیت خانوادگی افراد آن است و نقش اساسی در خانواده نیز به عهده «مادر» است. مطالعه تاریخ زنان مسلمان نشان می دهد که آنان محیط خانه را بسیار حساس و با اهمیت می شمرده اند و آن را کارخانه آدم سازی و دانشگاه انسانیت می دانسته اند. لذا تربیت شدگان آنان نیز کمال انسانی را در میدان بزرگ اجتماع به مرحله بروز می رسانده اند؛ چرا که اگر مردانی باید باشند که اساس و بنیان جامعه را بسازند، تنها مادر است که آنها را پرورش می دهد: «الولد مطبوعٌ علی حب أمّه؛ فرزند * - از نظر اخلاق، طبیعت و دیانت * - ساخته شده مادر است (غرر الحکم، ۱۴۱۰-ق، ص ۱۳۷، ح ۲۳۹۹).

روایات متعدد، هنگام معرفی حضرت مهدی (علیه السلام)، ایشان را فرزند حضرت زهرا (س) برترین زنان جهان یاد می کنند که الگو و نمونه والای تربیتی است. از سوی دیگر، بنابر روایات متواتر آمده که «الجنة تحت اقدام الامهات» (مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸-ق، ج ۱۵، ص ۱۸۰، باب ۷۰)؛ بهشت زیر پای مادران است. هم چنین روایات تأکید دارند: «الجنة تحت ظلال السيوف» (بحار الانوار، ۱۳۱۵-ق، ج ۳۳، ص ۱۴، بابا ۱۳)؛ بهشت زیر سایه شمشیر مجاهدان است. با دقت در نتیجه انتهایی این دو روایت نیز که دست یابی به بهشت است، به این اصل می رسیم که سایه شمشیر مجاهدان، امنیتی هم چون فضای تلاش تربیتی مادران را ایجاد می کند و یا نتیجه تلاش مجاهدان مشابه تلاش مادران است. لذا در فرهنگ انتظار، ظهور یاران از جان گذشته ای که یار و مرید حقیقی آن حضرت در آبادانی فردا باشند، بسته به فضای تربیتی است که مادران در خانواده بنا می کنند.

۴. آزادی زن

ازدواج و تشکیل خانواده، نیاز و ضرورتی است که در سایه آن انسانها می توانند به رشد و تعالی برسند. بدون شک ارتباط بین اعضای خانواده مهم و در سطح اجتماع تاثیر گذار است. امروزه شاهدیم که صاحب نظران غربی از فروپاشی نهاد خانواده و روند رو به رشد خانواده های تک والدی احساس خطر می کنند و درصدد یافتن راه حل هایی مناسب برای کاستن از پیامدهای این مسأله هستند. آدم

بورسوا نویسنده و محقق مسائل اجتماعی در ایالت ایلوی نويز آمریکا می‌گوید: بر اساس تحقیقات انجام شده، خانواده‌های امروزی که بدون ازدواج به وجود می‌آیند منبع قوی برای شکل‌دهی به فرزندان ندارند و نمی‌توانند وجدان اخلاقی کودک را به‌خوبی شکل دهند. این خانواده‌ها رو به متلاشی شدن و اضمحلال هستند. امروز ۳۲ درصد از بچه‌ها نامشروع به دنیا می‌آیند، درحالی که در سال ۱۹۷۰، این تعداد ۱۱ درصد بود. لذا وضعیت بسیار نگران‌کننده است (بورسوا، ۱۳۸۳: ۱۱).

دین اسلام برای خانواده اهمیت محوری قائل است. زنان و مردان هر یک در سیستم اجتماعی، دینی و تربیتی خانواده، وظیفه و نقشی کلیدی بر عهده دارند. نقش مهم زن مسلمان در خانواده، تدبیر امور داخلی خانواده و نظارت مسئولانه بر این کانون پرمهر است. علی(ع) به این نقش اشاره می‌کند و می‌فرماید: «والمراة راعیة علی بیت زوجها و هی مسئولة»؛ زن ناظر و مسئول امور خانه و همسرش است (شاملی، ۱۳۸۰). او با نظارت صحیح خود در خانواده می‌تواند فضای صمیمانه و تفاهم‌آمیزی را ایجاد کند و زمینه یک زندگی سالم، بانشاط و همراه با موفقیت را فراهم سازد. از دیدگاه علی(ع)، زن در خانواده مسئولیت حساس و خطیری بر عهده دارد. خانه‌داری و رسیدگی به امور فرزندان و تربیت آنها، به همت و کوشش فراوان نیاز دارد. اصولاً رسالت مادری زیباترین و مقدس‌ترین وظیفه زنان است و جز مادران فداکار کسی نمی‌تواند این نقش را به خوبی انجام دهد. در همین راستا، وقتی رسول گرامی اسلام(ص)، مسئولیت‌های خانه را بین علی(ع) و همسرش فاطمه(س) تقسیم می‌کند، به هر یک کاری متناسب با ویژگی‌های زن و مرد محول می‌کند. علی را به کارهای بیرون از منزل و فاطمه را به رسیدگی به امور خانه و پرورش فرزندان ترغیب می‌کند. حضرت فاطمه(س) از این نوع تقسیم کار که هماهنگ با شخصیت و ویژگی‌های زن است، خشنود می‌شود و خدا را سپاس می‌گوید. از نقشهای مهم زن در کانون خانواده، رازداری و صداقت نسبت به همسر است. صداقت و راستی، مهمترین عامل تحکیم خانواده است که موجب جلب اعتماد متقابل می‌شود و رفتار محبت‌آمیز را بین زن و شوهر پدید می‌آورد. بدیهی است زن و شوهر از دو خانواده متفاوت هستند که معمولاً فرهنگ و برخی عاداتهای آنها نیز متفاوت است. ایجاد تفاهم بین این دو فرد، به تلاش و فداکاری نیاز دارد. البته در این خصوص زن نقش بارزتری در زمینه همگرایی خانواده ایفا می‌کند. شاید از همین رو است که بزرگان دین، رفتار خوب زن با شوهر و به عبارتی خوب شوهرداری کردن را به منزله جهاد دانسته‌اند. یعنی ارزش مدارا و برخورد کریمانه زن با همسرش، همچون جهاد مجاهدی است که در راه خدا به مبارزه برخاسته است. علی(ع) تمام سعی خویش را به کار می‌بست تا مردان جامعه، جایگاه ارزشمند زنان را درک کنند و بدانند که همسر و اعضای خانواده، بیش از هرچیز به مهر و محبت نیاز دارند و هیچگونه خشونت و بی‌حرمتی شایسته آنان نیست. آن حضرت می‌فرمود: «مردی که همسرش

را بیازارد، نماز و هیچ کار خیری از او نزد خداوند پذیرفته نیست و نخستین کسی است که وارد آتش می‌شود» (وسائل، ابواب احکام الاولاد، ۱۴۱۶-ق، باب ۷، خ ۱).

علی(ع) همچنین می‌فرماید: «هرکه به اهل (خانواده) خود بدی کند، از او امید احسانی نسبت به دیگران نمی‌رود» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۶: ۱۲/۱۶۳). به عبارت دیگر، چنین فردی در مسئولیت‌های مهم اجتماعی و حتی در اداره زندگی فردی از شایستگی‌های لازم برخوردار نیست. به دلیل عاطفی بودن زن، مرد باید در شکست‌ها و ناکامی‌ها، تکیه‌گاه محکم او باشد و در عین حال، لازم است در پرتو مهر و عطوفت زن، مرد نیز به آرامش و تعالی برسد. بسیاری از گرفتاری‌های خانوادگی به مسائلی مربوط می‌شود که از سوی یکی از زوجین به دیگری تحمیل می‌شود. گاه نیز برخی اختلافات خانوادگی به مسائل جزئی و کم‌اهمیت و یا درخواست‌های غیرمنطقی زن یا شوهر برمی‌گردد. حضرت علی(ع)، خواسته‌های غیر منطقی زن و شوهر از هم را برای زندگی مشترک، آسیب‌زا می‌داند و از زنان و مردان می‌خواهد که در زندگی نسبت به هم مودت داشته باشند، چیزی را به یکدیگر تحمیل نکنند و زمینه رنجش هم را فراهم ننمایند. آن حضرت، ۹ سال با همسرش فاطمه(س) با صفا و صمیمیت تمام زندگی کرد و وقتی از او درباره زندگی مشترکشان سوال شد، فرمود: «خدا را گواه می‌گیرم که در هیچ موردی فاطمه(س) را به خشم نیاوردم و به او هیچ کاری را تحمیل نکردم. فاطمه(س) نیز چنین بود که در هیچ موردی خشم مرا برنمیگیخت و در هیچ امری از من سرکشی نکرد» (شاملی، ۱۳۸۳).

لوس ایریگری از فمینیست‌های مشهور فرانسوی که آثاری نیز در رشته الهیات دارد، برخلاف برخی فمینیست‌های دیگر به نقد فمینیسم برابری می‌پردازد و آرمان فمینیسم را در جامعه ای می‌داند که در آن زنانگی جدیدی به وجود آید که زنان آزادی مطلق کسب کرده و به کلی از سلطه مردان نیز رها شده باشند. او این آزادسازی را با استلزامات یا لوازم الهیاتی خاصی می‌داند و هم چون دلیلی به مفهوم مذکر خدا به مخالفت می‌پردازد (سعید رحیمی، ۱۳۷۷). راسل نیز در دفاع از آزادی و حقوق انسانی زنان، تفکر انتقادی و آرای ابتکاری خویش را به طور مبسوطی ارائه می‌دهد. وی ضمن حمایت صریح از اندیشه‌های مری دیلی و ولستون کرافت و جان استوارت میل و اعلام وابستگی خود به حلقه فکری آنها، بر آموزه‌های کتاب مقدس و کلیسا در دو حوزه حقوق و اخلاق انتقادات مهمی کرده است. به اعتقاد وی، نظام حقوقی و اخلاقی مسیحیت درباره زن، ناقص و ناکارآمد و جانب دارانه و تحقیرآمیز است و به گونه ای طرح و تدوین شده که سلامت روانی و اخلاق اجتماعی خانوادگی و فردی را تهدید می‌کند و آن را به مخاطره می‌اندازد (برتراند راسل، ۱۳۸۶).

غرب و به خصوص تفکر فمینیستی آزادی را از جنبه مادی و جسمی در نظر دارد و از آن به نبودن مانع و چیزی یاد می کند که از جنبش و تحرک باز دارد (سیدعلی محمودی، ۱۳۸۵). بنابراین چنین آزادی ای را می توان در وصف حالت جانداران غیرعقل و یا موجودات بی جان نیز به کار برد، در حالی که در تفکر اسلامی و در فرهنگ مهدویت آزادی تنها آن نیست که از خارج به انسان اعطا شود، بلکه آزادی واقعی آن است که از درون سرچشمه گیرد و رشد نماید و این بدان جهت است که قیود و تضاد های درونی به مراتب از قیود و گرفتاری های بیرونی زیان بارتر و ناراحت کننده تر است و آزادی کامل و واقعی تحقق نمی یابد، مگر آن که انسان از آن قیود و گرفتاری ها نیز برهد (سیدمهدی صناعی، ۱۳۸۷). علاوه بر این، بسیاری اوقات دستورالعمل هایی کاملاً مغایر با آزادی زن در تفکر فمینیسم مشاهده می شود. برای مثال، سیمون دوبووار در مصاحبه ای با بتی فریدن می گوید: به هیچ زنی نباید اجازه داد تا در خانه بماند و به امر پرورش کودکانش بپردازد. جامعه باید به کلی تغییر کند و به زنان اجازه ندهد که فقط وظیفه پرورش فرزندان را به عهده گیرند، یعنی اگر به هر زنی حق انتخاب در خانه ماندن و پرورش کودکان خود و یا شاغل بودن در بیرون را بدهند، اغلب زنان ترجیح می دهند تا در خانه بمانند (لیبرالیزم مدرن، ۱۹۹۹-م).

این بیان حاکی از آن است که هیچ نشانی از آزادی اصیل در این منزلت اجباری دیده نمی شود. درحالی که اسلام با وجود آن که دین آزادی و آزادگی است و تفکر اسلامی، هم زاد و هم راه با آزاداندیشی است (سوره بقره، آیه ۲۵۶، سوره زمر آیه ۱۷)، شعارزدگی در باب آزادی را نمی پذیرد؛ شعارها و آموزه هایی که موجب انحراف در باب قلمرو و حدود آزادی گشته و به تدریج غباری از ابهام و اتهام بر روی این حقیقت ضروری و مورد نیاز جامعه می نشانند و به تلقی های نادرست ناشی از تجربه غرب درباره آزادی دامن می زند (علی ذوعلم، ۱۳۸۵). آزادی زن و مرد در تفکر مهدوی تا آن جا محترم است که با استعداد های عالی و مقدسی که در نهاد آنهاست، هم آهنگ باشد و آنها را به مسیر ترقی و تعالی بکشاند، ولی هرگاه آنها را به پستی و فنا سوق دهد و استعدادهای نهانی خدادادی را از مسیر خود منحرف سازد، نمی تواند احترامی داشته باشد.

۵. مشارکت در سازندگی

فمینیسم نیز مدعی است که زن را باید به میدان سازندگی اجتماعی کشاند، اما در کنار این ادعا معتقد به ویرانی خانواده و خرابی نخستین پایه های اجتماعی است که تناقض این دو با یک دیگر کاملاً روشن است. انگلس می نویسد: برای این که رهایی زن تحقق یابد، ابتدا باید زن بتواند در تولید تمام سطوح اجتماع شرکت داشته باشد و کارهای منزل فقط قسمت کمی از وقت او را بگیرد (رژه

گارودی، ۲۰۱۹-م). برخی نیز برای کشاندن زن به محیط اجتماعی و دور نمودن او از خانواده به دلایلی واهی روی می آورند، چنان که برخی گفته اند: مشارکت در تولید اجتماعی باعث رشد ذهن و جسم می شود و انزوا و سرگرم شدن به کارهای ملال آور خانگی ذهن و جسم را تضعیف و افق دید انسان را محدود می کند (ماری آلیس واترز و اوایلین رید، ۲۰۱۸-م). در حالی که در فرهنگ مهدویت زنان همان گونه که در دوران انتظار آن حضرت، زمینه ساز تربیت و پرورش مردان جامعه صالح و محور خانواده بودند برانگیزاننده مردان در یاری رسانی آن حضرت و سازندگی جامعه نیز خواهند بود، چنان که امام محمد باقر (ع) درباره چگونگی عمل زنان در عصر ظهور امام زمان (ع) می فرماید: إِنَّهُ يَنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ وَاسْمِ أَبِيهِ حَتَّى تَسْمَعَ الْعَذْرَاءُ فِي حُذْرٍ فَتَحْرُسُ أَبَاهَا وَأَخَاهَا عَلَى الْخُرُوجِ (بحارالانوار، ۱۳۱۵-ق، ج ۵۲، ص ۲۳۰، باب ۲۵)؛ جبرئیل به اسم قائم و نام پدرش ندا می دهد تا این که زنان محجبه این ندا را در می یابند و پدران و برادران خود را برای قیام تشویق می نمایند.

نتیجه

تربیت نسل مهدی باور از جمله دغدغه‌های والدین و ولایت‌مدار در جایگاه متولیان اصلی تربیت است. در سده حاضر، والدین برای تربیت معنوی فرزندان خود با چالش‌های جدی روبه‌رو هستند؛ چرا که مدعیان جهانی سازی، حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را تنها معارض تحقق همسان سازی فرهنگی جهان با فرهنگ غرب می‌دانند و با بهره‌گیری از هنر و تبلیغات، سعی در تخریب این فرهنگ دارند، از این رو صهیونیست‌ها با سیطره کامل بر صنعت سینما و رسانه‌ها و با بهره‌گیری از هنر و تبلیغات، یکی از محورهای اساسی فعالیت خود را مبارزه با اعتقاد به ظهور منجی الهی قرار داده‌اند. آن‌ها در محاسبات خود به این نتیجه رسیده‌اند که اعتقاد به ظهور منجی الهی، همواره موجب امید برای مقابله با ستم‌گران است. از سوی دیگر، آنان به خوبی دریافته‌اند تا زمانی که فرهنگ انتظار زنده است، شیعه که قوام دین به او است، پابرجا است و گره خوردن نسل جدید با فرهنگ مهدویت، خط بطلان بر تمام دسیسه‌های مهاجمان ناتوی فرهنگی است؛ از این رو است که برای تخریب فرهنگ انتظار در منظر نسل جدید، از هیچ تلاشی فروگذار نکرده‌اند. آنان در تلاش‌اند مهدویت را به گونه‌ای به تصویر بکشند که جز تخریب، دلهره و نابودی برای دنیا به ارمغان نخواهد آورد. مسئولیت انسان سازی، بهترین رسالت زن در نظام تربیتی اسلام است. همان نقشی که معمار انقلاب حضرت امام خمینی رحمه الله علیه هم به زیبایی به آن اشاره نموده اند که همان طور که قرآن انسان ساز است. زن هم انسان ساز است؛ اصیل ترین نقشی را که زن در جامعه کنونی می تواند به عنوان یک زن داشته باشد همان نقش انسان سازی است اگر زن، اصالت را به شغل مادری و همسری

ندهد از صراط مستقیم خارج است؛ یعنی برخلاف دیدگاه فمینیستی که مادری را و همسری را یک نوع بردگی می‌بیند و یک شغل منفعل می‌دانند، در نظام مهدوی، مادری و همسری یک شغل کاملاً اصیل است. عمده‌ترین نقشی که زن می‌تواند ایفا کند این نقش است؛ نقش انسان‌سازی و تأمین نیروی انسانی جامعه مهدوی که این می‌تواند بزرگ‌ترین خدمت فرهنگی به یک جامعه مهدوی در عصر حاضر باشد. مسئله بعد نقشی است که زن به عنوان نیمی از پیکره جامعه منتظر و تأثیرگذار در نیمی دیگر از جامعه می‌تواند داشته باشد. پس در واقع، زن می‌تواند با هنرنمایی، تمامی جامعه را تحت تأثیر قرار دهد و می‌تواند در احیای فرهنگ مهدوی در جامعه یا تخریب آن به عنوان یک عنصر فعال و مؤثر نقش آفرینی نماید. حضرت امام می‌گویند: زن، نقش رهبری را دارد، نقش پیشتازی را دارد. نهایتاً زن می‌تواند در عرصه فرهنگ جامعه ما بیشترین تأثیر را داشته باشد؛ لذا این نقش فرهنگ‌سازی زنان در عرصه‌های فرهنگی در جامعه کنونی را نباید فراموش کنیم؛ چرا که زنان با توجه به ویژگی‌های خاص خودشان، وقتی به عنوان یک معلم، یک مربی و یک عنصر فرهنگی در جامعه نقش آفرینی می‌کنند، تحول آفرین می‌شوند و می‌توانند یک جامعه را به سوی تعالی و رشد و یا یک جامعه را به سوی انحطاط ببرند. زنان، آمیزه‌ای از عقل و احساس اند که اگر از این دو ابزار به خوبی بهره‌جویند، می‌توانند حرکت‌های خوبی در جامعه ایجاد نمایند. یکی از مسائل آسیب‌زا در حوزه خانواده و استحاله فرهنگی زنان در جامعه ما رشد افکار فمینیستی در بین زنان، بالاخص دختران جوان است. باید آن مدینه فاضله‌ای که دختران در ذهن خودشان در جایگاه زن در مکتب فمینیستی ساخته‌اند را با تبلیغات اصولی و صحیح خنثی نماییم. جا دارد که یک نقد جدی پیرامون مسئله فمینیست از منظر زنان آمریکا صورت‌پذیرد. در حال حاضر منابع بسیار خوبی در دسترس است که نمایان‌گر اعلام عدم رضایت و اعتراض شدید زنان فرهیخته غرب نسبت به آثار سوء تفکرات فمینیستی در جامعه است. خانم دایان پاسنو نویسنده کتاب فمینیسم راز زنانگی یا اشتباه مدیر مؤسسه مطالعات خانواده در آمریکا می‌نویسد: من به آن چه فمینیست‌ها ارائه می‌دهند اعتراض دارم. سعادت و شادمانی حقیقی انسان جز از طریق ارتباط با خداوند میسر نیست. امروز روز نبرد زنان مؤمن است. اگر خدا را بخوانید، به شما پاسخ خواهد داد... مادر، باید فرصت طلایی شکل‌گیری شخصیت فرزند را غنیمت شمرده و پایه‌ها و بنیان‌های اعتقادی فرزندش را با ارائه رفتارهای برگرفته از مبانی دینی و اخلاقی، تقویت نماید. او، اگر بنا دارد فرزندی مهدی‌باور تربیت کند، باید بداند هر چه محبت و دل‌باختگی و ارتباط قلبی خود او با آن حضرت بیشتر باشد و این علقه، در رفتار وی که فرزند، شاهد آن است، نمود عینی داشته باشد، به همان میزان می‌تواند این محبت را بدون آموزش رسمی به فرزند خود انتقال دهد. وقتی فرزند، عشق سرشار مادر به امام زمان عجل‌الله

تعالی فرجه الشریف را مشاهده می‌کند وقتی مادر، فضای خانه را به یاد و ذکر حضرت عطرآگین می‌کند، این فضای آکنده از عشق و محبت، در ساختن شخصیتی محب و عاشق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مؤثر خواهد بود. مادر می‌تواند با رفتار سرشار از عشق و محبت به امام زمان، ایجاد این محبت را از مراحل بسیط و عاطفی در کودک خود شروع کند و زمینه روحی و آمادگی قلبی ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در دوره کودکی برای فرزند خود فراهم نماید. پیچیدگی تربیت در عصر حاضر و هم‌چنین تلاش بی‌وقفه مهاجمان فرهنگی برای تخریب فرهنگ مهدوی و جلوگیری از اشاعه این فرهنگ، بیش از گذشته اهتمام جدی مادران و آشنایی با ساز و کار مهدوی را می‌طلبد. بدون بهره‌گیری از آداب و دستورات دین نمی‌توان در تربیت نسل ولایی که یکی از بهترین رسالت‌های یک مادر منتظر است، موفق بود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن ابی الحدید (۱۳۸۶)، شرح نهج البلاغه، محقق محمدابوالفضل ابراهیم، انتشارات مکتبه آیت‌الله مرعشی نجفی، قم.
۴. اچ. بورک رابرت (۱۹۹-م)، لیبرالیزم مدرن، ترجمه الهی هاشمی حائری، ص ۶۸، چاپ اول: انتشارات حکمت، تهران.
۵. الهی، نژاد، حسین (۱۳۹۳)، معرفت‌شناسی مهدویت پژوهی، فصلنامه مشرق موعود، سال هشتم، شماره ۲۹.
۶. برتراند راسل (۱۳۸۶)، زن‌شویی و اخلاق، مترجم ابراهیم یونسی، چاپ هفتم، نشر اندیشه، تهران.
۷. بنوات گری (۱۳۷۷)، زنان از دید مردان، ترجمه محمدجعفر پوینده، چاپ اول، تهران.
۸. بورسوا، آدام (۱۳۸۳)، «افول اخلاقی آمریکا». فصلنامه مکاتبه و اندیشه، شماره ۲۰، صص ۹۵-۱۰۷.
۹. پاینده ابوالقاسم (۱۳۶۳)، نهج الفصاحه، ترجمه علی اکبر مظاهری، چاپ اول، انتشارات جاویدان، تهران.
۱۰. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ ق)، غرر الحکم، ترجمه سید مهدی رجائی، چاپ دوم، دارالکتاب اسلامی، قم، ص ۱۳۷، ح ۲۳۹۹.

۱۱. جویباری محمود (۱۳۹۱)، *خصائص فاطمیه*، چاپ ۱۲، نشر ام ابیها، قم.
۱۲. حر العاملی، محمد بن حسن (بی تا)، *وسائل الشیعه إلى تحصیل المسائل الشریعه*، قم: مؤسسه آل بیت لإحیاء التراث.
۱۳. خامنه‌ای، سید علی، *بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلاهی تهران*، ۱۳۸۱/۷/۳۰، <https://farsi.khamenei.ir › speech-co>.
۱۴. خمینی، سید روح الله (۱۴۰۰)، *دانشنامه امام خمینی*، ج ۹، ص ۶۴۷، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.
۱۵. خمینی، سید روح الله (۱۳۶۹)، *صحیفه نور*، ۲۲ جلد. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، تهران.
۱۶. خنفرحسین زروندی (۱۳۸۹)، «جهانی شدن و فرهنگ مهدویت از دیدگاه آیات قرآن کریم و روایات اسلامی»، *فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود*، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۱۱۵-۹۰.
۱۷. ذوعلم علی (۱۳۸۵)، *تجربه کارآمدی حکومت ولایی*، ص ۲۶۸، چاپ اول: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
۱۸. رحیمی سعید (۱۳۷۷)، *بانوان شیعه*، سال اول، ش ۲، ص ۳۵، قم.
۱۹. رژه گارودی (۲۰۱۹-م)، *زنان چگونه به قدرت می رسند*، ترجمه امان الله ترجمیان، چاپ دوم، انتشارات پرشکوه، تهران.
۲۰. شاملی، عباسعلی (۱۳۸۰)، «منزلت زن در اندیشه والای امیرالمومنین (ع)»، *فصلنامه کتاب زنان*، شماره ۱۱.
۲۱. صانعی سید مهدی (۱۳۸۷)، *پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی*، چاپ اول، انتشارات سناباد، مشهد.
۲۲. صدر سیدرضا (۱۳۸۶)، *زن و آزادی*، به کوشش سیدباقر خسروشاهی، چاپ اول، انتشارات بوستان کتاب، قم.
۲۳. صدر سید صدرالدین (۱۳۶۲)، *المهدی*، ترجمه محمدجواد نجفی، انتشارات کتاب فروشی الامامیه، قم.
۲۴. طبسی محمدجواد (۱۳۷۰)، *زنان در حکومت امام زمان*، ص ۱۴، چاپ اول: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، تهران.

۲۵. طبسی نجم الدین (۱۳۳۴)، *چشم اندازی به حکومت مهدی (عج)*، ویرایش ۲، چاپ چهارم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۶. عاملی سیدجعفر مرتضی (۱۴۲۴.ق)، *بیان الائمه*، ج ۳، ص ۳۳۸، لبنان.
۲۷. عاملی شیخ حر (۱۴۱۴.ق)، *وسائل الشیعه*، انتشارات اسلامیه، ج ۱۹، باب ۲، مشهد.
۲۸. علائی رحمانی، فاطمه (۱۳۶۹)، *زن از دیدگاه نهج البلاغه*، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، قم.
۲۹. عظیمی، کاظم (۱۳۸۹)، «درآمدی بر فرهنگ و عناصر آن»، *مجله دین و ارتباطات*، شماره ۳۷.
۳۰. ماری آلیس واترز و اولین رید (۱۳۸۳)، *فمینیسم و جنبش مارکسیستی*، ترجمه مسعود صابری، ص ۱۰۵، چاپ اول: انتشارات طلایه پرسو، تهران.
۳۱. مجلسی محمد باقر (۱۱۰۳.ق)، *بحارالانوار*، جلد چهاردهم، انتشارات دارالکتب اسلامیه، باب ۲۷، ۲۵، ۳۴، قم.
۳۲. محمودی سید علی (۱۳۸۵)، *نظریه آزادی در فلسفه سیاسی هابز و لاک*، ص ۱۷، چاپ اول: پژوهش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
۳۳. موسوی اصفهانی محمدتقی (۱۳۸۰)، *مکیال المکارم*، ج ۱، ص ۱۶۷، چاپ اول: انتشارات برگ شقایق، قم.
۳۴. نیشابوری حاکم (۱۴۱۷.ق)، *مستدرک علی الصحیحین*، جلد ۲، انتشارات دارالحرمین. قاهره.
۳۵. نوری، حسین بن محمدتقی (ق ۱۳۲۰ - ۱۲۵۴)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: موسسه آل البیت (ع)، الاحیاء التراث، ۱۴. ق. = ۱۳۶.
۳۶. واتسون، هلن. (۱۳۸۲)، «زنان و حجاب»، ترجمه مرتضی بحرانی. *فصلنامه کتاب زنان*، شماره ۲۰، ص ۳۰۹-۳۳۰.
۳۷. اولین رید (۱۳۸۰)، *آزادی زنان، مسائل، تحلیل ها و دیدگاه ها*، ترجمه افشنگ مقصودی، چاپ اول: نشر گل آذین، تهران.

38. Glenn Kessler (March 3, 1015). *The zombie statistic about women's share of income and property*. The Washington Post . Retrieved May 3, 2020.

39. America, 1967–1975. *Minneapolis: University of Minnesota Press*. ISBN 978-0-8166-1787-6.

40. Roberts, Jacob (2017). *Women's work*. Distillations. Vol. 3, no. 1. pp. 6–11. Retrieved 22 March 2018.

41. Messer-Davidow, Ellen (2002). ***Disciplining Feminism: From Social Activism to Academic Discourse***. Durham, NC: Duke University Press. ISBN 978-0-8223-2843-8.
42. hooks, bell (2000). ***Feminism is for Everybody: Passionate Politics***. Cambridge, Massachusetts: South End Press. ISBN 978-0-89608-629-6.
43. Chodorow, Nancy (1989). ***Feminism and Psychoanalytic Theory***. New Haven, Conn.: Yale University Press. ISBN 978-0-300-05116-2.
44. Gilligan, Carol (1977). ***In a Different Voice: Women's Conceptions of Self and of Morality***. Harvard Educational Review. 47 (4): 481–517

ENGLISH ABSTRACTS

Manifestations of Pedagogy in the Husaynī Movement

Mohammad Sadeq Hamedī¹

(Received: February 14, 2025, Accepted: March 12, 2025)

Abstract

The conduct (*sīrah*) of Imam Husayn, as a continuation of the *sīrah* of the Prophet Muhammad, has always been of great significance to Muslims, with particular emphasis on its socio-political dimensions. However, the most fundamental role of the Infallible Imams, which serves as the foundation for all their various contributions, is their educational approach—especially their teaching and learning methodology based on the Holy Qur'an. This aspect warrants greater attention. This research, employing a descriptive-analytical method, aims to explore the theme of education and upbringing in the Qur'an, extract key principles from it, and examine their manifestation in the Prophet's educational model. It then traces these principles in the *sīrah* of Imam Hussein to demonstrate their capacity for fostering a shared understanding and common language among individuals across different roles, ages, and decision-making contexts. To achieve this, the study first briefly outlines these principles. Subsequently, through a case study approach, ten instances from the course of Imam Hussein's movement have been selected, and the impact of this unified educational model on them has been analyzed.

Keywords: Prophetic *Sīrah*, Husaynī Movement, Education, Teacher and Pedagogy.

1. Master's in Software Engineering, Assistant Professor (Teacher) (Computer Technology Instructor) at the Education and Training Organization of District 11 in Tehran, Researcher at the Cultural and Artistic Institute of the Quran Language Promotion and Publication Center (Quran Language Center): mshamed2003@gmail.com

An Exploration of the Qur'an and Ahl al-Bayt (as), the Civilization Builders

Mohammad Marefat¹

(Received: November 29, 2024, Accepted: January 07, 2025)

Abstract

The formation of civilization in any society is an expression of social, economic and cultural progress, and a sign of progress, growth and development in all fields of activity of that society. The main goal of this article is to identify and analyze the elements of civilization in the sources of Shiite thought. In this article, we are looking for an answer to the question of what are the civilization-building elements in the sources of Shia thought and what role do they play in Islamic civilization, by descriptive analytical method and library data collection? The findings of this article show that in the sources of Shia thought, we see many orders on civilization-building elements. Elements such as the production of thought, reasoning and rationalism, justice-oriented, public security, institutionalization of law and order, commitment to moral principles, trans-ethnic attitude, tolerance and wealth, production of wealth and capital, power and authority, solidarity and public participation and attention to urbanization and architecture are influential elements for creating civilization. The necessity and importance of this research is in dispelling unjust accusations regarding the flourishing and expansion of Islamic civilization and creating self-confidence for Shiites in solving various problems and creating transformation in society.

Keywords: Qur'an, Ahl al-Bayt (as), Civilization, Islamic Civilization, Elements of Civilization, Sources of Islamic Thought.

1. Assistant Professor of the Department of Islamic Studies, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran: m.marefat@iau-tnb.ac.ir

The Relationship between Islamic Religiosity and Intellectual Capital with the Promotion of Mahdism Thought through the Role of Female Teachers' Self-Efficacy

Sirous Haddadnia¹

(Received: February 23, 2025, Accepted: March 12, 2025)

Abstract

The purpose of this study was to investigate the relationship between Islamic religiosity and intellectual capital by promoting the idea of Mahdism through the role of self-efficacy of female teachers in Shiraz schools. The present study was applied in terms of its purpose and descriptive correlational research in terms of data collection method and cross-sectional in terms of time. The statistical population in this study was all female elementary school teachers in Shiraz's fourth district (850 people) and using the Morgan-Krejci table, the number of statistical samples was about 256 people. In this study, the standard questionnaires of teacher self-efficacy by Schwarzer (2008), Mahdism questionnaire by Hosseinzadeh et al. (2009), Islamic religiosity by Safdel (2014), and intellectual capital by Bontis and Holland (2002) were used. The face validity of the questionnaires was obtained through expert confirmation and the reliability was obtained by calculating Cronbach's alpha as 0.91, 0.88, 0.93, and 0.90, respectively. Pearson correlation tests and path analysis were used to analyze the data. The results of the Pearson correlation test showed that religiosity, intellectual capital, self-efficacy, and Mahdism thought have a significant relationship. Finally, the results of the path analysis test showed that self-efficacy has a mediating role on the relationship between religiosity and intellectual capital with promoting Mahdism thought among female elementary school teachers in District 4 of Shiraz.

Keywords: Islamic Religiosity, Intellectual Capital, Self-Efficacy, Promotion of Mahdism Thought.

1. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Noorabad Mamasani Branch, Islamic Azad University, Noorabad Mamasani, Iran: s_haddadnia@yahoo.com

Causes and Consequences of Religious Extremism in the Ahl al-Bayt (as) Teachings

Ali Naghavi¹
Majid Maaref²

(Received: February 12, 2025, Accepted: March 15, 2025)

Abstract:

Islam is a realistic and truth-oriented religion. To prevent any deviation from the true path, the Holy Prophet (peace and blessings of Allah be upon him and his pure progeny) and the infallible Imams (peace be upon them) have made many efforts to keep this religion safe and secure from possible degradation. This important issue can only be realized by benefiting from and following the Holy Qur'an and the life of the Holy Prophet (pbuh) and Ahl al-Bayt (as). Therefore, it is necessary to enlighten the youth about the foundations, causes, factors and origins of extremism and to prevent it. The use of components such as rationality, moderation, mutual respect of people and friendly dialogue is considered as the key to providing and maintaining stable security in order to curb their extremism and violent behavior by preventing challenging ways. As a result, following the path of moderation and rationality, unity among Muslims will be provided. This research, with the descriptive-analytical method and the library method and benefiting from the necessary documents, tools and documents related to religious extremism, performs the correct use of religious teachings of the Ahl al-Bayt (as) in order to prevent religious extremism by analyzing the foundations of religious extremism and criticizing it.

Keywords: Religious Extremism, Ahl al-Bayt (as), Islamic Education, Salafism.

1. PhD Student in Quranic Sciences and Hadith, Faculty of Theology, Law, and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran: alinaghaviazari2018@gmail.com

2. Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Faculty of Theology, University of Tehran, Iran (corresponding author): maaref@ut.ac.ir

Analyzing the Solutions to Deal with Anti-Religious Propaganda in Cyberspace with Emphasis on the Teachings of the Holy Qur'an

Mohammad Bidgoli¹

Asghar Rajabi Dehborzoei²

Abbas Ali Rostami Sani³

(Received: November 29, 2024, Accepted: February 17, 2025)

Abstract:

Today, we live in an era where the environment around us is full of information produced by various domestic and foreign media, and it can be said that we are in a situation of media saturation. Imam Khamenei emphasizes that virtual space, along with its advantages, also has disadvantages, which managers and cultural officials need to pay special attention to. Therefore, in the current research, an attempt has been made to answer this question, what are the strategies to deal with anti-religious propaganda in the virtual space with an emphasis on the teachings of the Holy Qur'an? The current research is an e-applied development and according to the necessity of the research, documentary methods and qualitative content analysis have been used. The findings of this research indicate that the solutions to deal with anti-religious propaganda in cyberspace with an emphasis on the teachings of the Holy Qur'an include promoting media literacy, appropriate training, content production, strengthening moral virtues, and increasing insight through qualitative content analysis. As a result, the more these factors increase among religious audiences, the less likely they will be caught in the trap of anti-religious propaganda.

Keywords: Teachings of the Holy Qur'an, Anti-Religious Propaganda, Media Literacy, Virtual Space.

1. Assistant Professor, Department of Law, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (corresponding author): mohammad.bidgoli@yahoo.com

2. Assistant Professor and Faculty Member, Faculty of Theology, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran: asgharrajabi021@gmail.com

3. Faculty member, Department of Jurisprudence and Law Principles, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran: abbasalirostamisani39@gmail.com

Investigating the Relationship of Women with Mahdism and Feminist Thought Movements

Mina Habib Nia¹

Mehdi Makani²

(Received: February 22, 2025, Accepted: March 19, 2025)

Abstract

Expressing devotion to Imam Mahdi (as) on the one hand requires recognizing that sacred being and on the other hand requires recognizing oneself and the responsibilities and duties that humans have. In this way, recognition and awareness are not enough, but practical action is also necessary. Undoubtedly, the personality characteristics of women are not unrelated to the responsibility of bearing children and raising a generation entrusted to them by God Almighty. If it is mentioned in the narrations that individuals in society are preparing to accept the global rule of Imam Mahdi (as), then undoubtedly, a faithful and prepared generation is a far cry from reality without women playing the role of educators of this generation. Feminism has made women's identity slaves to the sensual desires of men with deceptive tactics such as employment and social activities, with solutions such as abortion and unlimited sexual freedoms. The result of the women's movement in the West has been nothing but a family crisis and a motherhood crisis. The purpose of this study is to examine the relationship between women during the Mahdism era and the currents of feminist thought.

Keywords: Mahdism, Waiting, Women, Feminist Thoughts.

1. Nursing Department, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran
(Corresponding author): mina.habibnia2014@gmail.com

2. Master's Graduate in Human Resource Management, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran: mehdimakani9799@gmail.com

Table of Contents

- **Manifestations of Pedagogy in the Husaynī Movement**

Mohammad Sadegh Hamedī

- **An Exploration of the Qur'an and Ahl al-Bayt (as), the Civilization Builders**

Mohammad Marefat

- **The Relationship between Islamic Religiosity and Intellectual Capital with the Promotion of Mahdism Thought through the Role of Female Teachers' Self-Efficacy**

Sirous Hadadnia

- **Causes and Consequences of Religious Extremism in the Ahl al-Bayt (as) Teachings**

Ali Naghavi

Majid Maaref

- **Analyzing the Solutions to Deal with Anti-Religious Propaganda in Cyberspace with Emphasis on the Teachings of the Holy Qur'an**

Mohammad Bidgoli

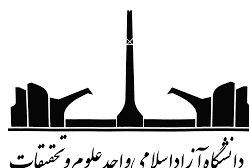
Asghar Rajabi Deh Borzoie

Abbas Ali Rostami Sani

- **Investigating the Relationship of Women with Mahdism and Feminist Thought Movements**

Mina Habib Nia

Mehdi Makani



**Quarterly Journal of Research
for the Studies of the Ahl al-Bayt (as)
Year 3, Issue 10, Winter 2025**

Managing Editor: Abbasali Rostami Sani
Editor in Chief: Mohammad Reza Aram

Editorial Board:

Mohammad Reza Aram (Associate Professor of Islamic Azad University, Science and Research Branch), Ahmad Hasani Ranjbar (Professor of Allma Tabatabayi University, Tehran), Mohammad Sharifani (Associate Professor of Allma Tabatabayi University, Tehran), Susan Ale Rasoul (Professor of Islamic Azad University, Karaj Branch), Mohsen Ghasem Pour (Professor of Allameh Tabatabai University, Tehran), Mohammad Jawad Fallah (Associate Professor, Department of Islamic Ethics, University of Islamic Studies), Abdolmajid Talebtash (Associate Professor of Islamic Azad University, Karaj Branch).

Advisory Board:

Abbas Ashrafi, Amir Tohidi, Majid Ma'aref, Mohammad Ali Mahdavi Rad, Mohammad Teimouri, Seyed Mohammad Razavi.

Translator: Mohammad Reza Aram

Editor: Mohammad Reza Aram

The authors are responsible for the content of their articles.

Address: Third Floor, No. 136, Staff Building 2, Forsat Shirazi St., Eskandari St., Qur'an and Etrat Research Institute, Tehran, Iran.

Tel: 0098 – 21 – 66571198, Fax: 0098 – 21 – 66434095

Email: ahlalbaytresearchpaper1@gmail.com

Web site: <https://sanad.iau.ir/journal/abq/>

In the Name of Allah, the Almighty